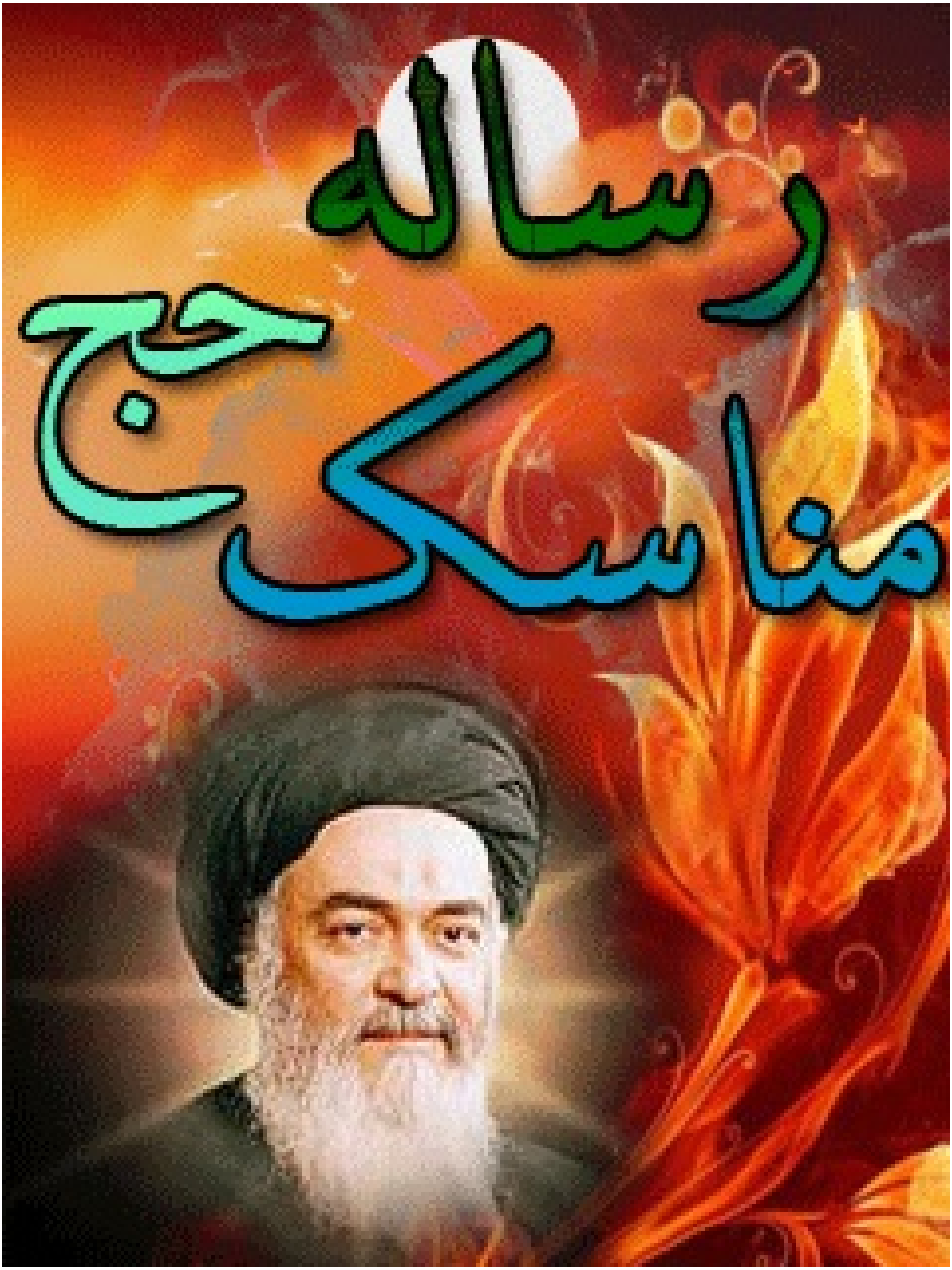

رساله
مناسک حج

بسم الله الرحمن الرحیم

مناسک حج آیت الله سید محمد حسینی شیرازی

نویسنده:

آیت الله سید محمد حسینی شیرازی

ناشر چاپی:

مرکز الرسول الاعظم صلی الله علیه و آله وسلم للتحقیق و النشر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رساله مناسک حج آیت الله محمد حسینی شیرازی (طبع جدید)

مشخصات کتاب

سرشناسه : حسینی شیرازی، محمد

عنوان و نام پدیدآور : رساله مناسک حج/ مطابق با فتوای محمدحسینی شیرازی

مشخصات نشر : اصفهان: خوشنواز، ۱۴۲۱ = ۱۳۷۹.

مشخصات ظاهری : ص ۲۵۶

شابک : ۹۶۴-۷۲۹۳-۰۹-۰۷۵۰۰۰ریال

موضوع : حج -- رساله عملیه

موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه

موضوع : حج

رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۸/ح۵۵ر۵ ۱۳۷۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی : م ۷۹-۲۲۲۸۶

وجوب حج

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلاه و السلام علی محمد و آله الطاهرین واللّعن علی أعدائهم أجمعین.

مسأله: حج یکی از مهمترین ارکان دین است، زراره به روایت صحیح از امام باقر (ع) نقل کرده که حضرت فرمودند: (بنی الإسلام علی خمس: علی الصلاه والزکاه والحج والصوم والولایه) یعنی اسلام پنج رکن اساسی دارد: نماز، زکاه، حج، روزه و ولایت ائمّه معصومین (علیهم السلام).

مسأله: وجوب حج از ضروریّات دین اسلام می باشد، و کسی که وجوب حج را انکار کند با التفات به ضروری بودن آن و بدون اینکه شبهه ای برایش پیش آمده باشد کافر است، و ترک حج یا سبک شمردن آن به منزله کفر است.

مسأله: ترک حج بدون انکار، و تأخیرش برای کسی که مستطیع باشد بدون عذر شرعی از گناهان کبیره است، بطوری که در بعضی از روایات آمده: چنین کسی به دین یهود یا نصاری خواهد مرد گرچه ظاهراً با مرده او برخورد اسلامی می شود.

مسأله: حج در تمام عمر یک بار (بالاصاله) بر فرد مستطیع واجب می شود که (حَجه الاسلام) نام دارد، گرچه ممکن است به جهت عوارضی مانند نذر و عهد و قسم و بطلان حج انجام شده و مانند اینها چندین بار واجب گردد و غیر از حج واجب، حج مستحب می باشد.

مسأله: وجوب حج

با پیدایش شرایطش فوری است، یعنی باید در سال اوّل استطاعت انجام شود، و اگر در سال اوّل عمداً و یا به جهت عذری ترک شد باید در سال دوّم، و در صورت ترک در سالهای بعد انجام گردد.

مسأله: بر شخص مستطیع لازم است در اوّلین فرصت مقدّمات سفر حج را- هرچند طولانی باشد- آماده نماید، و اگر برای سفر کاروانهای متعدّدی باشد باید کاروانی را که مورد اطمینان برای رسیدن به حج است انتخاب نماید، و در صورت اطمینان به همه آنها رفتن با اوّلین کاروان لزومی ندارد، و جایز است با

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۲

کاروانهای بعدی سفر کند، و در این صورت اگر باکاروانهای بعدی رفت واتّفاقاً به حج نرسید و دوباره هم استطاعت پیدا نکرد گناه نکرده وحج هم مستقر نمی شود یعنی بر ذمّه او باقی نیست.

مسأله: اگر با کاروانهای بعدی اطمینان به درک حج نداشت و درعین حال با همانها سفر کرد چنانچه به حج رسید معصیت نکرده و حج نیز صحیح است، و اگر به حج نرسید گناه کرده و حج نیز استقرار پیدا می کند یعنی بر ذمّه اش باقی می ماند و باید بعداً انجام دهد.

شرایط وجوب حجهالاسلام

مسأله: وجوب حج دارای شرایطی است: ۱- بلوغ. ۲- عقل. ۳- آزادی. ۴- استطاعت.

مسأله: شرط اوّل: بلوغ است، پس بر بچّه نابالغ- هرچند نزدیک به بلوغ باشد- حج واجب نیست.

مسأله: مستحب است طفل ممیّز حج نماید، و در صحّت آن اذن ولیّ مانند پدر معتبر است، و اگر بقیّه شرایط وجوب حج را دارا باشد جز بلوغ، حجّش صحیح ولی مجزی از (حجهالاسلام) نخواهد بود.

مسأله: هرگاه نابالغ به حج رفت و قبل

از احرام بالغ شد و نیز مستطیع بود حجّش صحیح و (حجهالاسلام) می باشد.

مسأله: هرگاه به عقیده اینکه بالغ نشده حج استحبابی انجام داد و بعد معلوم شد که بالغ بوده حجّش صحیح و مجزی از (حجهالاسلام) می باشد، مگر اینکه حج را با قید استحبابی انجام داده بطوری که اگر متوجّه می شد واجب است انجام نمی داد و این فرض بسیار نادر است.

مسأله: ولیّ طفل غیر ممیّز خواه پسر باشد یا دختر مستحب است او را محرم نماید، به این معنی که لباسهای احرام را به او پوشانده، و او را به تلبیه گفتن وادارد، اگر قابل تلقین باشد به این معنی که طفل بتواند هرچه را به او بگویند بگوید، و اگر قابل نباشد ولیّ نیّت نیابت از طرف طفل نموده و تلبیه بگوید، و باز دارد او را از آنچه بر محرم حرام است، و او را به انجام آنچه از اعمال حج قدرت دارد وادارد و آنچه را که نمی تواند، خود به نیابت او انجام دهد، و او را دور خانه خدا طواف داده و بین صفا و مروه سعی دهد، و در عرفات و مشعر وقوفش دهد و وادار کند رمی جمرات را شخصا انجام دهد در صورت امکان، و همچنین است نماز طواف و تراشیدن سر و بقیّه اعمال حج.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۳

مسأله: نفقه عادلانه حجّ بچّه (حتّی آنچه که ما زاد بر نفقه عادی او در وطن است) از مال خود بچّه می باشد، مگر اینکه موجب فقرش شود که جایز نیست.

مسأله: پول قربانی بچّه از مال خود اوست و اگر مالی نداشت ولیّ باید از مال خودش از

طرف او قربانی را انجام دهد.

مسأله: کفاره شکار بچه از مال ولیّ است اگر پدر باشد، و اگر ولیّ غیر پدر باشد از مال خود بچّه است، اما کفّارات دیگر (غیر از کفاره شکار) از مال خود بچّه است چه ولیّ پدر باشد و چه غیرش.

مسأله: در صورتی که کفاره از مال بچّه باشد اگر ولیّ کفّاره را از مال او پرداخت، وظیفه انجام شده، و اگر ولیّ نپرداخت بر ذمّه بچّه باقی است و باید بعد از بلوغ بپردازد.

عقل

مسأله: شرط دوّم: وجوب حج عقل است. پس بر دیوانه هرچند ادواری باشد (یعنی گاه بیگاه) حج واجب نیست، بلی اگر مستطیع بود و قدرت انجام بیشتر اعمال حج، از جمله ارکان حجّ را، در حال عقل داشت حج بر او واجب می شود، و شخص بی هوش در حکم دیوانه است.

آزادی

مسأله: شرط سوّم: آزادی است، پس بر مملوک غلام و کنیز زرخرید حج واجب نیست، هرچند مستطیع و مأذون از طرف مولایش باشد، البتّه با اذن مولی می تواند حج مستحبی انجام دهد و صحیح خواهد بود امّا از (حجّه الاسلام) کفایت نمی کند، و اگر بعد از آزادی مستطیع شود واجب است (حجهالاسلام) را انجام دهد.

استطاعت

اشاره

مسأله: شرط چهارم: استطاعت است و در آن پنج امر لازم می باشد: ۱- قدرت بدنی، ۲- نبودن مانع در راه، ۳- سعه وقت، ۴- زاد و راحله، ۵- رجوع به کفایت.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۴

۱- قدرت بدنی

مسأله: امر اوّل: قدرت بدنی برای انجام اعمال حج داشته باشد، پس کسی که به علّت بیماری یا پیری یا نقص عضو و مانند اینها نتواند اعمال حج را بجا آورد حجّ شخصاً بر او واجب نیست. امّا اگر بقیّه شرایط استطاعت را داشته باشد جز استطاعت بدنی، واجب است از طرف خود نایب بگیرد که حج را انجام دهد.

۲- نبودن مانع در راه

مسأله: امر دوّم: مانعی در راه نباشد، به این معنی که منع دولتی و خطر جانی و مالی و ناموسی در رفت و برگشت و اقامت در

آنجا نباشد. و نیز موانع شرعی دیگری مثل ترک واجب اهم از حج، نظیر وجوب جهاد عینی، یا ارتکاب گناهی که مفسده اش از مصلحت حج شرعاً بیشتر است نباشد، بنا بر این اگر در سفرش مال زیادی داشته باشد که رفتن به حج موجب تلف آن مال می شود، حج واجب نخواهد بود.

۳- سعه وقت

مسأله: امر سوّم: سعه وقت است، به این معنی که وقت برای رفتن به مکه معظّمه و بجا آوردن اعمال واجب در آنجا کافی باشد، بنا بر این اگر تحصیل مال وقتی شد که زمان، رسای رفتن مکّه معظّمه و انجام اعمال حج نیست، یا وقت هست ولی با مشقّت زیادی که نوعاً تحمل نمی شود، حج واجب نخواهد بود.

۴- زاد و راحله

مسأله: امر چهارم: داشتن زاد و راحله است.

و معنی (زاد) داشتن مایحتاج روزمره انسان است از خوردنی و آشامیدنی و مسکن و امثالش، یا پولی که بتواند در موقع نیاز آنها را تهیّه کند.

و معنی (راحله) داشتن وسیله ذهاب و ایاب است ولو در شرایط فعلی بلیط هواپیما یا ماشین یا کشتی باشد.

مسأله: زاد و راحله باید مناسب با موقعیّت شخص باشد. و چنانچه برای کسی بدون مشقّت و حرج پیاده روی ممکن باشد داشتن راحله لازم نیست.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۵

مسأله: ملاک و میزان در زاد و راحله وجود فعلی آنها است و برکسی که می تواند آنها را با کار و کاسبی در مسیر راه تأمین نماید حج واجب نیست.

مسأله: استطاعتی که در وجوب حج معتبر است، استطاعت از مکان فعلی مکلّف است که فعلًا در آنجا است نه از وطنش، پس هرگاه مکلّف مثلًا برای تجارت یا غیر آن به مدینه منوّره و یا جدّه رفت و مصادف با موسم حج شد و از آنجا هزینه حج را داشت (گرچه با این هزینه از وطن مستطیع نمی شد) حج بر او واجب است اگر بقیّه شرایط را دارا باشد.

مسأله: اگر هزینه سفر حج منحصر باشد به فروش ملکی به کمتر از نرخ متعارف

آن و این فروش حرجی نباشد، واجب است آن را بفروشد و به حج برود، و اگر حرجی باشد حج واجب نیست.

مسأله: اگر موقّتاً هزینه و مخارج حج بالا برود مثل اینکه کرایه و امثالش برای خصوص این سال زیاد شده و برای سالهای بعد به قیمت عادی بر می گردد و مکلّف قدرت بر پرداخت زیادی آن- بدون اجحاف- را داشته باشد، تأخیر جایز نیست و باید همان سال به حج برود.

مسأله: در استطاعت، داشتن هزینه رفت مسلّما معتبر است و امّا هزینه برگشت به وطن وقتی معتبر است که مکلّف بخواهد به وطن باز گردد، و امّا اگر زندگی در مکّه با زندگی در وطن یا جای دیگر برایش یکسان باشد و مشقّتی نداشته باشد و بخواهد در مکّه بماند، داشتن هزینه بازگشت در استطاعت شرط نیست، و تنها با داشتن هزینه رفت استطاعت حاصل است، و حج واجب خواهد بود. و همین ملاک در بازگشت به جای دیگر غیر از وطن نیز جریان دارد، یعنی اگر بخواهد در شهر دیگری زندگی کند هزینه بازگشت به آنجا شرط است. و همچنین داشتن هزینه مدّت اقامت در مکّه نیز در استطاعت شرط است.

۵- رجوع به کفایت

مسأله: امر پنجم از اموری که برای حصول استطاعت لازم است: رجوع به کفایت می باشد، یعنی مکلّف پس از بازگشت از حج بتواند خود و عائله اش را اداره نماید به وسیله کاسبی یا زراعت یا غیر آن، و دچار تهیدستی و فقر نشود، پس اگر مکلّف پولی دارد که سرمایه کسب اوست و اگر آن مبلغ را صرف حج نماید از کاسبی می ماند و راه دیگری هم برای تأمین زندگی مناسب شأن

خود ندارد حج بر او واجب نیست.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۶

مسأله: فروختن چیزهای ضروری زندگی و آنچه که مورد احتیاج انسان است، لازم نیست، مانند منزل مناسب شأن و لباسهایی که برای زینت و آبرو دارد و اثاث منزل و ابزار کار که برای زندگی به آنها محتاج است و همچنین کتاب نسبت به اهل علم که برای تحصیلاتش لازم است و مانند اینها.

مسأله: اگر لوازم ذکر شده بیش از مقدار حاجت باشد و مقدار اضافه، هزینه حج را تأمین کند فروشش برای صرف در راه حج واجب است، مثلًا شخصی دو منزل دارد و یکی اضافه بر نیاز زندگی او است واجب است یکی را فروخته و به حج برود.

مسأله: اگر یکی از لوازم مورد نیاز انسان از مصرف خارج شد، مثل طلا آلات و جواهرات برای خانمی که تا جوان بوده نیاز و مصرف داشته و در سنّ پیری از آنها استفاده نمی کند و به آنها خود را تزیین نمی نماید چنانچه شأن او نباشد و اگر آنها را بفروشد هزینه حج را تأمین می نماید واجب است بفروشد و حج انجام دهد.

مسأله: اگر انسان منزل ملکی داشته باشد، و منزل غیر ملکی نیز در اختیار او است که می تواند بدون ناراحتی و مشقّت در آن زندگی کند، مانند منزل وقفی که منطبق بر او باشد، واجب نیست منزل ملکی خود را که هزینه حج را تأمین می نماید فروخته و به حج برود، مگر در صورتی که در منزل وقفی سکونت دارد و عرفاً منزل ملکی محل حاجتش نباشد. و این حکم در بقیّه لوازم ملکی و غیر ملکی جریان دارد، مثلا اهل

علمی که کتابهای ملکی دارد و کتابهای موقوفه ای هم در اختیار او است.

مسأله: اگر کسی مقداری پول دارد و برای هزینه حج کافی می باشد، امّا ازدواج نکرده و یا منزل مسکونی و یا سایر وسائل زندگی ندارد، وجوب حج مقدّم است مگر اینکه ترک ازدواج و ترک خرید وسایل زندگی برایش حرجی بوده و مشقت زیادی داشته باشد که معمولاً مردم تحمل آن را نمی کنند، در این صورت حج واجب نخواهد بود.

مسأله: هرگاه انسان هزینه حج را در دست ندارد، ولی از کسی طلبی دارد که برای هزینه حج کافیست، و وقت آن رسیده و بدهکار نیز خوش حساب است و چنانچه مطالبه شود می پردازد، واجب است مطالبه نماید و در حج مصرف کند.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۷

مسأله: اگر بدهکار بد حساب است و بدهی را پرداخت نمی کند امّا به وسیله رجوع به شخص دیگری می توان طلب را وصول کرد واجب است مراجعه به آن شخص نموده و طلب خود را دریافت و صرف در حج نماید.

مسأله: اگر بدهکار منکر بدهی است واجب است با مراجعه به دادگاه- ولو دادگاه جور- اثبات طلب کند و آن را بگیرد و در حج مصرف نماید.

مسأله: اگر طلب مدّت دارد و وقت آن نرسیده ولی بدهکار به خاطر حج آمادگی پرداخت آن را دارد، مطالبه اش و صرف در حج واجب است علی الأحوط. و امّا اگر بدهکار بیپول، یا بدحساب باشد و اجبارش به وسیله دیگری ممکن نباشد، و یا طلب مدّت دار است و بدهکار پیش از مدّت پرداخت نمی کند، و یا منکر بدهی است و اثباتش در دادگاه حرجی است، در تمام این موارد حج

واجب نیست.

مسأله: بر کسی که بر اثر حج تمام دارائی خود را مصرف می کند تا فقیر شود حج واجب نیست، حتّی اگر از موقوفه بر فقرا بتواند زندگی خود را اداره نماید.

مسأله: بر مستطیع لازم نیست که حتما با پول خودش به حج برود، پس هرگاه با پول غیر یا پول گدایی و امثال آن به حج برود واجب انجام شده است. اما اگر با مال غیر که حرام است حج را انجام داد و لباس احرام و لباس طواف و لباس سعی از مال حلال بود حج صحیح است، اگر چه نسبت به مصرف مال حرام معصیت کرده، امّا اگر یکی از آن لباسها حرام باشد معصیت نموده و حج نیز باطل است.

احکام استطاعت

اشاره

مسأله: تحصیل استطاعت به کسب یا غیر آن واجب نیست، بنا بر این اگر مالی به انسان هدیه شود که معادل هزینه حج باشد قبول آن لازم نیست.

مسأله: اگر کسی از انسان بخواهد خود را برای خدمتی اجیر کند که با اجرتش مستطیع خواهد شد قبولش واجب نیست، هرچند آن خدمت لایق به شأن او باشد.

مسأله: اگر کسی خود را در راه حج به اجرتی که معادل هزینه حج است اجیر نمود و با آن اجرت مستطیع شد، چنانچه در تمام مسیر حتّی در عرفات و مشعر و منی همراه با حجّاج بود و کارش منافات با اعمال حجّش نداشت، حج در همان سال بر او واجب می گردد.

رساله مناسك حج (طبع جدید)، ص: ۸

مسأله: اگر در حج اجیر شود و کارش منافات با اعمال حج داشته باشد مثل اینکه اجیر شده برای محافظت از اموال کاروان، و مدت وقوف در عرفات

و مشعر بایـد برای حفظ اثاث حجّاج در شـهر مکّه معظّمه بماند، در آن سال مسـتطیع نیست و حج بر او واجب نخواهد بود، و لازم نیست پول را تا سال دیگر نگه دارد.

مسأله: اگر کسـی برای اعمال حج از طرف دیگری نایب شد به اجرتی که برای خود اجیر نیز استطاعت آور بود مثلًا هزینه حج صـد هزار تومان است و او اجیر شد به دویست هزار تومان یعنی با آن اجرت می تواند دو حج انجام بدهد چنانچه طرف اجازه ندهـد که حج نیابی را در سال بعد بجا آورد، باید امسال حج نیابی را بجا آورد و باقیمانده را لازم نیست حفظ کند تا در سال بعد حج خودش را انجام بدهد، و اگراجازه بدهد واجب است امسال حج خود را انجام دهد و سال بعد حج نیابی را.

مسأله: هر گاه انسان هزینه حـج را نداشـته باشد امّا می تواند با قرض هزینه حج را تأمین کند و قدرت دارد آن را بعد از حج از کاسبی یا هماننـد آن ادا کنـد، واجب نیست قرض نمایـد، و حـج بر او واجب نیست، بلکه حتّی اگر معادل هزینه حـج را قرض کرد استطاعت شرعیّه پیدا نشده و حج بر او واجب نخواهد شد.

مسأله: اگر انسان هزینه حـج را داشـته باشـد امّا بدهی دارد، بطوری که اگر حج برود نمی تواند بدهی خود را ادا نماید، و اگر بدهی خود را بدهد اسـتطاعت بر حج ندارد، حج واجب نیست، چه قرض مدّت دار باشد یانه، چه قبل از بدهی این هزینه را به دست آورده باشد و چه بعد.

مسأله: اگر به مقدار هزینه حج پول دارد و ضمناً

حقوق واجبه شرعيّه نیز بدهکار است- مانند خمس و زکات و کفّاره مالی- و اگر این هزینه را مصرف حج نماید توان اداء آن حقوق را نخواهد داشت و اگر حقوق را ادا نماید به مقدار هزینه حج نخواهد داشت، در این صورت حج واجب نیست، بلکه لازم است حقوق را ادا کند.

مسأله: اگر مقداری مال دارد و نمی داند که برای حج کافی هست یا نه، برای اینکه نمی داند هزینه حج چه قدر است، یا مقدار هزینه را می داند امّا مقدار پول را نمی داند، واجب است تحقیق نماید.

مسأله: چنانچه پولی داشته باشد که در دسترسش نیست و در جای دیگر است و پول دیگری ندارد اگر نتواند در آن مال هرچند با وکالت به غیر تصرّف کند حج بر او واجب نخواهد بود، و هر وقت تمکّن پیدا کند حج واجب می شود.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۹

مسأله: هرگاه انسان ازنظر مالی مستطیع شد، امّا وقت حج نرسیده است لازم نیست این تمکّن مالی را برای حج حفظ نماید، بنا بر این جایز است در آن مال طوری تصرّف کند که از استطاعت خارج شود، مثلا به دیگری ببخشد، مگر وقتی باشد که قافله به طرف حج حرکت می کند.

مسأله: همانطور که داشتن زاد و راحله و وسیله معاش و سواری برای رفتن لازم است برای برگشتن اگر نیاز به برگشت باشد و برای مدت توقف در مکه نیز لازم است، بنا بر این اگر هزینه حج چه قبل از سفر و چه تا پایان سفر به هر شکلی از بین رفت معلوم می شود که استطاعت نداشته و حج واجب نبوده است.

مسأله: اگر پول انسان به

مقـدار هزینه حج باشد ولی نمی دانست یا غفلت از وجوب حج داشت و بعد از توجه و علم، مال تلف شده بود، حج بر ذمه او استقرار پیدا نمی کند.

مسأله: حج مثل سایر واجبات بر کافر مستطیع واجب است، ولکن تا وقتی بر کفر خود باقی است نمی تواند حج صحیح انجام دهد، و اگر مسلمان شد و استطاعتش باقی بود حج بر او واجب بوده و می تواند صحیحاً انجام دهد.

مسأله: اگر کافر قبل از اسلام استطاعتش از بین رفت سپس مسلمان شد حج بر او واجب نیست، و اگر در حال کفر مستطیع نبود و پس از مسلمان شدن استطاعت پیدا کرد حج بر او واجب است.

مسأله: حج بر مرتدّ (کسی که مسلمان بوده واز اسلام برگشته) چه ملّی و چه فطری باشد واجب است، امّا انجامش در حال ارتداد صحیح نخواهد بود و هرگاه توبه کرد و حج نمود صحیح است ولو مرتدّ فطری باشد، بنا بر اقوی.

مسأله: چنانچه مسلمان غیر شیعه حج انجام داد و بعداً شیعه شد در دو صورت احتیاج به اعاده ندارد:

۱- اگر حج را طبق مذهب خودش صحیح انجام داده باشد، حتی اگر طبق مذهب شیعه صحیح نباشد.

۲- اگر حج، طبق مذهب شیعه صحیح باشد حتّی اگر طبق مذهب خودش باطل باشد و امّا اگر طبق مذهب خودش و مذهب شیعه هردو باطل باشد لازم است حج را اعاده نماید.

مسأله: هرگاه حج بر کسی واجب شد و در بجا آوردنش اهمال و تأخیر کرد تا استطاعش از بین رفت، واجب است حج را به هرترتیبی شده بجا آورد حتّی اگر به سختی باشد، و چنانچه قبل از حج بمیرد واجب

است از ارث وی حج را قضا نمایند و چنانچه کسی تبرّعاً و بدون اجرت به جای او حج نماید صحیح و کافی خواهد بود.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۰

حج بذلی

مسأله: همانطوری که انسان از مال خود مستطیع می شود و حج بر او واجب می گردد، اگر دیگری نیز هزینه حج را به او بذل نماید (مخارج را تکفّل کند) حج واجب خواهد شد، چه باذل (بخشنده) یکی باشد یا متعدّد، چه عین زاد و راحله را بذل نماید و چه قیمت آن را، و چه به مدیر کاروان بگوید او را به هزینه من به حج ببر، و یا به طریق دیگری.

مسأله: اگر شخصی (مثلًا علی) مالی را به مقدار هزینه حج وصیّت نماید یا وقف کند یا نذر نماید تا به شخصی (مثلًا حسن) بدهند که با آن حج نماید، هرگاه مال به او تسلیم شد حج بر او (حسن) واجب می شود، همانگونه که قبول واجب است، و امّا اگر قید نکرده بود که با آن مال حج نماید قبول واجب نیست، و چنانچه قبول نکرد حج نیز واجب نخواهد شد.

مسأله: رجوع به کفایت که معنایش در امر پنجم بیان شد، در حج بذلی اگر انجام حج در وضع زندگی او اثری نداشته باشد شرط نیست، و حج واجب می شود حتی اگر بعد از بازگشت معاشش تأمین نباشد. و اگر عمل حج در زندگی بعدی او اثر دارد مثل اینکه کسب او که تأمین کننده معاش سالیانه اوست منحصر به ایّام حج است و عمل حج او را از این کسب باز داشته و موجب کمبود هزینه معاش سالیانه شده، در چنین صورتی

رجوع به کفایت حتّی در حج بذلی شرط است.

مسأله: اگر کسی به انسان مالی معادل هزینه حج هدیه نماید و نامی از حج نبرد قبول این هبه واجب نیست و حج نیز واجب نمی شود. و چنانچه انسان به میل خودش قبول کرد مستطیع می شود و حج واجب می گردد، امّا اگر مبلغ را به او داد به شرط اینکه حج نماید و یا گفت: مخیّری می خواهی حج انجام بده یا نه، در این صورت قبول هدیه واجب است (مگر منّت و حرجی در بین باشد) و مستیطع بوده و حج واجب می گردد.

مسأله: اگر انسان با بذل مستطیع شد و بدهکار نیز بود چنانچه حج مانع از پرداخت بدهی تا آخر بشود حج واجب نیست، چه بدهی مدّت دار باشد یا نباشد، و چه طلبکار مطالبه بکند یا نکند. و اگر حج تا آخر عمر مانع از پرداخت بدهی نیست ولی پرداخت آن به تأخیر می افتد و طلبکار نیز مطالبه می نماید چه بدهی

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۱

مدّت دار باشد و یا نباشد حج واجب نیست، امّا اگر حج موجب تأخیر بدهی نشود و یا طلبکار راضی به تأخیر باشد حج واجب خواهد بود.

مسأله: هر گاه برای عده ای مالی را در میان بگذارند که یکی از آنها به حج برود، چنانچه یکی پیش دستی نموده و مال را برداشت تکلیف از دیگران ساقط می شود و به آن یک نفر متوجّه می گردد و چنانچه همه ترک کردند و پول را برنداشتند و حال آنکه قدرت داشتند، وجوب حج بر همه به نحو وجوب کفائی مستقر خواهد شد.

مسأله: با بذل تنها حجّی واجب می شود که وظیفه مبذول له

بوده در صورت استطاعتش و حج دیگری بر او واجب نمی گردد، پس اگر وظیفه مبذول له حج تمتّع بود و حج قران یا افراد- که معنای آن خواهد آمد- به او بذل شود، یا بالعکس یعنی کسی که وظیفه اش حج قران یا افراد است اگر حجّ تمتّع به او بذل شود، قبولش واجب نیست.

مسأله: کسی که (حجهالاسلام) بر ذمّه وی آمده یعنی مستیطع شده و حج نرفته تا اینکه بی پول و فقیر شده، اگر به او بذل شود قبولش واجب است و همچنین کسی که حج بر او به نذر و شبه آن واجب شده و تمکّن ندارد، واجب است بذل را قبول نماید.

مسأله: هرگاه به کسی پولی بذل شود که با آن حج انجام دهد و آن پول در بین راه تلف شود، وجوب حج از او ساقط می شود. اما اگر متمکّن باشد که سفر را ازمال خودش ادامه دهد و حج را بجا بیاورد در صورتی که بقیّه شرایط را دارا باشد باید آن را ادامه دهد و حجّش واجب و مجزی از (حجّهالاسلام) خواهد بود.

مسأله: در حج بذلی پول قربانی به عهده باذل است (بخشنده مال) پس اگر پول قربانی را نداد حج واجب نیست مگر اینکه خود مبذول له قدرت پرداخت پول قربانی را داشته باشد که در این صورت حج واجب خواهد بود.

مسأله: حج بذلی یعنی حجّی که انسان با پول دیگری بجا می آورد کفایت از (حجهالاسلام) می کند، و اگر گیرنده بعداً خودش مستطیع شود حجّی بر او واجب نخواهد بود.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۲

مسأله: باذل (بخشنده مال) جایز است پیش از داخل شدن مبذول له در احرام

از بـذل خود برگردد امّـا ضـامنِ هزینه ای است که مبـذول له متحمّل شـده از رفتن تا بازگشت به وطن، ولی بعـد از دخول در احرام احتیاط واجب این است که باذل از بذلش بر نگردد.

مسأله: اگر باذل از بذل خود برگشت چنانچه گیرنده پول از مال خودش اسـتطاعت دارد که حج را تمام نماید واجب است آن را تمام کرده و (حجه الاسلام) خواهد بود و اگر استطاعت ندارد وجوب حج ساقط می شود.

مسأله: چنانچه مالی برای حج به انسان بذل شد و با آن حج انجام داد سـپس معلوم شد که آن مال غصبی بوده این حج مجزی از (حجهالاسـلام) نخواهـد بود، و مالک آن مال برای گرفتن مالش حق دارد به هریک از دهنـده و گیرنده مراجعه کند و پول خود را بگیرد، لکن اگر از گیرنده گرفت گیرنده می تواند به دهنده مراجعه کند و عوض آنچه را داده بگیرد مگر اینکه ازاوّل خود گیرنده می دانسته که مال غصبی است.

مسأله: اگر مبذول له یکی از محرّمات احرام را که موجب کفّاره است انجام داد کفاره اش به عهده خود او است.

مسـأله: اگر کسـی که مسـتطیع نیست برای خود یـا دیگری تبرّعـاً یـا بـا اجـاره حـج انجام داد، این حـج برای خودش مجزی از (حجهالاسلام) نیست و هر وقت مستطیع شود باید (حجهالاسلام) را بجا آورد.

مسأله: اگر کسـی به اعتقاد اینکه مستطیع نیست به عنوان اسـتحباب به حـج رفت و قصـد فرمان برداری امر الهی را نمود و بعداً معلـوم شـد که مسـتیطع بوده، حجّش مجزی از (حجهالاسـلام) خواهـد بود، ودوبـاره حـج بر او واجب نیست، و امّـا اگر قصـد استحباب طوری بوده که اگر می دانست

واجب است انجـام نمی داد (البتّه این فرض خیلی نـادر است) از (حجه الاسـلام) کفایت نخواهـد کرد و هر وقت مسـتطیع شود حج بر او واجب می شود.

اذن شوهر

مسـأله: در حـجّ واجب اذن شوهر برای زن وقتی که مسـتطیع شـد رط نیست، و شوهر نمی توانـد مـانع از انجام (حجهالاسـلام) بشود.

مسأله: در حجّ استحبابی اذن شوهر شرط است، و حقّ دارد زن را از رفتن به حج مستحب منع نماید.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۳

مسأله: زنی که در عدّه طلاق رجعی است، شرعاً در حکم شوهردار می باشد و همین حکم را دارد.

مسأله: همراه داشـتن محرم در وجوب حـج بر زن در صورت امنیّت جانی و ناموسـی شـرط نیست، و هر گاه بـدون محرم امنیّت نـداشت همراه بـودن محرم حـتی اگر بـا پرداخـت اجرت باشـد لازم اسـت، و درایـن صـورت اگر زن هزینه اجرت را نداشـت استطاعت ندارد و حج واجب نخواهد بود.

حج نذری

مسأله: بلوغ، عقل، آزادی و دیگر شرایطی که در احکام نذر بیان شده، در وجوب حج نذری شرط می باشد.

مسأله: کسـی که نـذر کرده مثلًا همه ساله روز عرفه در کربلای معلّی، حضـرت سیّدالشـهداء (ع) را زیارت نمایـد و بعد از نذر مستیطع شـد نـذرش منحلّ شـده و حـج بر او واجب است. و همچنین است هر نذری که پیش ازاسـتطاعت نموده و مزاحم حج بشود، بعد از استطاعت نذر منحل می شود و حج واجب می گردد.

مسأله: شخص مستطیع در صورتی که توانایی جسمی داشته باشد باید شخصاً حج را انجام دهد و اگر کسی از طرف او تبرّعاً یا با اجرت و غیره حج نماید کفایت نمی کند. اما در حج مستحبّی اگر دیگری از طرف انسان حج انجام دهد اشکال ندارد.

نایب گرفتن

مسأله: در نایب شش شرط لازم است:

اوّل: بلوغ، پس نیابت نابالغ حتّی اگر ممیّز باشد صحیح نیست.

دوّم: عقل، پس نیابت دیوانه صحیح نیست، چه دیوانه همیشگی باشد یا گهگاهی (ادواری) اگر در حال دیوانگی نیابت نماید.

سوّم: اسـلام و ایمان، یعنی مسـلمان و شـیعه اثنا عشری بوده و معتقد به امامت تمام ائمّه اطهار (علیهم السلام) باشد، پس نیابت

غیر شیعه صحیح نیست، حتی اگر حج را طبق مذهب شیعه انجام دهد.

چهارم: عدالت یا اطمینان به اینکه نایب عمل را صحیح انجام می دهد.

پنجم: به احکام و افعال حج عالم باشد حتی اگر با راهنمائی عالمی در موقع انجام اعمال حج باشد.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۴

ششم: حجه الاسلام بر گردن نایب نباشد.

مسأله: نیابت از بچّه نابالغ و ممیّز و از دیوانه جایز است، بلکه در مورد دیوانه گهگاهی (ادواری) اگر در حال افاقه و سلامتی

حج بر او واجب شده و می توانسته انجام دهد اما انجام نداده باید پس از مرگش برای او نایب بگیرند.

مسأله: یک جنس بودن منوب عنه و نایب لازم نیست، بنا بر این نیابت زن از مرد و بالعکس جایز است.

مسأله: نیابت صروره (یعنی کسی که تاکنون حج نرفته) زن باشد یا مرد چند صورت دارد:

۱- نیابت زن صروره از مرد صروره، بنا بر احوط جایز نیست.

۲- نیابت مرد صروره از زن صروره جایز است بدون کراهت.

۳- نیابت زن صروره از مرد غیر صروره کراهت شدید دارد.

۴- نیابت زن غیر صروره از مرد صروره کراهت دارد.

مسأله: شرط است که منوب عنه مسلمان باشد، پس نیابت ازکافر صحیح نیست. و همچنین منوب عنه باید مرده باشد و یا اینکه توانائی جسمی برای انجام حج نداشته باشد، البتّه این حکم در حج واجب است ولی در حجّ مستحبّی نیابت از زنده جایز است حتی اگر منوب عنه توانائی جسمی داشته باشد.

مسأله: شرط است در صحّت نیابت قصد کند منوب عنه را ولو اجمالًا، و واجب نیست بردن نامش، گرچه در جمیع مواطن و مواقف مستحب است و قصد نیابت لازم است.

مسأله: همانطوری که نیابت به اجاره صحیح است به جعاله و تبرّع و شرط ضمن عقد نیز صحیح است.

مسأله: اجیر کردن شخصی که در ترک بعضی از اعمال معذور است بنا بر احوط جایز نیست، بلکه همین شخص معذور اگر تبرّعاً برای میّت حج انجام دهد فراغت ذمّه میّت مشکل است.

مسأله: کسی که حج بر ذمّه او مستقرّ شده و شخصا به علّت پیری یا بیماری یا مانع دیگری نتواند حج را بجا آورد و یا حرج و

مشقّت داشته باشد، واجب است نایب بگیرد.

مسأله: کسی که ثروتمند است و شخصاً بر انجام حج قدرت ندارد و یا حرج و مشقّت زیاد دارد گرچه حج بر ذمّه او مستقر نشده، واجب است برای انجام حج نایب بگیرد.

مسأله: نایب گرفتن مانند حج شخصی باید فوری انجام شود.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۵

مسأله: در صورتی که نایب به حج برود، و عذر منوب عنه تا موقع مرگش باقی بماند، حج نایب کفایت می نماید، و چنانچه قبل از مردن، عذر برطرف شد واجب نیست شخصاً حج را انجام دهد، گرچه احوط انجام آن می باشد.

مسأله: کسی که شخصاً از انجام دادن حج معذور است و تمکن نایب گرفتن نیز ندارد، وجوب حج از او ساقط می باشد، ولی اگر حج قبلًا بر ذمّه او مستقر بوده واجب است بعد از فوتش قضا شود. و اگر می توانست نایب بگیرد و نایب نگرفت در صورتی که حج بر او مستقر شده و مالی از او باقی مانده باشد قضاء واجب است.

مسأله: اگر گرفتن نایب واجب شد و نایب نگرفت اما شخصی تبرّعاً از طرف او حج انجام داد کفایت می کند گرچه احتیاط در گرفتن نایب است.

مسأله: نیابت از میقات جایز است گرچه احتیاط مستحب نیابت از شهر منوب عنه است.

مسأله: کسی که حج بر ذمّه اش مستقر بوده اگر بعد از احرام و بعد از دخول در حرم بمیرد کفایت از (حجهالاسلام) می کند، و اگر پیش از احرام و دخول در حرم بمیرد ظاهر این است که قضای حج واجب می باشد.

مسأله: هرگاه کسی که (حجه الاسلام) بر ذمّه اش هست بمیرد و وصیّت به حج نموده باشد، هزینه آن حج از

اصل ترکه برداشته می شود مگر اینکه مقیّد به ثلث کرده باشد در این صورت اگر ثلث کافی بود از ثلث برداشته می شود و بر بقیّه وصیّتهایش مقدّم است، و اگر ثلث کافی نبود باقیمانده را از اصل ترکه بر می دارند. و همچنین اگر این شخص بدون وصیّت بمیرد واجب است هزینه حج را از اصل ترکه برداشته و برای او نایب بگیرند.

مسأله: کسی که بمیرد و (حجهالاسلام) بر ذمّه وی باشد و نزد شخصی ودیعه و امانتی داشته باشد و این شخص بداند یا ظنّ داشته باشد که ورثه حج را انجام نخواهند داد حتّی اگر ودیعه را به آنها بدهد، بر این شخص لازم است برای میّت نایب بگیرد تا ذمّه میّت از حج فارغ شود، و چنانچه از آن ودیعه مبلغی زیاد بیاید آن را به ورثه بدهد. و فرقی نیست بین اینکه خود شخص از طرف میّت حج را انجام دهد و یا کسی را اجیر کند که از طرف میّت حج بجا بیاورد. و این حکم در اموال دیگر غیر از ودیعه مثل عاریه یا اجاره یا طلب و مانند آن جریان ندارد.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۶

مسأله: کسی که بمیرد و (حجه الاسلام) بر ذمّه وی باشد و از طرفی مقروض بوده و خمس و زکات نیز بر او واجب باشد و ارث او برای تمام اینها کافی نباشد، اگر مالی که خمس یا زکات به او تعلّق گرفته موجود باشد باید خمس یا زکات را بپردازند و چنانچه خمس و زکات به ذمّه وی منتقل شده بین آنها مخیّر است ولی تقدیم سایر بدهیها بر حج احوط است.

مسأله:

کسی که مرده و (حجهالاسلام) بر ذمّه او بوده اگر ماترک او برابر با هزینه حج باشد ورثه پیش از گرفتن نایب حق تصرف در مال او را ندارند، و اگر ماترک بیشتر از هزینه حج باشد و ورثه تصمیم گرفتن نایب را داشته باشند می توانند در قسمتی از ماترک تصرّف نمایند، و در رابطه با دیون دیگر نیز چنین است.

مسأله: کسی که فوت کرده و ترکه وی به مقدار هزینه حج نیست و بدهکاری ندارد ترکه او به وارث منتقل می شود و بر آنها واجب نیست کمبود هزینه را از مال خودشان تکمیل نمایند.

مسأله: کسی که حج بر ذمه او بوده اگر فوت نماید می توانند برای او از نزدیکترین میقاتها به مکه مکرّمه نایب بگیرند و واجب نیست نایب از شهر وی گرفته شود بلی اگر ثروت زیاد داشته باشد احوط استحبابی گرفتن نایب از شهر اوست، و بنابر احتیاط زیادی اجرت ازاموال بالغین ورثه باید داده شود نه صغار آنها.

مسأله: اگر کسی که حج بر ذمه او بوده فوت نماید، واجب است در همان سال فوتش نایب بگیرند و چنانچه امکان نایب گرفتن از میقات در آن سال نبود واجب است از شهر وی نایب بگیرند و هزینه نایب از اصل ترکه برداشته می شود. و تأخیر آن تا سال دیگر جایز نیست حتّی اگر یقین داشته باشند سال دیگر می توانند از میقات نایب بگیرند، البتّه این حکم در صورتی است که تفاوت هزینه نایب از بلد و میقات کم باشد امّا اگر تفاوت زیاد باشد با بودن وراث صغیر و طلبکاران تأخیر جایز است، این تفصیل در وقتی است که میّت مال معیّنی

را برای نیابت وصیّت نکرده باشد.

مسأله: اگر بعضـی از ورثه به وجوب (حجهالاسـلام) بر ذمّه متوفّی اقرار کنند و بعضی انکار کنند، بر اقرار کنندگان لازم است به نسبت (سهم الإرث) خود از آنچه میّت برای حج تعیین نموده پرداخت نمایند و چنانچه این مقدار برای حج کافی بود نایب گرفته می شود و اگراین مقدار وافی به حج نبود لازم نیست از مال خودشان تکمیل نمایند، و نایب گرفتن واجب نخواهد بود.

مسـأله: اگر حـج بر ذمّه میت باشـد و کسـی تبرّعـاً برای او حـج انجـام دهـد، هزینه حـج به ورثه منتقـل می شـود. و اگر (حجه الاسلام) بر میّت واجب نبوده امّا وصیّت به حج نموده اگر منظورش معلوم بود که باید با این

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۷

مبلغ حجّی انجام شود- چه شـخص دیگری تبرّعا برای او حـج انجام دهـد یا ندهـد- باید با این مبلغ اجیر گرفته شود و به ورثه منتقل نمی شود، و همچنین اگر مشکوک باشد باز به ورثه منتقل نخواهد شد و باید اجیر گرفته شود.

مسأله: کسـی که حج بر ذمّه اش بوده و وصـیّت کرده که از شهرش نایب گرفته شود، واجب است از شهر او نایب بگیرند ولی مـازاد بر اجرت میقـات از ثلث مـاترک خـارج می شود. و چنانچه وصـیت به حـج نموده و نامی از بلـد یا میقات نبرده به نایب گرفتن از میقات اکتفا می شود مگر بدانند که مراد وی اجیر گرفتن از بلد است مثل اینکه پولی تعیین کرده که مناسب با نیابت از بلد است در این صورت باید از شهر نایب گرفته شود.

مسأله: اگر وصیّت به حج بلدی نمود اما وارث یا وصی از

میقات نایب گرفت و یا متبرّعی مجاناً حج را از میقات انجام داد، ذمّه میّت فارغ می شود و وجوب نیابت از بلد ساقط می گردد. و همینطور است اگر مال میّت برای حج بلدی کافی نبوده و حج میقاتی فرستادند.

مسأله: اگر وصیّت کند که برای (حجهالاسلام) نایب گرفته شود و اجرت را نیز تعیین نموده باشد عمل به این وصیّت واجب است و هزینه اش از اصل مال برداشته می شود در صورتی که بیش از (اجره المثل) نباشد. و اگر بیش از (اجره المثل) بود تفاوتش از ثلث می باشد مگر اینکه اجیری به اجرهالمثل پیدا نشود که در این صورت تمام از اصل مال اخراج می گردد.

مسأله: هرگاه وصیّت کند که از مال معیّنی برای او حج داده شود و وصی دانست که به آن مال خمس یا زکات تعلّق گرفته، واجب است اوّل خمس یا زکات آن مال را داده و باقیمانده را در راه حج صرف نماید، و چنانچه برای مصارف حج کافی نبود لازم است از اصل مال برداشته شود، این در صورتی است که حج مورد وصیّت (حجهالاسلام) باشد.

مسأله: هرگاه بر اثر اهمال و سهل انگاری وصیّ یا وارث، مالی که موصی برای حج تعیین کرده بود تلف شد اهمال کنند ضامن است، و باید از مال خودش نایب بگیرد، و بنا بر احواط اگر بر اثر اهمال قیمت مال تنزّل کرد و برای هزینه حج کافی نشد اهمال کننده ضامن است و باید باقی مانده را تدارک نماید.

مسأله: در صورتی که حج بر ذمّه متوفّی ثابت بوده و شک دارند که انجام داده یا نه، از باب (حمل فعل مسلم بر صحّت) باید بگوئیم

که انجام داده است.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۸

مسأله: به مجرّد اجیر گرفتن برای مرده ای که حج بر ذمّه او بوده، ذمّه میّت و وارث بری ء نمی شود، بلکه لازم است که حج انجام گردد. بنا بر این اگر معلوم شد اجیر حج را چه با عذر و چه بدون عذر انجام نداده، واجب است دوباره اجیر گرفته شود و اجرت از اصل ترکه برداشته می شود (اگر از اجیر اوّل نتوانند اجرت را پس بگیرند) و در صورتی که وصیّ یا وارث کوتاهی کرده باشند آنها ضامن اجرتند.

مسأله: اگر اجیر متعدّد بود وارث مخیّر است بین ارسال آنکه کمترین اجرت را می گیرد- البتّه با احراز صحّت عملش- و بین کسی که بیشتر می گیرد اما از نظر فضیلت مناسب با شؤون متوفّی است، و اگر ورثه راضی به زیاده نیستند و یا در بین ورثه صغیر وجود داشته باشد، باید اقلّ را فرستاد.

مسأله: اجیر گرفتن از بلد یا میقات تابع تقلید یا اجتهاد وارث است نه خود میت، پس چنانچه عقیده میّت وجوب حج بلدی بوده و عقیده وارث جواز استیجار از میقات باشد، بر او واجب نیست از بلد میّت اجیر بگیرد مگر وصیّت خاصّی در بین باشد.

مسأله: هر گاه (حجه الاسلام) بر ذمّه میّت باشد و ترکه ای نداشته باشد، بر وارث واجب نیست که برای او نایب بگیرد گرچه مستحب است.

مسأله: هر گاه میّت برای حج وصیت بنماید اگر معلوم باشد که مراد (حجهالاسلام) است هزینه آن باید از اصل مال میّت برداشته شود مگر وصیّت کرده باشد که از ثلث داده شود، و اگر معلوم شد که (حجه الاسلام) نیست یا مشکوک بود باید از

ثلث برداشته شود.

مسأله: هرگاه برای حج وصیّت نمود و شخص مخصوصی را برای بجا آوردن تعیین کرد لازم است طبق وصیّت او عمل شود، پس اگر آن شخص قبول نکرد مگر اینکه زیادتر از اجرهالمثل به او بدهند مقدار زیادی از ثلث برداشته می شود یا با رضایت وارث از اصل مال برداشته شود، و اگر ثلث وافی نباشد و ورثه نیز به زیادی رضایت ندهند دیگری را باید اجیر کرد.

مسأله: اگر کسی منزل خود را به مبلغی فروخته، و با مشتری شرط کرده که آن مبلغ را بعد از مرگش در حج مصرف نماید، این شرط لازم است و هزینه از اصل مال برداشته می شود، حتی اگر حج مستحبی باشد.

مسأله: هرگاه وصیّ بعد از گرفتن اجرت حج از مال متوفی بمیرد و دانسته نشود که قبل از مرگش اجیر گرفته یا نه چنانچه مدّتی گذشته که امکان گرفتن نایب در آن مدّت بوده- از باب حمل فعل مسلم بر

رساله مناسك حج (طبع جدید)، ص: ١٩

صحّت- باید بگوئیم نایب گرفته و اگر امکان گرفتن نایب در این مدّت نبوده واجب است از مال وصیّ نایب گرفته شود.

مسأله: چنانچه مبلغی که برای حج در نظر گرفته شده بدون مسامحه و سهل انگاری در دست وصیّ تلف شود و یا در سهل انگاری شک شود وصی ضامن نیست و واجب است از بقیّه مال متوفی، اجیر گرفته شود و اگر مال بین ورثه تقسیم شده باشد از هریک به نسبت سهم الارث پس گرفته میشود در صورتی که (حجهالاسلام) باشد. و اگرغیر (حجهالاسلام) باشد از بقیّه ثلث مال میّت باید اجیر گرفته شود، و همین طور است کسی که برای

حج اجیر شده و پیش از انجام آن بمیرد و ترکه ای ندارد، یا دارد امّا ورثه اجرتی را که اجیر گرفته بوده پس نمی دهند باید از اصل مال متوفّی اگر (حجهالاسلام) است و از باقیمانده ثلث اگر غیر (حجهالاسلام) نایب گرفته شود.

مسأله: هرگاه نایب پیش از محرم شدن بمیرد ذمّه منوب عنه فارغ نمی شود و واجب است دوباره نایب بگیرند، و چنانچه بعد از احرام و دخول در حرم بمیرد ذمّه منوب عنه فارغ می شود، و اگر بعد از احرام و قبل از دخول در حرم بمیرد بنا بر احوط ذمّه منوب عنه فارغ نمی شود، و در این حکم فرقی بین اقسام حج از (تمتع) و (قران) و (افراد) و واجب و غیر واجب نیست، همانطوری که فرقی بین اجیر و متبرّع نیز نمی باشد.

مسأله: هرگاه نایب بعد از احرام و بعد از دخول در حرم بمیرد اگر اجیر شده بود برای فراغت ذمّه منوب عنه یا برای حجّی که بر مستأجر مستحب بوده، اجیر استحقاق تمام اجرت را دارد، و اگر اجیر شده بود برای انجام اعمال حج، به نسبت عملی که انجام داده استحقاق اجرت را دارد. و چنانچه قبل از احرام بمیرد استحقاق هیچ اجرتی ندارد، بلی اگر مقدّمات داخل در متعلّق اجاره باشد به هر مقداری که از مقدّمات انجام داده استحقاق اجرت دارد.

مسأله: اگر برای حج بلدی اجیر شده و راهی تعیین نشده باشد، اجیر مخیّر است از هر راهی که بخواهد برود. و چنانچه راهی تعیین شده باشد عدول از آن راه به راه دیگری جایز نیست مگر اینکه بداند مستأجر برای این راه خصوصیتی در نظر ندارد، یا پس

از عقد، شرط را اسقاط کرده باشد.

مسأله: هرگاه برای انجام حج در سال معیّنی بالمباشره (شخصاً) اجیر شد چنانچه برای دیگری در همان سال با قید مباشرت اجیر شود اجاره دوّم باطل است، و اگر برای دو نفر اجیر شد و قید مباشرت نبود و یا قید

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۲۰

سال معیّنی نبود هردو اجاره صحیح است و در صورت اوّل دیگری را می فرستد، و در صورت دوّم در دو سال حج را انجام می دهد.

مسأله: چنانچه اجیر شد که در سال معیّنی حج را انجام دهد، حق تقدیم و تأخیر آن را ندارد مگر با رضایت مستأجر. و چنانچه تقدیم یا تأخیر نمود اگر نظر مستأجر به خصوص آن سال است بطوری که اگر در آن سال معیّن حج انجام نمی شد کسی را برای حج اجیر نمی کرد مستحق اجرت نیست، و اجاره از اصل باطل می شود، و اگر چنین نبود یعنی نظر مستأجر به انجام اصل حج قطعی است چه در این سال و چه سالهای دیگر امّا برای سال معیّن مزیّتی قائل بوده استحقاق اجرت پیدا می کند و مستأجر می تواند به او اجرهالمثل بدهد.

مسأله: هرگاه اجیر به علّت جلوگیری دشمن یا به جهت بیماری نتواند اعمال حج را انجام دهد حتّی اگر بعد از احرام و دخول در حرم باشد حج در ذمّه اجیر باقی خواهد ماند.

مسأله: هرگاه نایب کاری انجام دهد که موجب کفّاره می شود باید از مال خودش کفّاره را پرداخت نماید.

مسأله: اگر هزینه حج از اجرت تعیین شده بیشتر شود بر مستأجر واجب نیست کمبود را جبران نماید همانگونه که اگر اجرت زیادتر از هزینه حج باشد واجب نیست

اجیر زیادی را پس بدهد، گرچه هریک از جبران و پس دادن مستحب است.

مسأله: اگر کسی برای حج واجب یا مستحب اجیر شده باشد و قبل از مشعر، حج خود را به وسیله جماع باطل نماید، یعنی پس از آنکه برای حج در مکّه احرام بست در مکّه و یا عرفات جماع نمود باید آن حج را به آخر برساند و این حج ذمّه منوب عنه را بری ء می کند و بر نایب واجب است در سال بعد حج نموده (و قصد نیابت و مافی الذمّه هم لازم نیست) و یک شتر کفّاره بدهد و اجرت را مستحق میشود چه در آینده حج را انجام بدهد یا ندهد چه اجاره مقیّد به سال معیّنی باشد یا مقیّد نباشد، و حکم متبرّع نیز همین است.

مسأله: اجیر با عقد اجاره اجرت را مالک می شود، امّا واجب نیست پیش از عمل اجرت را به او پرداخت کنند، مگر اینکه از اوّل شرط کرده باشند که اجرت را پیش از عمل بدهند، و یا اینکه قرینه ای- بر پرداخت قبل از عمل- در بین باشد چنانکه در مورد نیابت حج معمول است که اجرت را قبل از اعمال می گیرند.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۲۱

مسأله: در عقد اجاره (چنانچه قراردادی و قرینه ای در بین نباشد) باید اجیر شخصاً عمل حج رادر همان سال اوّل انجام دهد و حق واگذاری به دیگری یا به سال بعدی ندارد مگر با اذن صریح یا ظاهر مستأجر.

مسأله: کسی که وقتش کم است و نمی تواند اعمال عمره تمتّع را کاملا ـ انجام دهد سپس اعمال حج تمتّع را بجا آورد و مجبور می شود به حج (افراد) عدول

نماید نمی تواند از طرف کسی که حج تمتّع بر ذمّه اش هست اجیر شود.

مسأله: اگر وقت اجیر وسعت داشت و می توانست اعمال عمره تمتّع وحجّ تمتّع را انجام دهد امّا بر اثر پیش آمدی برای حج تمتّع وقت تنگ شد بطوری که مجبور شد از عمره تمتّع به حج (افراد) عدول نماید و بعداً عمره مفرده بجا آورد، ذمّه منوب عنه بری ء می شود و اجیر نیز مستحق اجرت خواهد شد.

مسأله: در حج مستحبّی یک نفر به جای چند نفر می تواند حج نماید، و امّا در حجّ واجب جایز نیست که یک نفر به جای دو نفر یا بیشتر حج نماید و باید نیابت تنها از طرف یک نفر باشد، مگر در صورتی که حج بر دو نفر یا بیشتر به شرکت واجب شده باشد مثل اینکه دو نفر یا بیشتر نذر کنند که با شرکت یکدیگر کسی را برای حج اجیر نمایند.

مسأله: چند نفر نایب می توانند در یک سال به نیابت از یک نفر- خواه مرده یا زنده، بطور تبرّع یا اجاره- حج مستحبی بجا آورند و همچنین است حج واجب اگر متعدّد باشد (و منوب عنه توانائی جسمی نداشته باشد یا مرده باشد) مثل اینکه بر شخصی دو حج بر اثر نذر واجب شده باشد، یعنی دو مرتبه نذر کرده یا اینکه یک بار نذر کرده و (حجهالاسلام) واجب نیز بر ذمّه اش بوده و برای هرکدام یک نفر نایب می گیرد و همچنین اگر یکی از آن دو حج واجب و دیگری مستحب باشد.

مسأله: نایب پس از انجام اعمال حج نیابتی می تواند برای خود یا دیگری عمره مفرده یا طواف انجام دهد.

مسأله: نایب طبق فتوای مجتهد

خود عمل می کند نه فتوای کسی که منوب عنه از او تقلید می نموده است.

مسأله: انسان نمی تواند برای انجام عمره مفرده، بعد از عمره تمتّع و قبل از حج نایب شود، و همچنین نمی تواند بین عمره تمتّع و حج آن، برای خودش عمره مفرده بجا آورد. و اگر از روی جهل یا عصیان عمره مفرده انجام داد، حجش صحیح است و دوّمی عمره تمتّع بحساب می آید.

مسأله: زنی که پاک نشده است و نمی تواند از همراهان خود جدا شود، برای طواف زیارت و طواف نساء و نماز آنها نایب می گیرد و سعی را خودش انجام می دهد.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۲۲

چند مسأله

مسأله: انجام حج برای کسی که مستطیع نیست ولی با قرض و غیره می تواند حج بجا آورد مستحب است. اما از (حجه الاسلام) کفایت نمیکند.

مسأله: کسی که (حجه الاسلام) را انجام داده مستحب است مکرّراً حج انجام دهد و همچنین مستحب است تبرّعا از طرف خویشاوندان یا دیگران طواف همراه با نماز و یا حج کامل انجام دهد، مرده باشند یا زنده.

مسأله: مستحب است از طرف معصومین (علیهم الصلاه و السلام) طواف همراه با نماز و یا حج کامل انجام دهد، چه در حال حیات آنها باشد و چه بعد از شهادتشان.

مسأله: پس از اتمام اعمال حج و در موقع بازگشت از مکّه معظّمه مستحب است که قصد بازگشت به حج نماید که موجب زیادی عمر است و مکروه است قصد عدم مراجعت کند که موجب کوتاهی عمر می شود.

مسأله: مستحب است انسان به کسانی که حج نرفته اند هزینه حج را پرداخت کند و آنها را به حج بفرستد و بجای (حجه الاسلام) آنان حساب می شود.

مسأله:

زیاد خرج کردن در حج مستحب است.

مسأله: مستحب است حج مندوب را بر بقیه عبادات مستحبی از قبیل نماز و روزه و جهاد ندبی و تصدّق و سایر مستحبّات مقدّم بدارد.

مسأله: در حج استحبابی شرط است برای زوجه اذن زوج و برای عبد اذن مولی و بنابر احتیاط برای اولاد اذن ابوین شرط میباشد.

اقسام حج

اشاره

مسأله: حج بر سه قسم است:

۱- حج (تمتّع).

۲- حجّ (افراد).

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۲۳

۳- حجّ (قِران).

مسأله: حجّ تمتّع وظیفه کسانی است که وطن آنها شانزده فرسخ (حدود ۸۸ کیلومتر) یا بیشتر با مکّه معظّمه فاصله دارد.

مسأله: حجّ (افراد) و حجّ (قران) وظیفه کسانی است که با مکّه معظّمه کمتر از شانزده فرسخ فاصله داشته باشند، یا اهل خود مکّه معظّمه باشند.

مسأله: این حکم در (حجه الاسلام) یا حجّی است که به وسیله نذر به یکی از این سه مقیّد شده باشد، امّا در سایر اقسام حج از واجب و مستحب مخیّر است بین هریک از اقسام سه گانه، گرچه انتخاب حجّ تمتّع افضل است.

مسأله: کسی که وطنش بیشتر از شانزده فرسخ از مکه معظّمه فاصله داشته باشد و مقیم مکّه شود و از اقامتش دو سال گذشته باشد باید حجّ (قران) یا حجّ (افراد) انجام بدهد، و اگر هنوز دو سال نشده است باید حجّ تمتّع انجام دهد، و در این حکم فرقی نیست بین اینکه قصد توطّن یا مجاورت داشته باشد یا نه، و چه پیش از استطاعت مقیم شده باشد یا بعد از آن.

مسأله: کسی که مقیم مکّه معظّمه شده، قبل از گذشت دو سال اگر بخواهد حجّ تمتّع انجام دهد، باید به میقات مربوطه به وطن اوّلیه اش

برود و از آنجا برای عمره تمتّع احرام ببندد و سپس در ادنی الحل (مثلًا تنعیم) تجدید نیّت نماید، این حکم نیز در مورد حجّ تمتّع مستحبّی که اهل مکّه معظّمه می خواهند انجام دهند جریان دارد.

مسأله: کسی که دارای دو وطن می باشد، یکی کمتر از مسافت یاد شده و دیگری بیشتر از آن، طبق وطنی که بیشتر در آن اقامت دارد عمل می کند، و در صورت تساوی مخیّر است گرچه حج تمتّع افضل می باشد.

حجّ تمتّع

مسأله: حجّ تمتّع عبارت است از دو عبادت: اوّل عمره تمتّع. دوّم: حجّ تمتّع.

اعمال عمره تمتّع

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۲۴

مسأله: اعمال عمره تمتّع پنج چیز است:

۱- احرام در یکی از میقاتها (که بیان خواهد شد).

۲- طواف دور خانه خدا (کعبه معظّمه).

۳- بجا آوردن دو رکعت نماز طواف نزد مقام ابراهیم (ع) یا پشت آن.

۴- سعی (رفت و آمد) بین صفا و مروه.

۵- تقصیر.

اعمال حج تمتع

مسأله: اعمال حجّ تمتّع سیزده چیز است:

۱- احرام بستن از مکّه معظّمه به شرحی که می آید.

۲- وقوف (بودن) در عرفات از ظهر روز نهم ذی الحجّه تا غروب آفتاب.

۳- بودن در مشعر الحرام (مزدلفه) از اذان صبح روز عید قربان تا اوّل آفتاب.

۴- رمی جمره عقبه (زدن سنگ ریزه) در منی روز عید قربان.

۵- قربانی کردن در منی.

۶- تراشیدن سر یا گرفتن مقداری از مو یا ناخن در منی.

۷- طواف دور خانه خدا پس از بازگشت به مکه معظّمه.

۸- دو رکعت نماز طواف حج تمتّع نزد مقام ابراهیم (ع) یا پشت آن.

۹- سعی بین صفا و مروه.

۱۰- طواف نساء دور خانه خدا.

۱۱- دو رکعت نماز طواف نساء نزد مقام ابراهیم (ع) یا پشت آن.

۱۲- بیتوته (ماندن شب) در منی، شب یازدهم و دوازدهم، بلکه شب سیزدهم در بعضی موارد که بیانش خواهد آمد.

۱۳- رمی سه جمره (صغری، وسطی، عقبه) در روز یازدهم و دوازدهم بلکه در روز سیزدهم در صورتی که شب سیزدهم را در منی بماند.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۲۵

شرایط حجّ تمتّع

مسأله: شرایط حجّ تمتّع چند چیز است:

۱- نیّت، که از اوّل شروع به احرام عمره قصدش این باشد که اعمال حجّ تمتّع را بجا می آورد، قربه الی الله تعالی، پس اگر نیّت دیگری نمود- تقییدا- یا تردید در نیّت داشت حجّش باطل است.

۲- باید عمره و حج هر دو در ماههای حج (شوّال، ذی القعده، ذی الحجّه) انجام شود، پس اگر تمام عمره تمتّع یا قسمتی از آن قبل از شوّال انجام شود باطل است.

۳- باید حجّ تمتّع و عمره تمتّع در یک سال انجام شود، پس اگر عمره تمتع را در یک سال بجا

آورد و حـج تمتع را به سال دیگر تأخیر انداخت حج تمتّع نخواهد بود، و در این حکم فرق نمی کند که تا سال آینده در مکه معظّمه بماند یا به وطن رفته و مجدّدا برگردد، و همچنین فرقی نیست که در احرام عمره تمتّع بماند (یعنی تقصیر را انجام نداده باشد) یا از احرام خارج شده باشد.

۴- بایـد احرام برای حـجّ تمتّع- نه عمره آن- در حـال اختیار از خود مکّه معظّمه باشـد، و بهتر است که احرام از مسـجدالحرام باشد، و در مسجد هم بهتر است نزد مقام ابراهیم (ع) و یا در حجر اسماعیل (ع) باشد.

۵- بایـد مجموع اعمـال عمره تمتّع و حـجّ تمتّع را یـک نفر برای یـک نفر انجام دهـد، پس اگر دو نفر برای انجام عمره و حج تمتّع از طرف یک نفر اجیر شونـد که یکی عمره تمتّع و دیگری حـج تمتّع را انجام دهـد صـحیح نخواهـد بود، و همچنین اگر یک نفر عمره تمتّع را برای کسی و حج تمتّع را برای دیگری انجام دهد صحیح نخواهد بود.

چند مسأله

مسأله: واجب است عمره تمتّع قبل از حجّ تمتّع انجام شود.

مسأله: پس از انجام اعمال عمره تمتّع و با نزدیک شدن روز نهم ذی الحجّه باید خود را برای اعمال حجّ تمتّع آماده نماید.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۲۶

مسـأله: جـایز نیست بعـد از انجام اعمال عمره تمتع و قبل از احرام حـج از مکه مکرمه برای مسافت دور خارج شود مگر مجبور گردد که در این صورت باید برای حج احرام بپوشد سپس خارج شود.

اما در مسافتهای کوتاه جایز است از مکه بیرون رود بدون احرام ولی کراهت دارد.

البته در

اطراف مکه و منی خروج بدون احرام جایز است و کراهتی ندارد.

مسأله: خارج شدن از مکّه معظّمه در اثنای عمره تمتّع (چه پیش از طواف و چه بین طواف و سعی یا بین سعی و تقصیر) خلاف احتیاط است.

مسأله: هرگاه پس از انجام عمره تمتّع بدون احرام از مکّه بیرون رفت و از میقات گذشت دو صورت دارد: اوّل آنکه بازگشتش به مکه معظّمه قبل از ماه خروجش باشد در این صورت بدون احرام به مکه معظّمه برگشته و از مکّه برای حجّ تمتّع احرام میبندد. دوّم: آنکه بازگشتش به مکه بعد از ماه خروجش باشد که در این صورت لازم است احتیاطاً برای عمره تمتّع محرم شود و عمره تمتّع را تجدید نماید سپس برای حج احرام ببندد و مقصود از ماه: شوّال و ذی القعده و ذی الحجّه است نه سی روز.

مسأله: کسی که وظیفه اش حجّ تمتّع است نمی تواند به حج (افراد) یا (قران) عدول نماید، مگر آنکه پس از شروع به عمره تمتّع وقتش به اندازه ای تنگ شود که نتواند عمره را تمام نماید و خود را به حج برساند، در این صورت نیّت را از عمره تمتّع به حج (افراد) برگردانده و عمره را ترک نموده و اعمال حج (افراد) را بجا میآورد و پس از انجام حج، عمره مفرده بجا خواهد آورد.

مسأله: میزان در تنگی وقت، بیم از دست رفت وقوف اختیاری عرفات است، مثلًا: اگر صبح روز نهم ذی الحجّه با احرام از میقات به نیّت عمره تمتّع وارد مکه معظّمه شود و بخواهد عمره تمتّع را بجا آورد، امّا برای ظهر عرفه (که اوّل وقت وقوف اختیاری در عرفات است) نمی تواند

خود را به عرفات برسانـد این شـخص بایـد نیت احرام عمره را به احرام حج (افراد) تبدیل نموده و به عرفات رفته و اعمال حج (افراد) را به پایان برساند، و پس از آن عمره مفرده انجام دهد و مجزی از (حجهالاسلام) خواهد بود.

مسـأله: کسـی که وظیفه اش حـجّ تمتّع است چنـانچه پیش از شـروع به احرام عمره تمتّع بدانـد که بر اثر ضـیق وقت نمی تواند عمره تمتّع را تمام نماید جواز عدول به حج (افراد) بعید نیست یعنی از اوّل برای حج (افراد) محرم شود.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۲۷

مسأله: هر گاه در سعه وقت برای عمره تمتّع احرام بست و طواف و سـعی خود را عمداً تا زمانی به تاخیر انداخت که نتوانسـت آنها را انجام بدهـد و حـج را درک نمایـد، لازم است به حـج (افراد) عـدول نمایـد، و اکتفا به آن حـج میشود گرچه معصـیت کرده است.

کیفیّت حج (افراد)

مسأله: حج (افراد) عملی است مسـتقل و جداگانه و وظیفه اهل مکه معظّمه و کسانی می باشد که از شانزده فرسخ با مکّه کمتر فاصـله دارنـد، و در صورتی که بتواند علاوه بر حج (افراد) عمره مفرده را بجا آورد عمره مفرده نیز بطور جداگانه بر او واجب خواهـد شـد. بنـا بر این کسـی که می توانـد فقـط یکی از این دو را بجا آورد تنها همان بر او واجب می شود، و چنانچه بتواند هردو را انجام دهد واجب است هردو را انجام دهد و فرقی ندارد هریک را مقدّم بدارد.

مسأله: حجّ تمتّع با حجّ (افراد) در تمام اعمال مشترکند، امّا پنج فرق بین آنها می باشد، که به بعضی از آنها قبلًا نیز اشاره شد:

۱- حج تمتع

با عمره تمتع بایـد متصل به هم و در یک سال انجام شود، ولی این اتّصال بین حـج (افراد) و عمره مفرده و در یک سال بودن لازم نیست، در حجّ تمتّع باید عمره تمتّع مقدّم بر حج تمتّع باشد، ولی در حج (افراد) هریک مقدّم شد مانعی ندارد.

۲- در حج تمتّع قربانی واجب است، ودر حج (افراد) قربانی واجب نیست.

۳- در حـج (افراد) در حال اختیار می توان طواف و سـعی حج را بر وقوفین مقدّم نمود، ولی در حجّ تمتّع بنا بر احوط در حال اختیار نمی توان طواف و سعی حج را بر وقوفین مقدّم نمود.

۴- احرام حـج (افراد) بایـد یا از منزل حاج و یا از یکی از مواقیت پنـج گانه عمره تمتع باشد، ولی احرام حج تمتع از خود مکه معظّمه است.

۵- در حـج تمتّع بایـد عمره تمتّع و حـج تمتّع هردو در ماههای حـج (شوّال وذی القعـده و ذی الحجّه) باشـد و در حـج (افراد) چنین ملازمه ای نیست، یعنی جایز است عمره در غیر ماههای حج انجام شود.

کیفیّت حجّ (قران)

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۲۸

مسأله: حجّ (قران) در تمام اعمال با حجّ (افراد) یکسان است، مگر در دو جهت:

۱- قربانی در حـجّ (قران) واجب است، امّا در حج (افراد) واجب نیست، و مکلف باید هنگام احرام حج (قران) قربانی را همراه داشته باشد.

۲- احرام در حج (افراد) فقط با تلبیه تحقّق پیدا می کند، ولی در حج (قران) هم با تلبیه محقّق می شود و هم با اشـعار (علامت گذاشتن) بر حیوان قربانی و یا تقلید (چیزی به گردن حیوان قربانی آویزان کردن) و هرگاه برای حج (قران) احرام ببندد عدول به حجّ تمتّع جایز نیست.

تفصیل اعمال عمره تمتّع

مسـأله: برای انجـام کلیه اعمـال حـج و عمره نیّت لازم است، و مقصود از نیّت: قصـد بجا آوردن اعمال است قربه إلی الله، مثلًا چنین نیّت می کند: حجّ تمتّع بجا می آوردم و در ابتدا عمره تمتّع انجام می دهم قربه الی الله.

اعمال عمره تمتّع

۱- احرام

اشاره

مسأله: اوّلین عمل از اعمال عمره تمتّع احرام می باشد، و احرام بایداز میقات بسته شود.

میقات

مسأله: جاهائی برای بستن احرام حج یا عمره تعیین شده است و به هرکدام از آنها (میقات) گفته می شود، که واجب است احرام در آنجا بسته شود، و جایز نیست اختیاراً از آنجا به مکّه معظّمه بدون احرام عبور کند، و این اماکن (میقاتها) عبارتند از: مسجد شجره، وادی عقیق، جحفه، یلملم، قرن المنازل، مکه مکرّمه، منزل حاج، جعرانه، محاذات یکی از مواقیت، ادنی الحلّ، فخّ.

مسأله: مسجد شجره: میقات اهل مدینه منوّره است و هرکسی که خواسته باشد از راه مدینه به حج برود، و جایز است احرام بستن در بیرون مسجد بطوری که محاذی و برابر آن باشد از طرف راست و چپ برای کسی که به طرف مکه معظّمه ایستاده باشد و احوط استحبابی این است که در صورت امکان در داخل مسجد احرام بسته شود، و کسی که از راه مدینه به مکّه برای حج می رود و به مسجد شجره می رسد

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۲۹

میقات دیگری نیز بین راه به نام (جحفه) دارد اما نمی تواند از مسجد شجره بدون احرام گذشته و از جحفه احرام ببندد مگر شخص بیمار یا ضعیف و مانند آنها که معذورند و نمی توانند از مسجد شجره احرام ببندند.

مسأله: شخص جنب و حایض نمی تواند وارد مسجد شجره بشود و احرام ببندد مگر در حال عبور، یعنی از دربی داخل و از درب دیگر خارج شود و درحال عبور احرام ببندد و در غیر این صورت باید بیرون از مسجد و در محاذات آن محرم شود، یعنی مسجد را طرف راست یا

چپ خود قرار دهد.

مسأله: وادی عقیق: میقات اهل عراق و نجد است و هرکسی که از آنجا عبور کند هرچند اهل عراق و نجد نباشد، و این میقات دارای سه قسمت است: اوّل: مسلخ که جزء اوّل آن است. دوّم: غمره نام وسط آن. سوّم: ذات عرق آخر آن.

مسأله: احتیاط استحبابی این است که اگر مانعی از قبیل بیماری و تقیّه ندارد از غمره احرام بسته شود و تا ذات عرق به تأخیر نیفتد.

مسأله: جحفه: میقات اهل شام و مصر و مغرب است و هرکسی که از آنجا عبور کند هرچند اهل آنجا نباشد، این در صورتی است که از میقات قبل (مسجد شجره) محرم نشده باشد.

مسأله: یلملم: نام کوهی است و میقات اهل یمن می باشد و هرکسی که از آنجا عبور کند.

مسأله: قرن المنازل: میقات اهل طائف است و هرکه از آنجا عبور کند.

مسأله: مکّه مکرّمه: میقات حجّ تمتّع است- نه عمره آن- و همچنین میقات حج (قران) و (افراد) برای اهل مکّه می باشد.

مسأله: منزل خود شخص: میقات کسی است که منزلش به مکّه معظّمه از میقات نزدیکتر باشد، و چنین شخصی می تواند از منزل خود احرام ببندد و لازم نیست برای احرام به یکی از میقاتهای دیگر برود گرچه مستحب است احتیاطاً از منزل خود احرام ببندد و در میقات تجدید نماید، و چنانچه دو منزل دارد یکی قبل از میقات و دیگری بعد از میقات، احوط احرام از میقات است.

مسأله: جعرانه: میقات برای مجاورین بیش از دو سال در مکّه مکرّمه می باشد.

مسأله: محاذات یکی از مواقیت پنج گانه اوّلیه، برای کسی است که عبورش از هیچ یک از مواقیت نباشد.

رساله مناسک حج (طبع

جدید)، ص: ۳۰

مسأله: ادنی الحلّ: یعنی نزدیکترین مکان به حرم، میقات عمره مفرده است که بعد از حج (قران) یا (افراد) انجام می شود، بلکه میقات است از برای هر عمره مفرده برای کسی که در مکّه باشد و بخواهد عمره مفرده بجا آورد، و بهتر آن است که از (حدیبیّه) یا (تنعیم) و یا (جعرانه) احرام ببندد.

مسأله: فخّ: میقات بچّه هائی است که از مدینه منوّره بیایند و در مسجد شجره محرم نشده باشند، و اگر از راههای دیگر بیایند باید از میقاتهای مربوطه احرام ببندند.

مسأله: احرام بستن پیش از میقات جایز نیست، همچنانکه عبور از میقات در حال احرام کفایت نمی کند، بلکه بایستی از خود میقات احرام بسته شود، و از این حکم دو مورد استثنا شده است:

۱- آنکه نذر نماید که پیش از رسیدن به میقات از محلّ معیّنی محرم شود، در این صورت قبل از میقات احرام صحیح است، و احتیاج به تجدید آن در میقات یا عبور از میقات ندارد، و در این حکم بین احرام حج واجب یا مستحب و یا عمره مفرده فرقی نیست.

۲- کسی که قصد دارد عمره مفرده را در ماه رجب انجام دهد و بیم داشته باشد که اگر احرام را از میقات ببندد موفّق به درک عمره نشود برای چنین شخصی جایز است قبل از میقات محرم شود.

مسأله: کسی که نذر کرده پیش از میقات احرام ببندد و برخلاف نذر خود از میقات احرام بست احرام وی باطل نیست، ولی کفاره مخالفت نذر بر او واجب می شود اگر عمداً برخلاف نذر رفتار کرده باشد.

مسأله: همانطوری که تقدیم احرام بر میقات جایز نیست تأخیر آن از میقات

نیز جایز نمی باشد، پس کسی که قصد حج یا عمره یا دخول مکّه مکرّمه را دارد نمی تواند در حال اختیار بدون احرام از میقات عبور نماید، هرچند میقات دیگری در پیش داشته باشد، و هرگاه بدون احرام از میقات عبور کرد واجب است به میقات برگردد و محرم شود مگر اینکه میقاتی در جلو داشته باشد مثل اینکه بدون احرام از مسجد شجره گذشته ولی جحفه در پیش است که احرام در آن کافی است.

مسأله: هرگاه مکلّف از روی علم و عمد بدون احرام از میقات گذشت چنانچه امکان دارد واجب است به میقات برگردد، و چنانچه امکان برگشت نیست و در مسیرش میقات دیگری هست از آن محرم شود، و اگر میقات دیگری نباشد احرام و حجّش باطل است و قضایش واجب می باشد.

مسأله: هرگاه انسان به جهت فراموشی یا ندانستن مسأله از میقات محرم نشد و از میقات گذشت هر وقت عذرش برطرف شد واجب است به میقات برگردد و محرم شود و چنانچه برگشتن به میقات ممکن نبود از

رساله مناسك حج (طبع جدید)، ص: ۳۱

هرجا که به میقات نزدیکتر است محرم شود مثلًا اگر داخل در حرم شده باید تا هرجا که می تواند از حرم دور شده و محرم شود، و اگر امکان خروج از حرم را نداشت از هرجا که هست باید محرم شود چه داخل مکه مکرمه شده باشد یا نه.

مسأله: اگر زن حایض از روی ندانستن مسأله از میقات بدون احرام گذشت باید طبق مسأله قبلی رفتار نماید.

مسأله: اگر به کلّی احرام را فراموش کرد تا این که کلیه اعمال عمره را به پایان رساند عمره او صحیح است، و

همچنین اگر جاهل به مسأله بود یا اینکه احرام را در غیر میقات به تصوّر اینکه میقات است انجام داد.

مسأله: کسی که وطنش بیش از شانزده فرسخ از مکه معظّمه دور باشد وقتی می خواهد حج یا عمره انجام دهد باید از یکی از میقاتها محرم شود، و اگر راهش به هیچکدام از مواقیت برخورد نداشت باید از محاذات یکی از آنها محرم شود.

مسأله: کسی که مقیم مکه معظّمه است اگر بخواهد حجّ تمتّع انجام دهد واجب است به میقات برود و برای عمره تمتّع احرام ببندد، و اگر رفتن به میقات برایش ممکن نباشد در حکم کسی است که احرام را فراموش کرده و در مسأله های قبل بیانش گذشت.

احرام حجّ تمتّع

مسأله: کسی که قصد حجّ تمتّع دارد و عمره تمتّع را انجام داده است باید از مکّه معظّمه محرم شود و به عرفات برود، و اگر عالماً و عامداً از جای دیگری غیر از مکّه محرم شد احرامش صحیح نخواهد بود، هرچند با احرام وارد مکّه شود، بلکه در صورت امکان واجب است احرام را در مکّه تجدید نماید، و در غیر این صورت حجّش باطل است.

مسأله: کسی که احرام حج را بکلی فراموش نموده و تا پایان اعمال حج یادش نیاید، حجّش صحیح است و همچنین است حکم جاهل به مسأله.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۳۲

مسأله: کسی که می خواهد حج تمتّع انجام دهد اگر فراموش کرد محرم شود و بدون احرام به عرفات رفت باید در صورت امکان به مکّه برگردد و محرم شود و اگر امکان برگشت نبود در هرجا که هست حتی در عرفات از همانجا محرم شود، و جاهل به حکم

نیز همین حکم را دارد.

واجبات احرام

مسأله: واجبات احرام سه چیز است:

اوّل: پوشیدن لباس احرام.

دوّم: نیّت.

سوّم: تلبیه.

لباس احرام

مسأله: اوّل از واجبات احرام: پوشیدن دو جامه احرام (ازار و رداء) است پس از کندن لباسهائی که پوشیدنش بر محرم حرام می باشد.

مسأله: پوشیدن این دو لباس این طور است: یکی را مانند لنگ به دور کمر خود بسته که از ناف تا زانو بیاید (و به آن ازار گویند) و دیگری را مانند حوله حمّام بردوش بگیرد (و آن را رداء گویند) که هردو شانه را بپوشاند.

مسأله: احوط این است که پوشیدن این دو جامه پیش از نیّت احرام و تلبیه باشد، و اگر نیّت و تلبیه قبلا انجام شده باید اعاده شوند.

مسأله: پوشیدن دو جامه احرام واجب تعبّدی است، و شرط تحقّق احرام نیست و کیفیّت مخصوصی برای آن نمیباشد، امّا پوشیدن آنها به نحو متعارف احوط می باشد.

مسأله: هرگاه از روی فراموشی یا ندانستن مسأله بدون اینکه لباسهای قبلی را بیرون بیاورد لباس احرام را پوشید، پس از توجّه باید لباسهای قبلی را بیرون بیاورد و احرامش صحیح است، و اگر پس از پوشیدن لباس احرام لباسهای قبلی خودش را از روی فراموشی یا ندانستن پوشید، پس از توجّه باید لباس عادی را بیرون بیاورد، و احرامش صحیح خواهد بود.

مسأله: پوشیدن بیش از دو لباس احرام، در اوّل احرام یا بعد از آن، برای جلوگیری از سرما یا گرما و غیر آن اشکالی ندارد.

مسأله: آنچه در لباس نمازگزار شرط است در دو جامه احرام نیز شرط می باشد، پس لازم است لباس احرام مباح و پاک باشد، و نجس بودن آن به نجاستی که در نماز بخشوده

است اشکالی ندارد و چنانچه نجس شد لازم است فوراً تطهیر یا تعویض نمایند، و چنانچه تطهیر یا تعویض نکرد معصیت کرده ولی احرام صحیح است.

مسأله: لباس احرام باید از حریر خالص نباشد حتّی برای زنان، و از اجزاء حیوان حرام گوشت نباشد، و برای مردان زربافت نباشد، و همچنین ازار و رداء بدن نما نباشد.

مسأله: واجب نیست جامه های احرام را بطور دائم بپوشد، و برداشتن آنها برای ضرورت یا غیر آن مثل عوض کردن یا شستن و امثالش اشکالی ندارد.

نیّت

مسأله: دوّم از واجبات احرام: نیّت می باشد، و در آن چند چیز معتبر است که بدون آنها احرام صحیح نخواهد بود.

۱- قصد قربت، یعنی به جهت اینکه خدا فرموده است محرم می شود.

۲- نیّت همزمان با شروع در احرام باشد.

۳- تعیین نوع احرام که برای کدام عمره، یا کدام حج و از طرف چه کسی است.

مسأله: در صحّت نیّت داعی بر آن کافی است و گفتن به زبان و گذراندن از قلب لازم نیست، گرچه مستحب است در اعمال حج نیّت را بر زبان بیاورد و بگوید: احرام می بندم برای عمره تمتّع از (حجّهالاسلام) قربه الی الله تعالی.

مسأله: در صحّت احرام، مجرّد عزم بر ترک محرّمات از اوّل تا آخر احرام کافی است، یعنی اگر اوّل احرام قصدش ترک محرّمات باشد گرچه تا آخر استمرار پیدا نکند، احرامش باطل نخواهد شد.

تلبیه

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۳۴

مسأله: سوّم از واجبات احرام: تلبیه می باشد، یعنی گفتن این جمله: (لَبَّیْکَ اللهمَّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ لا شَریکَ لَکَ لَبَّیْک) و احوط اضافه نمودن این جمله است: (إنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَهَ لَکَ وَالْمُلکَ لا شَریکَ لَکَ) و سزاوار است کلمه (لَبَّیْکَ) را در آخر آن اضافه کند، پس تلبیه کامل چنین است: (لَبَّیْکَ اللهمَّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ لا شَریکَ لَکَ لَبَّیْک، إنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَهَ لَکَ وَالْمُلکَ، لا شَریکَ لَکَ لَبَّیْک). یعنی: پروردگارا مکرّراً فرمان تو را اطاعت میکنم، برای تو شریکی نیست، بدرستی که ستایش، تو را سزا است، و نعمت و ملک و پادشاهی از آن تو است، شریکی برای تو در آنها نیست.

مسأله: قرائت تلبیه فقط یک بار واجب می باشد، و به وسیله آن احرام منعقد می شود، ولی مستحب است

تلبیه را تکرار کنـد هنگامی که از خواب بر می خیزد، و بعـد از هر نماز واجب، و به هنگام سوار شدن و در هر پستی و بلندی، و مستحب است هنگام سحر بسیار تلبیه بگوید، حتّی اگر جنب یا حایض باشد.

مسأله: مستحب است در عمره تمتّع تلبیه را قطع نکنـد تا اینکه خانه های مکّه مکرّمه را مشاهـده نماید، و در حجّ تمتع تا زوال روز عرفه (روز نهم) مستحب است تلبیه را قطع نکند و بعد از آن تلبیه نگوید.

مسأله: اگر فراموش کنـد در مکان احرام (میقات) تلبیه بگویـد و بعد از گذشـتن از میقات به یادآورد در صورت امکان باید به میقات برگردد، و اگر نمی تواند از همانجا تلبیه بگوید و احرامش صحیح خواهد بود، و چنانچه داخل محدوده حرم شده است باید در صورت امکان خارج شود و تلبیه را بگوید.

مسأله: بر مکلّف لازم است الفاظ تلبیه را یاد گرفته و با قرائت عربی صحیح ادا نمایـد (ماننـد قرائت نماز) هرچنـد با تلقین دیگری باشد، یعنی کسـی با قرائت صحیح ادا نموده و این شخص از زبان او گرفته و صحیح ادا نماید. پس اگر این الفاظ را با قرائت صحیح یاد نگرفت و تلقین نیز برایش ممکن نبود واجب است آنچه را که می توانـد بگوید و بنا بر احتیاط مستحب در این صورت جمع کند بین گفتن به میسور و گفتن ترجمه آن و نایب گرفتن دیگری که به جای او بگوید.

مسأله: شخص گنگ و لال باید با انگشت خود به تلبیه اشاره نموده و زبان خود را حرکت دهد، و بهتر است که علاوه بر آنچه اشاره نموده نایب نیز بگیرد

تا این کلمات را به نیابت او صحیحاً ادا نماید.

مسأله: برای شخص بیهوش و بچّه غیر ممیّز دیگری نیابةً تلبیه بگوید کرچه بیهوش اگر قبل از اعمال به هوش آمد احتیاط واجب این است که خودش بر گردد به میقات و از آنجا محرم شود.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۳۵

مسأله: احرام حج تمتّع و احرام عمره تمتّع و احرام حج (افراد) و احرام عمره مفرده بدون تلبیه محقّق نمی شود، و امّا احرام حج (قران) همانطوری که با تلبیه منعقد و محقّق می شود با (اشعار) و (تلقید) نیز محقّق می گردد امّا اشعار مختص به شتر قربانی است و تقلید مشترک است بین شتر و گاو و گوسفند قربانی، واولی در شتر جمع بین اشعار و تقلید است، بنا بر این در حج قران مخیّر است بین سه چیز: تلبیه یا اشعار یا تقلید.

مسأله: اشعار عبارت است از: پاره کردن کوهان شتر، و احوط و افضل پاره کردن طرف راست کوهان است، و اولی این است که محرم در حال قیام اشعار کند، و بدن شتر را خون آلود کند.

مسأله: تقلید قربانی- علی الأحوط- عبارت از این است که نعلین کهنه ای که با آن نماز خوانده به گردن قربانی آویزان نماید.

مسأله: لازم نیست تلبیه همزمان بانیّت احرام و پوشیدن لباس احرام باشد بلکه احوط می باشد، و تأخیر تلبیه از نیّت احرام و پوشیدن لباس احرام جایز است.

مسأله: در صحّت احرام طهارت از حدث اصغر و اکبر شرط نیست، بنا بر این احرام شخص بی وضو و جنب یا زن حایض و نفساء اشکالی ندارد.

مسأله: تلبیه (یا اشعار و تقلید در حج قران) برای تحقّق احرام به منزله تکبیرهالاحرام است

برای نماز، و احرام بدون آنها محقّق نمی شود، پس هر گاه نیّت احرام نموده و لباس احرام پوشیده امّا هنوز تلبیه نگفته (یا در حج (قران) اشعار یا تقلید ننموده) احرام محقّق نشده و انجام محرّمات احرام کفّاره نخواهد داشت.

مسأله: کسی که می خواهد از مدینه منوّره به مکه معظّمه برود مستحب است تلبیه را تا (بیداء) (زمینی است که تقریبا ۲ کیلومتر بعد از مسجد شجره است) آهسته بگوید و از آن به بعد مستحب است جهراً (بلند) بگوید، و کسی که از راههای دیگر به مکه معظّمه می رود مستحب است مقداری از راه، آهسته تلبیه گفته و سپس جهراً بگوید، و نیز مستحب است تلبیه را در موقع احرام و پوشیدن لباس احرام آهسته بگوید، و کسی که می خواهد از مکّه به عرفات برود مستحب است تلبیه را تا رقطاء (نام محلّه ای است در مکّه) آهسته، و از آن به بعد جهراً بگوید.

مسأله: در عمره تمتّع هنگامی که چشمش به خانه های مکّه معظّمه بیفتد لازم است تلبیه را قطع کند، و در عمره مفرده چنانچه خارج از حرم احرام بسته وقت ورود در حرم تلبیه را قطع کند، و اگر داخل مکّه بوده

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۳۶

و خارج شده برای احرام وقتی چشمش به کعبه معظّمه افتاد تلبیه را قطع کند، و عموم حجّاج از ظهر روز عرفه تلبیه نگویند.

مسأله: اگر بعد از پوشیدن لباس احرام و پیش از گذشتن از میقات شک کند که تلبیه گفته یا نه، بنا بر نگفتن بگذارد و تلبیه را بگوید، و اگر بعد از گفتن تلبیه شک کند صحیح گفته یا نه، بنا را بر صحت

بگذارد و احرام و عملش صحیح است.

تروک احرام

اشاره

مسأله: هرگاه مکلّف محرم شد بیست و پنج چیز بر او حرام می شود: ۱- شکار حیوان صحرائی. ۲- نزدیکی با زنان. ۳- بوسیدن زن. ۴- لمس نمودن زن از روی شهوت. ۵- نگاه کردن به زن از روی شهوت. ۶- عقد نکاح. ۷- استمناء. ۸- استعمال بوی خوش. ۹- پوشیدن لباس دوخته برای مردان. ۱۰- پوشیدن جوراب و چکمه برای مردان. ۱۱- سرمه کشیدن. ۱۲- نگاه کردن در آینه برای زینت. ۱۳- دورغ گفتن و دشنام دادن. ۱۴- جدال نمودن. ۱۵- کشتن جانوارن بدن. ۱۶- زینت نمودن. ۱۷- مالیدن روغن به بدن. ۱۸- جدا نمودن مو از بدن. ۱۹- پوشیدن سر برای مردان. ۲۰- پوشانیدن صورت برای زنان. ۲۱- زیر سایه رفتن مردان هنگام حرکت. ۲۲- بیرون آوردن خون از بدن. ۲۳- ناخن گرفتن. ۲۴- با کافور تحنیط نمودن میّت محرم. ۲۵- برداشتن سلاح. و تفصیل این امور ذیلًا بیان خواهد شد.

۱- شکار حیوان صحرائی

اشاره

مسأله: بر محرم شکار حیوان صحرائی حرام است، داخل حرم یا در خارج حرم باشد، البتّه شکار در حرم مطلقاً حرام است، چه برای محرم و چه برای غیر محرم و نیز حرام است کمک به شکارچی هرچند با اشاره باشد، و فرقی ندارد که شکارچی محرم باشد یا غیر محرم.

مسأله: خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است، چه خودش او را شکار کرده و ذبح نموده یا کسی که محلّ بوده شکار کرده و ذبح نموده باشد، چه این ذبح در حرم واقع شده باشد یا در غیر حرم.

مسأله: ملخ در حکم حیوان صحرائی است، و برای محرم گرفتن و شکار و خوردنش حرام است.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۳۷

مسأله: جوجه

و تخم حیوانـات صـحرائی حکم خود حیوانـات را دارد، پس شـکار جوجه یـا کمک به شـکارش و دلالت و راهنمائی دیگری برای شـکارش و خوردنش، بر محرم حرام است، و نیز برداشـتن تخم آن و خوردن و کمـک و اشـاره به برداشـتن آن حرام می باشد.

مسأله: احکام شـکار مختصّ به حیوان صـحرائی است، و این احکام در شـکار حیوانات دریائی (مانند ماهی و غیره) و حیوانات اهلی (مانند گوسفند و شتر و غیره) جریان ندارد.

مسـأله: کشـتن درنـدگان برای محرم جایز نیست، مگر در وقتی که به انسان حمله نماینـد، و یا اینکه از آنها بترسـد، و همچنین جایز است کشـتن افعی، مارهای گزنده، عقرب، زنبور، موش، کلاغ، کرکس و باز شـکاری، و کشتن این قسم حیوانات کفّاره ندارد.

کفّاره شکار

مسـأله: در کشـتن شتر مرغ یـک شتر، و در کشـتن گاو وحشـی یک گاو اهلی، و در کشـتن الاغ وحشـی یک شتر یا یک گاو اهلی، و در کشتن آهو و خرگوش و روباه یک گوسفند، باید کفاره بدهد.

مسأله: اگر شـکاری کرده که کفّاره اش یک شتر است چنانچه عاجز شـد از تهیّه شتر بایـد قیمت آن را گنـدم خریـده بین فقرا تقسیم نماید، و کفایت می کند اگر شصت فقیر را اطعام نماید و به هریک (۷۵۰ گرم) گندم بدهد گرچه هزینه اطعام از قیمت شتر کمتر باشد، و چنانچه از این نیز عاجز شد هیجده روز روزه بگیرد، و لازم نیست این هیجده روز پی در پی باشد.

مسأله: اگر کفّاره، گاو باشـد و از آن عاجز شود قیمت آن را گندم خریده بین فقرا تقسـیم کند و یا سـی فقیر را اطعام نماید، و در صورت عجز نه

روز روزه بگیرد.

مسأله: اگر کفّاره گوسفند باشد و عاجز شود ده فقیر را اطعام نماید، و اگر عاجز شد سه روز روزه بگیرد.

مسأله: هرگاه محرم در خارج حرم کبوتر یا مانند آن- از پرندگان- را شکار نموده و بکشد کفّاره اش یک گوسفند است، و اگر جوجه کبوتر و مانندش را بکشد یک بره یا بزغاله یا نصف درهم صدقه بدهد، و بنابر احتیاط در این صورت قیمت برّه یا بزغاله را به عنوان صدقه بپردازد.

مسأله: هرگاه تخم کبوتر و مانندش را شکست و در آن جوجه متحرّک بود کفّاره اش یک گوسفند است و اگر جوجه متحرک نبود کفّاراش قیمت آن است.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۳۸

مسأله: هرگاه محلّ (غیر محرم) کبوتر یا مانندش را در حرم کشت، باید یک درهم یا قیمت آن حیوان را صدقه بدهد، گرچه احوط دوّمی است، و در جوجه آنها کفّاره نصف درهم و در تخم آن ربع درهم است.

مسأله: هرگاه محرم در داخل حرم کبوتر و مانندش را بکشد کفّاره اش یک گوسفند به همراه قیمت آن می باشد، و اگر جوجه آنها را کشت کفّاره یک برّه یا یک بزغاله به همراه قیمت هریک از آنها بوده، و هرگاه تخم او را شکست اگر در او جوجه متحرّک بود کفّاره اش یک گوسفند، و اگر جوجه در او متحرک نبود باید قیمت آن را صدقه بدهد.

مسأله: کفّاره شکار مرغ سنگخوار (قطاه) و کبک و درّاج و مانند آنها یک گوسفند است، و کفّاره شکار گنجشک و قبّره (چکاوک) و صعوه (سنگانه) اگر در خارج حرم باشد، صدقه دادن قیمت آن یا صدقه دادن یک مدّ طعام میباشد، و اگر در

حرم باشد دو برابر می شود و در جوجه آنها نیز همین حکم جریان دارد، و اگر تخم هریک از آنها را شکست قیمت تخم را صدقه بدهد.

مسأله: در کفّاره کشتن یک ملخ مخیّر است بین صدقه دادن یک مشت گندم یا یک دانه خرما و اگر ملخ های زیادی را کشت کفّاره یک گوسفند است.

مسأله: در کشتن موش صحرائی و خارپشت و سوسمار یک بزغاله است، و در مار مولک (عظایه) یک مشت طعام کفّاره بدهد، و کفاره کشتن عمدی زنبور مقداری طعام بوده مگر برای دفع اذیّت باشد که کفّاره ندارد.

مسأله: در راهی که ملخ زیاد است باید محرم راه دیگری انتخاب کند تا باعث کشتن آنها نشود، و اگر نتواند این کار را بکند و خواه ناخواه ملخ پایمال می شود اشکالی ندارد.

مسأله: اگر جماعتی در کشتن شکاری شرکت کردند بر هریک کفّاره جداگانه ای میباشد.

مسأله: کفّاره خوردن شکار مانند کفاره خود شکار است، پس اگر محرم شکاری کرد و آن را خورد دو کفّاره باید بدهد، یکی برای شکار و دیگری برای خوردن آن.

مسأله: کسی که شکاری همراه دارد و داخل حرم شود باید او را رها کند و چنانچه رهایش نکرد تا مرد باید کفّاره بدهد، بلکه نسبت به کسی که قبل از احرام شکاری کرده و سپس محرم شده نیز این حکم جاری است، یعنی باید بعد از احرام شکار را رها کند هرچند داخل حرم نشده باشد علی الأحوط.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۳۹

مسأله: در تعلق کفّاره کشتن شکار یا خوردنش فرقی نیست چه از روی عمد باشد یا سهو یا ندانستن مسأله.

مسأله: با تکرار شکار، کفّاره نیز مکرّر می شود.

۲- جماع

مسأله:

دوّم از محرّمات احرام: نزدیکی با زنان است، چه در قُبُل باشد و چه در دُبُر، در احرام عمره باشد یا حج.

مسأله: پس از آن که محرم طواف نساء و نماز آن را بجا آورد، زن بر او حلال می شود، و همچنین پس از اتمام اعمال عمره تمتّع و قبل از احرام حج.

مسأله: همانطوری که زن بر مرد محرم حرام است، مرد نیز بر زنی که در حال احرام است، حرام می باشد.

مسأله: اگر در عمره تمتّع بعد از سعی و پیش از تقصیر از روی علم و عمد با زن نزدیکی نماید کفّاره اش بنا بر احتیاط یک شتر و اگر عاجز از شتر است یک گاو و اگر از آن نیز عاجز است یک گوسفند می باشد، ولی عمره اش صحیح است، امّا اگر این عمل پیش از سعی بود عمره اش باطل می شود و کفّاره دارد، و در صورت امکان باید اعاده نماید.

مسأله: هرگاه به احرام حج محرم شد و پیش از وقوف در مزدلفه (مشعر) از روی علم و عمد با زنی نزدیکی (جماع) کرد چنانچه زن راضی بوده حج هردو باطل می شود، ولی واجب است حج را تمام نمایند و در سال بعد نیز اعاده کنند، خواه حج واجب باشد یا مستحب، و چنانچه زن راضی نبوده حجّش باطل نیست و بر مرد دو کفّاره واجب می شود و بر زن کفّاره ای واجب نخواهد شد، و واجب است بین این زن و مرد از جای وقوع این عمل در این حج و حجّی که بعداً اعاده خواهند کرد جدائی باشد تا آنکه دوباره به آن محل برسند پس از وقوفین.

مسأله: هرگاه محرم بعد از وقوف در

مزدلفه از روی عمـد و علم بـا زن نزدیکی نمایـد چنـانچه پیش از طواف نسـاء باشـد کفـاره بر او واجب می شود، ولی حجش فاسـد نیست، و چنـانچه این عمـل بعـد از سه شوط و نیم از طواف نساء باشـد حـج صـحیح بوده، و احتیاط اسـتحبابی در دادن کفّاره است، و چنانچه بعد از طواف نساء باشد و قبل از نماز آن، کفّاره ندارد و حج نیز صحیح است.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۴۰

مسـأله: هرگـاه در عمره مفرده از روی علم و عمـد پیش از سـعی بـا زن نزدیکی نمایـد عمره اش باطـل و کفّـاره اش یک شتر است، و واجب است این عمره را تمـام نموده و مجـدّداً برای انجـام عمره مفرده محرم شود و دوباره تمام اعمال را بجا آورد. و چنانچه این عمل بعـد از طواف نساء و قبل از نماز طواف بوده عمره صـحیح است و کفّاره ای نـدارد، و چنانچه در اثناء طواف نساء باشد مانند مسأله سابق است، و امّا اگر بعد از سـعی و قبل از تقصـیر باشد عمره باطل نیست ولی کفّاره اش یک شتر است و همین احکام در عمره تمتّع نیز جریان دارد.

مسأله: هرگاه با زن محرمه با رضایت خودش نزدیکی شود همان احکام مرد بر زن جاری است.

مسأله: هرگاه محرم (از روی ندانسـتن مسأله و یا فراموشـی و یا سـهو، چه سـهو و نسـیان در حکم یا در احرام باشد) با زن خود جماع نماید عمره و حجّش صحیح است و کفّاره ندارد.

۳- بوسیدن

مسأله: سوّم از محرّمات احرام: بوسیدن زن است.

مسأله: جایز نیست محرم از روی علم و عمد زن خود را ببوسد، و چنانچه او را با

شهوت بوسید و از او منی خارج شد لازم است یک شتر کفّاره بدهد، و اگر از روی شهوت بوسید و منی خارج نشد بنا بر اقوی کفّاره یک شتر است، و اگر بوسیدن از روی شهوت نبود و منی خارج شد کفّاره اش یگ گوسفند است، و همچنین اگر منی خارج نشود بنا بر اقوی کفّاره اش یک گوسفند است.

۴– لمس

مسأله: چهارم از محرّمات احرام: لمس زن است.

مسأله: شخص محرم نباید جایی از بدن خود را به بدن زنش از روی شهوت بمالد، و چنانچه این عمل را انجام داد و منی خارج شد باید یک شتر کفّاره بدهد.

۵– نگاه

مسأله: پنجم از محرّمات احرام: نگاه کردن به زن و شوخی با او است.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۴۱

مسأله: هرگاه محرم از روی شهوت با زن شوخی نماید یا به او نگاه کند تا منی از او خارج شود کفّاره اش یک شتر است.

مسأله: چنانچه عمداً به زن نامحرم نگاه کند و منی بیرون بیاید چه از روی شهوت باشد و چه نباشد و چه قصد بیرون آمدن منی داشته یا نداشته باشد چنانچه از لحاظ اقتصادی دارا باشد کفّاره اش یک شتر و اگر متوسّط الحال باشد یک گاو و اگر فقیر باشد یک گوسفند می باشد، و اگر منی بیرون نیاید گرچه معصیت کرده امّا کفّاره ندارد.

مسأله: نگاه به زنی که به انسان محرم است بدون شهوت اشکالی نداشته و کفّاره ندارد.

مسأله: زن در تمامی این احکام مانند مرد است، و نمی تواند به مرد از روی شهوت نگاه کرده یا او را لمس نماید، یا ببوسد.

۶– عقد نکاح

مسأله: ششم از محرمات احرام: عقد نکاح است، چه برای خود باشد یا دیگری، عقد دائم یا موقّت، طرف مُحرِم باشد یا نباشد.

مسأله: اگر محرمی برای محرم دیگری زنی را عقد نماید و زوج محرم دخول به زن نماید چنانچه زن نیز در احرام باشد و هرسه آنها مسأله را بدانند بر هرکدام یک شتر کفّاره است، و عقد باطل بوده و حرمت ابدی دارد.

مسأله: اگر این عمل از روی جهل به مسأله یا فراموشی یا غفلت یا اضطرار انجام شود کفّاره ندارد.

مسأله: اگر محرم برای خودش زنی را در حالی که هردو محرمند عقد کند همان حکم قبلی را دارد (از نظر علم و جهل و ...) و

اگر برای غیر محرم عقد را انجام دهد و زن و شوهر محرم نبودند عقد باطل است و محرم باید یک شتر کفّاره بدهد.

مسأله: بر محرم حضور در مجلس عقد و همچنین شاهد شدن برای عقد بر محرم حرام است و همچنین بنا بر احتیاط حرام است بر محرم خواستگاری کند، امّا اگر به زن مطلّقه رجعیّه رجوع نماید اشکالی ندارد.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۴۲

۷- استمناء

مسأله: هفتم از محرّمات احرام: استمناء است به هر وسیله ای که باشد.

مسأله: اگر محرم با آلت خود بازی نمود و منی از او بیرون آمد حکمش حکم کسی است که با زنش نزدیکی کرده باشد، بنا بر این اگر استمناء در احرام حج پیش از وقوف در (مزدلفه) باشد حجّش فاسد خواهد بود، و لازم است حج را تا آخر بجا آورده و در سال بعد اعاده نماید، همانطوری که اگر در عمره مفرده پیش از فراغت از سعی استمناء بکند عمره اش فاسد بوده و لازم است آن را به پایان رسانده و مجدّداً محرم به احرام عمره مفرده شود و عمره را تجدید نماید. مسأله: چنانچه محرم بدون بازی با آلت، استمناء نمود- مثلًا با نگاه کردن به زن اجنبیّه یا در نظر آوردن و خیالش- و منی از او بیرون آمد کفّاره اش اگر دارا است یک شتر و اگر متوسّط الحال است یک گاو و اگر فقیر است یک گوسفند می باشد، ولی حج و عمره اش باطل نخواهد بود.

۸- بوی خوش

مسأله: هشتم از محرّمات احرام: استعمال بوی خوش است.

مسأله: هرگونه استعمال بوی خوش از قبیل زعفران و عنبر و ورس و مشک چه خوردن، چه بوئیدن، چه مالیدن بر بدن بر محرم حرام است و همچنین حرام است پوشیدن لباسی که اثری از بوی خوش در او باشد، و احوط اجتناب از هر بوی خوشی است حتی مثل قرنفل و هل و کافور و عود.

مسأله: خوردن گلها و میوه های خوشبو مانند به و سیب و ادویه جات خوشبو و معجونهای خوشبو اشکالی ندارد، و احوط در هنگام خوردن خودداری از بوئیدن آنها است.

مسأله: کفّاره استعمال

بوی خوش (از بوئیدن و خوردن و غیره) اگر زعفران یا مشک یا عنبر یا ورس باشد یک گوسفند است، و در بقیه کفاره نیست.

مسأله: بر مُحرم حرام است که بینی خود را از بوی بد بگیرد، امّا تند عبور کردن از آن اشکالی ندارد.

۹- لباس دوخته برای مردان

مسأله: نهم از محرّمات احرام: پوشیدن لباس دوخته است برای مردان.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۴۳

مسأله: پوشیدن پیراهن و عبا و شلوار و زیر شلواری و جامه دکمه دار و درع (زره) و هر جامه ای که آستین دار باشد و لو دوخته نباشد مانند لباسهای نایلون و یا کاموائی که یکسره بافته شده و مانند نمد چوپانها، بر مردان حرام است.

مسأله: پوشیدن سه چیز استثنا شده و اشکالی ندارد حتی اگر دوخته باشد: همیان (که در آن پول می گذارند) و فتق بند و کمربند.

مسأله: همانطوری که پوشیدن لباس دوخته حرام است گره زدن مثل لنگ و رداء نیز حرام می باشد بنا بر احتیاط، اما سوزن قفلی زدن و امثال آن اشکالی ندارد.

مسأله: پوشیدن لباس دوخته در احرام برای زنان به هر نحوی مانعی ندارد مگر پوشیدن دستکش که جایز نیست، و احوط این است که زنها نیز به هنگام احرام ازار و رداء- که در لباس احرام گذشت- بپوشند، و فرقی ندارد زیر لباسها باشد یا روی لباسها البته میتوانند لباسهای خویش را به عنوان ازار و رداء بپوشند.

مسأله: کفّاره پوشیدن لباس دوخته برای مردان اگر از روی علم و عمد باشد یک گوسفند است.

۱۰- چکمه و جوراب

مسأله: دهم از محرّمات احرام: پوشیدن چکمه و جوراب است برای مردان، و هرچیزی که روی قدم پا را می پوشاند.

مسأله: پوشیدن چکمه (خف) یا جوراب بر مرد محرم حرام است، و چنانچه برای مرد نعلین و مانند آن فراهم نشد و ضرورت ایجاب کرد چکمه یا جوراب بپوشد احوط این است که روی آن را بشکافد، و پوشیدن نعلی که بدون پوشش است مانعی ندارد.

مسأله: زن می تواند جوراب و مانند

آن را بپوشد گرچه احوط نپوشیدن چیزی است که تمام پشت پارا بپوشاند.

مسأله: کفاره پوشیدن چکمه و جوراب و مانند آن، در صورت اختیار یک گوسفند است.

۱۱- سُرمه کشیدن

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۴۴

مسأله: یازدهم از محرّمات احرام: سرمه کشیدن است.

مسأله: سرمه کشیدن چهار صورت دارد: ۱- سرمه سیاه به چشم بکشد به قصد زینت. ۲- سرمه سیاه اما به قصد زینت نباشد بلکه برای تقویت نور چشم و مانند آن باشد. ۳- سرمه غیر سیاه و به قصد زینت، این سه قسم حرام است. ۴- سرمه غیر سیاه و به غیر قصد زینت، حرام نیست، به شرطی که زینت به حساب نیاید.

مسأله: کفاره سرمه کشیدن استغفار بوده و مستحب است یک گوسفند بکشد.

۱۲- نگاه در آینه

مسأله: دوازدهم از محرّمات احرام: نگاه کردن در آینه است به قصد زینت.

مسأله: نگاه محرم به قصد زینت در آینه حرام است، ولی اگر به منظور زینت نباشد (مانند راننده که با نگاه در شیشه می خواهد پشت سر یا دو طرف خود را ببیند) اشکالی ندارد.

مسأله: نگاه کردن در آب صاف که صورت را نشان می دهد و هرچیزی که مانند آن است چه از مایعات باشد چه غیر آن، اشکالی ندارد، و همچنین عینک زدن اگر برای زینت نباشد مانعی ندارد.

مسأله: نگاه در آینه برای زینت کفاره ندارد و باید استغفار کند، و مستحب است هنگام نگاه در آینه تلبیه را تجدید کند.

۱۳- دروغ و دشنام

مسأله: سیزدهم از محرّمات احرام دروغ و دشنام است.

مسأله: دشنام و دروغ چه در حال احرام و چه در غیرش حرام است، اما در احرام حرمتش شدیدتر است.

مسأله: بر شخص محرم مفاخرت نمودن حرام است، یعنی فضائل خویش را اظهار نموده از دیگری سلب کند، یا رذائل را برای

دیگری اثبات نموده از خود سلب نماید، امّا مفاخرت اگر به حقّ باشد و توهین دیگری را دربر نداشته باشد حرام نیست.

مسأله: اگر محرم مرتکب دروغ یا دشنام یا مفاخرت شد احرامش صحیح بوده و کفّاره ای جز استغفار بر او لازم نیست.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۴۵

۱۴- جدال

مسأله: چهاردهم از محرّمات احرام: جدال نمودن است.

مسأله: قَسَم خوردن به کلمه (لاـ و الله) و (بلی و الله) در مقام مخاصمه به هر لغتی بر محرم حرام است، البتّه در مقام ضرورت مانند اثبات حق یا از بین بردن باطل قسم به این دو کلمه مانعی ندارد، و همچنین اگر قصدش تعظیم یا اظهار محبّت باشد اشکال ندارد، مثل اینکه بگوید تو را به خدا این کار را نکن.

مسأله: در صورتی که جدال کننده در مقام قسم راستگو باشد چنانچه دو مرتبه قسم بخورد معصیت کرده امّا کفّاره ندارد بلکه به استغفار اکتفا می شود، و چنانچه بار سوّم یا بیشتر قسم خورد باید یک گوسفند کفّاره بدهد. و اگر به دروغ قسم خورد، بار اوّل کفّاره اش یک گوسفند، و بار دوّم یک گاو و بار سوّم یک شتر می باشد.

۱۵- کشتن جانوران بدن

مسأله: پانزدهم از محرّمات احرام: کشتن جانوران بدن است.

مسأله: کشتن جانوران بدن مانند شپش انداختن آنها از بدن بر محرم حرام است، و چنانچه انجام داد واجب است به فقیری یک مشت طعام کفّاره بدهد، ولی جا به جا نمودن آنها مانعی ندارد، اگر در معرض سقوط نباشد.

مسأله: کشتن پشه و کک و دیگر حشرات از برای دفاع اشکالی ندارد، و بنابر احتیاط مستحب داخل حرم از کشتن آنها دوری کند.

۱۶- زینت

مسأله: شانزدهم از محرّمات احرام: زینت نمودن است.

مسأله: پوشیدن زیور برای زنان به قصد زینت حرام است، البتّه آنچه که پیش از احرام به پوشیدنش عادت داشته مانعی ندارد، ولی نباید آن را نشان دهد.

مسأله: بستن ساعت در حال احرام اگر برای زینت نباشد اشکالی ندارد.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۴۶

مسأله: پوشیدن انگشتر به قصد زینت بر محرم، چه زن و چه مرد حرام است، اما به قصد استحباب اشکالی ندارد.

مسأله: کفاره زینت نمودن یک گوسفند است، و در پوشیدن انگشتر کفّاره نیست.

۱۷- مالیدن روغن

مسأله: هفدهم از محرّمات احرام: مالیدن روغن به بدن است.

مسأله: محرم نبایستی تن خود را روغن مالی نمایـد هرچند خوشبو هم نباشد، مگر در حال اضطرار که حتی المقدور از روغن بدون بو باید استفاده شود.

مسأله: اگر از روی علم و عمد و بدون اضطرار روغن مالی نمود بنا بر احتیاط مستحب کفّاره اش یک گوسفند است.

۱۸- جدا نمودن مو

مسأله: هیجدهم از محرّمات احرام: جدا نمودن مو از بدن است.

مسأله: بر شخص محرم حرام است از بدن خود یا غیر از روی علم و عمد مو جدا نماید به هر نحوی که باشد، مگر در چهار صورت: ۱- شپش بدن زیاد شود. ۲- ضرورت ایجاب کند که مو جدا شود مانند آنکه بلندی مو و زیادیش موجب سردرد یا ناراحتی او شود. ۳- مو در پلک چشم روئیده باشد که محرم را ناراحت نماید. ۴- مو هنگام وضو یا غسل خود به خود جدا شود.

مسأله: اگر محرم از روی ضرورت سر خود را بتراشد کفّاره اش یک گوسفند می باشد، یا اینکه سه روز روزه بگیرد یا اطعام شش مسکین کند و به هریک دو مدّ طعام (۱ .۵ کیلو) بدهد و چنانچه ضرورت نباشد بنا بر اقوی یکی از این سه را بپردازد گرچه احوط گوسفند است، و اگر از روی علم و عمد موی غیر سر را بتراشد چه تراشیدن آن در غیر وقت احرام جایز باشد (مثل موی زیر بغل) یا حرام باشد (مثل موی صورت) بنا بر احوط کفاره اش یک گوسفند است.

۱۹- پوشانیدن سر برای مردان

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۴۷

مسأله: نوزدهم از محرّمات احرام: پوشانیدن سر است بر مردان.

مسأله: بر مرد محرم حرام است سرش را بپوشاند به هر چیزی که باشد حتی اگر روی سرش چیزی را حمل کند که سر پوشیده شود، و همچنین پوشاندن گوشها جایز نیست، و جایز نیست محرم سرش را زیر آب فرو برد.

مسأله: شخص محرم می تواند با دست سر خود را بپوشاند گرچه احوط استحبابی ترک است، و مسح سر هنگام وضو پوشانیدن نیست، و همچنین

هنگام خواب قسمتی از سر، که بر زمین می چسبد اشکالی ندارد، و زیر دوش رفتن و آب بر سر ریختن جایز است.

مسأله: اگر از روی فراموشی سر خود را پوشانید باید فوراً آن را برطرف کند و کفاره بر او نیست.

مسأله: هر گاه مرد محرم سر خود را بپوشاند چه عمداً و چه از روی اضطرار کفّاره اش یک گوسفند است.

۲۰- پوشانیدن صورت برای زنان

مسأله: بیستم از محرّمات احرام: پوشانیدن صورت است بر زنان.

مسأله: بر زن محرمه حرام است تمام صورت خویش را بپوشانـد با نقاب یا غیرش، امّا پوشاندن مقداری از صورت در خواب و پوشاندن قسمتی از صورت که از باب مقدّمه به جهت پوشاندن سر برای نماز از اطراف پوشیده می شود اشکالی ندارد.

مسأله: اگر زن برای رو گرفتن از نامحرم روسری را بر روی صورت رها کرد تا بینی یا چانه که تماس با صورت نـداشت بلکه جدا از صورت بود اشکالی ندارد.

مسأله: کفاره پوشانیدن صورت برای زنان یک گوسفند می باشد.

۲۱- زیر سایه رفتن برای مردان

مسأله: بیست و یکم از محرّمات احرام: زیر سایه رفتن مردان است.

مسأله: برای مرد محرم حرام است هنگام سیر و حرکت در زیر سایه برود، یا سایه بانی بر سر بگیرد، هرچند سایه سقف ماشین یا هواپیما و مانند اینها باشد، پیاده باشد یا سواره، شب باشد یا روز.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۴۸

مسأله: رفتن زیر سایه چیزی که روی سر نباشد اشکالی ندارد، مثل اینکه بغل ماشین و مانندش حرکت کند که از طرف چپ یا راست سایه بر او بیفتد.

مسأله: شخص محرم می تواند با دست خود جلو آفتاب را بگیرد، و همچنین احرام در زیر سقف مسجد شجره اشکالی ندارد.

مسأله: در جایی که محرم منزل می نمایـد مثل قهوه خانه های بین راه، یا در عرفات و منی و همچنین وقتی به مکه معظمه می رسد حتی اگر منزلی تهیه نکرده می تواند زیر سایه برود.

مسأله: وقتی محرم وارد مکه معظّمه شـد می توانـد زیر سایه برود و ماشین سـقف دار سوار شود و از چتر و ماننـد آن استفاده

کند، و همچنین اگر از مسجد تنعیم برای عمره

مفرده محرم شود، زیرا جزو شهر مکّه می باشد.

مسأله: جایز نیست مرد محرم کاری کند که فقط روی سرش سایبان نباشد و بقیّه بدن سایه بان داشته باشد مثل اینکه به ماشین سقف دار سوار شود و سر خود را از شیشه بیرون بیاورد.

مسأله: در حال احرام جایز است از زیر پلها و تونلها عبور کند، و هنگامی که محرم در عرفات یا منی منزل می کند جایز است در حال حرکت زیر سایه برود، مثلًا وقتی می خواهد از خیمه ها برای رمی جمرات برود می تواند از چتر و مانند آن استفاده کند یا ماشین سقف دار سوار شود.

مسأله: زیر سایه رفتن زنان و کودکان، و همچنین مردان در حال ضرورت یا ترس از سرما و گرما اشکالی ندارد.

مسأله: کفّاره زیر سایه رفتن چه اختیاراً و چه اضطراراً یک گوسفند است، و می تواند آن را در وطن خویش ذبح نماید.

۲۲- خون

مسأله: بیست و دوّم از محرّمات احرام: بیرون آوردن خون از بدن است.

مسأله: شخص محرم بر احوط جایز نیست از بدن خود خون بیرون بیاورد، با خاراندن باشد یا مسواک یا غیره.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۴۹

مسأله: کشیدن دندان چنانچه باعث جاری شدن خون شود جایز نیست و باید کفاره بدهد، مگر در حال اضطرار که اشکالی نداشته و کفاره ندارد.

مسأله: چنانچه عمداً از بدن خود، خون بیرون آورد احتیاطاً باید یک گوسفند کفّاره بدهد، و در حال ضرورت یا رفع ناراحتی اشکالی نداشته و کفّاره ندارد.

۲۳- ناخن گرفتن

مسأله: بیست و سوّم از محرّمات احرام: ناخن گرفتن.

مسأله: بر محرم حرام است تمام یا قسمتی از ناخن خود را بگیرد مگر در صورتی که بقاء ناخن ضرر داشته باشد (مانند اینکه ناخن کنده شده و ماندنش سبب ناراحتی می شود که در این صورت بریدنش جایز است و کفّاره ندارد).

مسأله: کفّاره گرفتن هر ناخن یک مدّ طعام است (یعنی ۷۵۰ گرم) و تا نه ناخن حکم همین است، و اگر به ده رسید یعنی تمام ناخنهای دو دستش را در یک مجلس گرفت یک گوسفند باید کفّاره بدهد، و چنانچه در یک مجلس تمام ناخنهای دست و

پا را گرفت که مجموعاً بیست ناخن می شود باز کفّاره یک گوسفند است، و چنانچه در دو مجلس باشد یعنی در یک مجلس تمام ناخنهای دست را گرفت و در مجلس دوّم تمام ناخنهای پا را، کفّاره دو گوسفند است، البته تمام اینها در صورت عمد و علم است.

۲۴- کافور

مسأله: بیست و چهارم از محرّمات احرام: غسل دادن محرم میّت است به کافور.

مسأله: جایز نیست کسی که در حال احرام مرده است با کافور حنوط نمایند، و به جای آن با آب قراح (آب مطلق) غسل می دهند و در نتیجه دو غسل با آب قراح و یک غسل با آب سدر می شود، و چنانچه انجام شود کفّاره اش استحباباً یک گوسفند است.

۲۵- سلاح

مسأله: بیست و پنجم از محرّمات احرام: برداشتن سلاح است.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۵۰

مسأله: بر محرم پوشیدن اسلحه جنگی در حال اختیار حرام است، و همچنین جایز نیست خود را مسلّح نماید، حتّی اگر با نشستن در داخل تانک و امثال آن باشد، و چنانچه ضرورت ایجاب نماید حتّی المقدور باید سلاح ظاهر نباشد مگر اینکه ضرورت در اظهارش باشد.

مسأله: در حال اختیار کفّاره برداشتن سلاح بنا بر احوط استحبابی یک گوسفند است.

درخت و گیاه حرم

مسأله: کندن و بریدن هرچیزی که در محدوده حرم روئیده باشد بر محرم و غیر محرم حرام است، مانند درخت و گیاه حرم.

مسأله: از این حکم چند مورد استثنا شده است: ۱- اذخر که گیاه معروفی است. ۲- نخل خرما و درخت میوه دار. ۳- علفهائی که خوراک شتر است. ۴- علف و درختی که در ملک یا خانه شخص می روید یا خود شخص آن را می کارد و می نشاند.

مسأله: همانطوری که کندن درخت و گیاه حرم بر محرم حرام است، کندن درخت و گیاه غیر حرم نیز بر او تا زمانی که در احرام است حرام می باشد.

مسأله: راه رفتن به نحو متعارف اگرچه موجب قطع بعض گیاهان حرم شود اشکال ندارد، و همچنین رها کردن حیوانات

چرنده برای چریدن اشکالی ندارد.

مسأله: کفّاره کندن و بریدن درخت و گیاه از روی علم و عمد در درخت بزرگ یک گاو، و در درخت کوچک یک گوسفند است، و در شاخه ها و برگها قیمت آن را صدقه بدهد، و در علفها استغفار نماید. و اگر از روی جهل به مسأله یا فراموشی و امثال آن باشد کفّاره ندارد.

چند مسأله

مسأله: حدود حرم اطراف شهر مکه می باشد و یک برید در یک برید است، و هر برید چهار فرسخ، و هر فرسخ تقریبا شش کیلومتر می باشد، البته از طرف شمال، مسجد تنعیم خارج از محدوده حرم است.

مسأله: آنچه را که باید محرم به جهت کفاره ذبح کند اگر در احرام عمره بود در مکّه مکرّمه ذبح نماید و اگر در احرام حج بود در منی ذبح کند و آن را به فقرای مؤمنین یا وکیل آنها بدهد.

رساله مناسک حج (طبع جدید)،

مسأله: چنانچه در مکه مکرّمه یا منی کفاره را ذبح نکرد یا در آنجا فقرای مؤمنین نبودند باید در شهر خود کفاره را ذبح کند و به فقرای مؤمنین بدهد.

مسأله: در هر موردی که کفاره گوسفند است می تواند بجای آن بز بکشد.

۲- طواف

اشاره

مسأله: دوّم از اعمال عمره تمتّع: طواف خانه خداست، یعنی هفت مرتبه کعبه معظّمه را دور بزنند.

مسأله: همان طوری که طواف در عمره تمتّع واجب است، در حج تمتّع، عمره و حج قران، عمره و حج افراد، و در عمره مفرده تنها نیز واجب می باشد.

مسأله: این طواف (چه در عمره و چه در حج) از ارکان است و با ترک عمدی آن عمره و حج باطل می شود، بر خلاف طواف نساء.

شرایط طواف

مسأله: در طواف چند چیز شرط می باشد: ۱- نیّت. ۲- طهارت از حدث. ۳- پاک بودن بدن و لباس. ۴- ختنه کردن. ۵- ستر عورت. ۶- مباح بودن لباس و مرکب.

مسأله: شرط اوّل: نیّت است، و باید طواف قربةً الی الله تعالی انجام شود، و بدون قصد قربت باطل است، البتّه به زبان آوردن آن لازم نیست گرچه مستحب است، پس می گوید: طواف می کنم دور خانه کعبه هفت شوط برای عمره تمتّع قربةً الی الله تعالی.

مسأله: شرط دوّم: طهارت از حدث اکبر و اصغر می باشد (یعنی با وضو باشد و غسلی به گردنش نباشد) البته این شرط در طواف عمره و حج لازم است، و امّا طواف مستحبّی تنها- که مربوط به عمره و حجّ نیست- طهارت (با وضو بودن) در آن مستحب است، گرچه وضوء در نمازش لازم است (البتّه جنب یا حایض نمی تواند حتّی طواف مستحب انجام دهد، زیرا دخول در مسجدالحرام بر او حرام است) بنا بر این طواف عمره یا حج بدون وضو یا غسل اگر غسلی به گردنش باشد باطل است.۱ رساله مناسک حج (طبع جدید) ؛ ص۵۱

أله: زن مستحاضه چنانچه احکام استحاضه را رعایت نماید- همانطوری که در

احکام نماز بیان شده است- طوافش صحیح می باشد.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۵۲

مسأله: اگر شکّ کرد در طهارت حدثیه (یعنی نمی داند وضو گرفته یا نه، یا غسلی بر گردنش بوده یا نه) چنانچه بعد از تمام شدن طواف باشد طواف او صحیح است، و اگر در اثناء باشد چنانچه به طهارت پیش از طواف یقین داشته است بنا را بر طهارت می گذارد و طواف را تمام می نماید، و طوافش صحیح است و امّا اگر قبلًا یقین داشته که محدث بوده و نمی داند که با طهارت وارد طواف شده یا نه، و یا اینکه حالت سابقه را نمی داند در این دو صورت بنا را بر حدث می گذارد، پس اگر طواف عمره یا حج است باید آن را قطع نماید و طهارت تحصیل کند، کند، و اگر طواف مستحبّی تنها است جایز است طواف را تمام نماید و صحیح خواهد بود.

مسأله: اگر بعد از طواف متوجّه شود که طهارت نداشته یعنی بدون وضو یا غسل بوده، در طواف واجب باید اعاده کند.

مسأله: کسی که نمی تواند وضو بگیرد یا غسل کند، مثلًا آب برای او ضرر دارد، باید تیمّم نموده و طواف نماید.

مسأله: اگر در وسط طواف حدثی از او خارج شد چنانچه بیش از نصف طواف را انجام داده- یعنی سه شوط و نیم- باید طهارت بگیرد سپس دنباله طواف را ادامه دهد، و اگر به نصف نرسیده باشد باید طواف را از سر گیرد.

مسأله: چنانچه محرم در اثناء طواف متوجّه شد که جنب یا حایض است، هر طوافی باشد چه واجب و چه مستحب باید قطع نماید و فوراً از مسجدالحرام خارج شود.

مسأله: اگر زن

در اثناء طواف واجب حایض شد باید طواف را قطع نموده از مسجد خارج شود و پس از پاک شدن و غسل نمودن بر گردد و چنانچه قبلًا بیشتر از نصف طواف، انجام داده بود باقیمانده را تکمیل نماید و اگر تجاوز از نصف نکرده بود از اوّل شروع می کند، و اگر تا وقت پاک شدن به خاطر عذری نمی توانست در مکّه معظّمه بماند تا خودش طواف را انجام دهد یا تکمیل کند، باید برای انجام وظیفه اش نایب بگیرد.

مسأله: کسی که غسل مسّ میّت بر او واجب شده باید غسل مسّ میّت را انجام داده سپس طواف نماید.

مسأله: شرط سوّم: طهارت از نجاست (خبث) است، در بدن و لباس، مگر نجاستی که در نماز بخشوده شده است مانند خون کمتر از درهم و خون قروح و جروح و غیره، گرچه اجتناب از آن احوط است.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۵۳

مسأله: اگر عالماً عامداً با بدن یا لباس نجس طواف نمود طوافش باطل است، و چنانچه در وقت شروع به طواف نجاست را نمی دانسته و در اثناء طواف متوجّه شد اگر با کندن لباس و غیره توانست فوراً نجاست را رفع نماید و باقیمانده طواف را با طهارت انجام دهد طواف صحیح است، چه پیش از نصف باشد یا بعدش، وگرنه طواف باطل است.

مسأله: اگر از باب جهل به نجاست یا جهل به اینکه طواف مشروط به طهارت است یا به علّت فراموشی و غفلت با بدن یا لباس نجس طواف کرد طوافش صحیح است.

مسأله: شرط چهارم: باید مرد ختنه کرده باشد و همچنین است پسر نابالغ، و این شرط خاص به ذکور است، بنا

براین طواف مردان، بدون ختنه صحیح نیست.

مسأله: شرط پنجم: ستر عورت است بر مرد و زن، و همانطوری که در نماز ستر عورت لازم است در طواف نیز لازم می باشد، و همان شرایطی که در لباس نمازگزار معتبر است، در ساتر طواف نیز لازم می باشد.

مسأله: اگر لباس احرام در حال طواف از روی او افتاد چنانچه مسافت کمی بدون احرام رفته باشد باید برگردد و احرام را پوشیده و از همانجایی که احرام افتاده بود به طواف خود ادامه دهد.

مسأله: شرط ششم: مباح بودن لباس و مرکب است، پس اگر در حال طواف لباس انسان یا مرکبی که بر آن سوار شده غصبی باشد (چنانچه سواره طواف کند) طوافش باطل است.

واجبات طواف

مسأله: در طواف چند چیز واجب است: ۱- ابتدا به حجرالاسود. ۲- ختم به حجرالاسود. ۳- خانه کعبه را طرف چپ خود قرار دهد. ۴- حجر اسماعیل را داخل در طواف کند. ۵- بدن از خانه کعبه خارج باشد. ۶- هفت شوط طواف کند. ۷- اشواط طواف پشت سرهم باشد. ۸- بنا بر احتیاط مستحب طواف بین مقام ابراهیم و خانه کعبه باشد.

مسأله: اوّل از واجبات طواف: باید شروع هریک از هفت شوط طواف از حجرالاسود باشد، و لازم نیست اوّلین جزء بدن محاذی با اوّلین جزء حجرالأسود شود بلکه ابتداء عرفی کافی است.

مسأله: دوّم از واجبات طواف: باید ختم هریک از هفت شوط به حجرالأسود باشد.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۵۴

مسأله: سوّم از واجبات طواف: باید خانه کعبه در تمام حالات طواف در طرف شانه چپ طواف کننده باشد، البتّه دقّت عقلی در اینکه شانه چپ محاذی با دیوار کعبه باشد لازم

نیست، و مراعات وضع مناره های فعلی لزومی ندارد، بلکه صدق عرفی کافی است.

مسأله: اگر کعبه معظّمه در طرف چپ واقع نشود یعنی در مقابل یا پشت سر یا طرف راست باشد طواف باطل است، و چنانچه این عمل از روی جهل به مسأله باشد باید طواف را اعاده نماید.

مسأله: چنانچه بر اثر ازدحام جمعیّت از مسیر خود منحرف شود یعنی شانه چپ او به طرف کعبه نباشد، در مسافت بسیار کم مانند یکی دو گام، طواف صحیح است و اعاده لازم ندارد.

مسأله: کسانی که آنها را با وسیله مخصوصی طواف می دهند رعایت عرفی محاذات شانه چپ آنها با دیوار کعبه لازم است.

مسأله: طواف باید با استقامت و راست بودن بدن انجام شود، و در حال خمیدگی صحیح نخواهد بود مگر برای افرادی که بیمار می باشند، یا براثر کهولت سنّ منحنی شده اند.

مسأله: چهارم از واجبات طواف: باید حجر اسماعیل (ع) را داخل در طواف بنماید، یعنی بیرون از آن طواف کند و نمی تواند از یکی از دهانه های حجر اسماعیل (ع) داخل شده و از دیگری بیرون رود.

مسأله: پنجم از واجبات طواف: باید بدن خارج از خانه کعبه باشد، یعنی: دور خانه خدا طواف کند نه داخل آن، امّا اگر از روی شاذروان (شیب دور خانه خدا) عبور کرد و یا بر روی دیوار حجر اسماعیل اشکالی ندارد، گرچه ترکش بهتر است، بنا بر این دست کشیدن به دیوار خانه خدا در هنگام طواف و روی دیوار حجر اسماعیل جایز است گرچه خلاف احتیاط استحبابی است.

مسأله: ششم از واجبات طواف: باید هفت دور کامل طواف کند، از حجرالأسود تا حجرالأسود، و کم و زیاد کردن آن موجب

بطلان است.

مسأله: اگر به خاطر عذری مانند بیماری یا حدوث حدث طواف را قطع کرد چنانچه بیش از نصف طواف را انجام داده بود وقتی عذر مرتفع شد باقیمانده را انجام می دهد و کافی خواهد بود، و اگر از نصف تجاوز نکرده بود باید از اوّل شروع نماید.

مسأله: هرگاه در بین نماز طواف متوجّه شود که طوافش ناقص بوده، باید نماز را قطع نماید و طواف را تکمیل نماید چه از نصف طواف گذشته باشد یا نگذشته باشد، و چه شروع در نماز جهلًا و یا از روی

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۵۵

فراموشی و غفلت بوده است، و اگر بعد از نماز متوجّه شد باید طواف را تکمیل نماید و احوط اعاده نماز است.

مسأله: هرگاه مشغول سعی شد و متوجّه شد که طوافش ناقص بوده باید سعی را قطع نماید و طواف را تکمیل کند، هرچند باقیمانده طواف بیش از نصف باشد، و احتیاطاً نماز طواف را اعاده نماید سپس سعی را کامل نماید گرچه کمتر از نصف سعی را انجام داده باشد، البتّه مستحب است طواف و سعی را از اوّل انجام دهد.

مسأله: هرگاه در بین طواف، وقت نماز واجب فرا رسید، مستحب است طواف را قطع نماید و نماز فریضه را بخواند، و سپس طواف را تکمیل کند هرچند قبل از نصف طواف باشد.

مسأله: هرگاه بعد از فراغت از طواف شک کند در عدد شوطهای هفتگانه، چنانچه یک طرف شک عدد ۷ باشد (مثلًا بین ۷ و ۸) یا (۶ و ۷) اعتنا به شک نکند و طواف او صحیح است، و اگر هیچ یک از دو طرف شک صحیح نباشد (مثل

شک بین ۵ و ۶ یا ۶ و ۸) باید طواف را اعاده نماید.

مسأله: هرگاه در حین طواف در زیاده شک کند در صورتی که یقین به هفت شوط داشته باشد طواف را قطع نماید و طواف صحیح خواهد بود.

مسأله: هرگاه در حین طواف در نقیصه شک نماید باید طواف را اعاده نماید، و اگر با دانستن مسأله عمداً از طواف بیرون رفت و به شک خود اعتنا ننمود باید طواف را اعاده نماید، و امّا اگر از روی جهل به مسأله یا سهو و نسیان و اضطرار به شک اعتنا ننمود و از طواف بیرون آمد طوافش صحیح است. البته این مسائل شک مربوط به طواف حج و عمره است که از آن تعبیر به طواف فریضه می شود.

مسأله: هرگاه در هنگام طواف مستحب تنها مثل طواف ابتدائی و طواف وداع، شک در نقیصه نماید بنا را بر اقل بگذارد و تکمیل نماید و طواف صحیح خواهد بود، و در طواف نذری و یا طواف ابتدائی استیجاری نیز همین حکم جریان دارد.

مسأله: هرگاه در بین طواف شک نماید بین نقیصه و زیاده و کمال (مثلًا بین ۶ و ۷ و ۸) باید طواف را از سر بگیرد، و همچنین اگر شک بین نقیصه و زیاده داشته باشد (مثلًا بین ۶ و ۸) باید طواف را اعاده کند، و همچنین اگر در اصل عدد شک نماید که نداند چند شوط انجام داده طواف را اعاده کند.

مسأله: ظنّ در طواف تا وقتی که به حدّ علم عادی نرسیده است در حکم شک می باشد.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۵۶

مسأله: در عدد اشواط می توان به بیّنه (دو شاهد

عادل) و ثقه واحد (یک شخص مورد اطمینان) گرچه طفل یا زن یا فاسق باشد اعتماد نمود.

مسأله: اگر در بین طواف شک کرد و طواف را از سر گرفت و در بین طواف دوّم عدد طواف اوّل معلوم شد اگر عدد کامل بوده طواف دوّم را قطع نماید و اگر طواف اوّل کم داشته همان مقدار کم را تدارک نماید کافی است، و لازم نیست طواف دوّم کامل شود.

مسأله: هفتم از واجبات طواف: باید طواف پشت سرهم و پی در پی انجام شود، و خود مُحرم شخصاً انجام دهد، مگر اینکه به هیچ وجهی بر آن قدرت نداشته باشد، که در این صورت باید نایب بگیرد.

مسأله: اگر عمداً مقداری از طواف واجب را ترک کرد چنانچه عمل منافی با موالات انجام نداده- یعنی فاصله زیاد نشده- واجب است آن را تکمیل نماید، و اگر عمل منافی با موالات انجام داده باید طواف را از سر بگیرد.

مسأله: هشتم بنا بر احتیاط مستحبّی فاصله شخص با دیوار خانه خدا از تمام اطراف بیست و شش ذراع و نیم باشد، یعنی طواف بین مقام حضرت ابراهیم (ع) و خانه خدا انجام شود، البتّه وقتی به آخر حجر اسماعیل می رسد فاصله شش ذراع و نیم می شود.

مسأله: اگر فاصله را بیشتر قرار داد یعنی دورتر از مسافت (۵. ۲۶) ذراع طواف کرد اشکالی ندارد حتی اگر اضطرار و مشقّتی در کار نباشد.

چند مسأله

مسأله: شخص بیماری که خودش قادر به طواف نیست چنانچه تا وقت باقی است امید بهبودی دارد طواف را تا موقع بهبودی تأخیر بیندازد و اگر امیدی نبود یا بهبودی نیافت باید او را طواف بدهند به هر

وسیله ای که ممکن است، و چنانچه آن نیز ممکن نباشد برای او نایب گرفته می شود.

مسأله: اگر شک کند که طواف کرده یا نه، چنانچه داخل عمل بعدی نشده است باید طواف را انجام دهد و اگر داخل عمل بعدی شده بنا بگذارد که طواف را انجام داده است.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۵۷

مسأله: اگر شک کند که طواف را با شرایط لازم انجام داده یا نه، چنانچه شک بعد از طواف باشد بنا را بر صحّت آن می گذارد، و اگر در بین طواف باشد مقداری که انجام شده صحیح است، و نسبت به باقیمانده باید احراز شرایط نماید.

مسأله: هرگاه بعد اتمام طواف شک کند که شرایط صحّت را داشته یا نه، مثلًا طهارت داشته یا نه، بنا بر صحّت بگذارد.

مسأله: اگر بعد از تمام شدن اعمال حج یقین پیدا کرد یکی از دو طواف (طواف زیارت یا طواف نساء) را انجام نداده است یک طواف به قصد ما فی الذمّه انجام میدهد و کافی است.

مسأله: طواف در هر یک از عمره و حج رکن است و چنانچه عمداً ترک شود عمره یا حج باطل می شود، و چنانچه وقتش بگذرد باید عمره یا حج را اعاده نماید.

مسأله: اگر از روی جهل به مسأله طواف زیارت را ترک نمود باید حج را اعاده کند و اگر طواف نساء را جهلًا ترک کند اعاده حج لازم نیست بلکه باید همان طواف را قضا نماید، و اگر امکان قضا ندارد نایب بگیرد، و اگر طواف نساء را عمداً ترک کند لازم نیست حج را اعاده نماید- گرچه احوط است- و در این صورت کفّاره لازم نیست.

مسأله: هرگاه طواف زیارت

عمره- چه مفرده و چه تمتّع- را عمدا ترک کرد واجب است عمره را اعاده نماید و کفّاره شتر لازم نیست، و اگر از روی جهل ترک نماید فقط قضای طواف لازم است و اعاده و کفّاره ندارد، و در احکام بیان شده در دو مسأله فرقی نمی باشد بین حج واجب و مستحب، و عمره واجب و مستحب، چه نیابهً باشد و چه اصالهً.

مسأله: اگر از روی جهل به مسأله طواف زیارت را ترک کرد و تا آخر ذی الحجّه نتوانست حج را اعاده کند و قدرت بر کفّاره شتر نداشت، حجّ و کفّاره ساقط می شود، و چنانچه قدرت مالی داشته باشد بعد از مرگش قضا می شود و گرنه چیزی بر او نیست، و استفاده از زن و غیرش بنا بر اظهر بر او حرام نیست، چه در سال آینده قدرت برانجام حج داشته باشد یا نداشته باشد.

مسأله: اگر طواف نساء را جهلًا- چه از حج و چه از عمره مفرده- ترک نماید تا وقتی خودش یا نایبش طواف را قضا نکند، زن بر او حرام است، وهمین حکم در صورت فراموشی نیز جریان دارد.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۵۸

مسأله: اگر کسی عمره مفرده را انجام داد و از روی جهل طواف نساء را ترک کرد ولی بعد از آن حج را با طواف نساء آن انجام داد، یا بالعکس یعنی حج را بدون طواف نساء انجام داد و بعدش عمره مفرده را همراه با طواف نساء بجا آورد، یا دو عمره مفرده بجا آورد و در اوّلی جهلًا طواف نساء را ترک نمود و در دوّمی انجام داد زن بر او حرام نیست، چه

در این موارد از طرف خود اعمال را انجام دهد، یا نائب باشد، یا یکی نائب بوده و در دیگری از طرف خود باشد.

مسأله: کسی که در عمره مستحبّی و حج مستحبی یا تبرّعی طواف را ترک نماید اعاده و کفّاره بر او واجب نیست، لکن اگر طواف نساء را ترک کرده باشد در صورت امکان باید خودش قضا نماید، و در صورت عدم امکان نایبش قضا کند، و تا وقتی که قضا انجام نشده زن بر او حرام است.

مسأله: اگر کسی برای عمره یا حج اجیر شود و طواف زیارت را ترک کند بطوریکه عمره و حج باطل شود اجاره باطل نیست، و مجدّداً باید عمره یا حج را اعاده نماید مگر اینکه اجاره مقیّد به همان وقتی باشد که عمره یا حج باطل شده، در این صورت اجاره باطل است و اجرت را پس می دهد.

مسأله: چنانچه از روی فراموشی طواف حج یا عمره را ترک نمود فقط باید طواف را قضا کند و بقیّه اعمالش باطل نیست، و اگر برای خودش امکان نداشت باید نایب بگیرد.

مسأله: هرگاه عمداً یا جهلًا طواف را ترک کرد پس از انجام سایر اعمال مُحلّ می شود یعنی از احرام بیرون می آید.

مسأله: اگر از حرم خارج شد سپس برای اعاده عملی که لازم است با احرام انجام شود خواست به حرم برگردد، باید برای انجام آنچه فوت شده محرم شود.

مسأله: هرگاه طواف یا نماز طواف یا سعی را فراموش کند که واجب است قضا شود لازم نیست قضا در ماههای حج (شوّال و ذی القعده وذی الحجّه) باشد.

مسأله: هرگاه شک نماید آنچه ترک شده طواف حج بوده است یا طواف عمره،

یک طواف به قصد ما فی الذمّه انجام دهد.

مسأله: چنانچه طواف واجب حج یا عمره را فراموش کند و با همسرش نزدیکی (جماع) نماید، کفاره (شتر) بر او واجب نیست.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۵۹

مسأله: هرگاه طواف نساء را فراموش کرد زن بر او حرام است تا زمانی که خودش آن را قضا نماید و اگر شخصاً تمکّن از قضا نداشت، نایب بگیرد، اما اگر نایب گرفتن نیز امکان نداشت حرمت زن از او ساقط می شود علی الأظهر. و اگر می توانست در همان سال نایب بگیرد ولی شخصاً نمی توانست آن را قضا کند امّا برای سال بعد شخصاً قادر بر قضا بود، باید در همان سال نایب گیرد.

مسأله: در مسأله قبلی چنانچه طواف وداع را انجام داده باشد جایگزین طواف نساء می شود و نیازی به قضا نیست.

مسأله: در احکام مذکوره طواف فرقی بین زن و مرد و خنثی نیست و طواف نساء مثل طواف حج و طواف عمره برای همه واجب است.

۳- نماز طواف

مسأله: سوّم از واجبات عمره تمتّع: دو رکعت نماز طواف است.

مسأله: واجب است بعد از طواف فوراً دو رکعت نماز طواف را (که مثل نماز صبح است ولی اقامه ندارد و بلند خواندن قرائتش بر مردان واجب نیست) نزد مقام ابراهیم (ع) یا پشت آن بجا آورد.

مسأله: می توان نماز طواف را در طرف راست یا چپ و یا پشت مقام ابراهیم (ع) بجا آورد و هرچه به مقام نزدیکتر باشد بهتر است، گرچه میتواند نماز را دورتر بخوان تا آخر مسجد الحرام مخصوصاً وقتی که شلوغ باشد.

مسأله: این حکم مربوط به نماز طواف عمره و حج است، امّا نماز طواف ابتدائی را در تمام

اطراف مسجد الحرام می توان خواند.

مسأله: اگر کسی نماز طواف را فراموش کرد، باید تا زمانی که در مکه معظمّه است نزد مقام ابراهیم (ع) رفته و نماز را قضا نماید، و اگر از مکّه معظّمه بیرون رفت و مسافرت نمود هرجا یادش آمد قضا نماید گرچه احوط استحبابی برگشتن به مسجدالحرام و قضا نمودن نزد مقام ابراهیم (ع) است، و اگر در برگشت مشکل بود بهتر است برای قضا نزد مقام ابراهیم (ع) نائب بگیرد.

مسأله: برکسی که قرائت نمازش صحیح نیست واجب است قرائت خود را اصلاح نماید، و اگر نتوانست اصلاح نماید به هر اندازه ای که می تواند انجام دهد و نایب گرفتن کافی نیست.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۶۰

مسأله: هرگاه دو رکعت نماز طواف را نزد یا پشت مقام ابراهیم (ع) نخواند بلکه در جاهای دیگر مسجد خواند یا آن را عمداً ترک کرد یا نماز را باطل خواند واجب است برگردد و نماز را پشت مقام ابراهیم (ع) بخواند و اگر امکان برگشت نبود هرجا که هست نماز را بخواند، و احتیاطاً نایب نیز بگیرد که نزد مقام ابراهیم (ع) نماز را بجا آورد.

مسأله: هرگاه نماز طواف را از روی جهل یا سهو یا فراموشی ترک کرد اعمال بعد از نماز صحیح است و احتیاج به اعاده آنها نیست، و همچنین اگر عمداً آن را ترک کند.

مسأله: اگر کسی که نماز طواف را فراموش کرده و قضای آن را انجام نداده فوت کند، واجب است ولیّش قضا نماید.

مسأله: لازم نیست قضای نماز طواف در ماههای حج باشد و در مسائل قضای نماز طواف فرقی بین اقسام مختلف حج و عمره نیست، و

همچنین لازم نیست که قضای نماز با لباس احرام باشد.

مسأله: نماز طواف را می توان با جماعت خواند.

مسأله: مکروه است که دو طواف را پی در پی انجام دهد بصورتی که بعداً دو نماز برای هر دو بجا آورد، بلکه بعد از هر طواف نماز آن را بخواند.

مسأله: زنی که قبل از نماز طواف یا در هنگام طواف حایض شود باید فوراً از مسجد خارج شود و اگر چهار شوط یا بیشتر طواف کرده باشد بقیه طواف و نماز را تاخیر می اندازد و اعمال دیگر عمره را تکمیل نموده، بعد از پاکی باقیمانده طواف و نماز را بجا می آورد و لازم نیست سعی را اعاده کند، اما اگر قبل از وقوف به عرفات در روز نهم پاک نشود احتیاط آن است که برای انجام بقیه طواف و نماز آن نایب بگیرد، قبل از آن که برای وقوف خارج شود، و پس از پاکی نیز آن را بجا آورد.

مسأله: زنی که حایض شد و هنوز چهار شوط طواف را تکمیل نکرده باشد باید طواف را قطع نموده فوراً از مسجدالحرام خارج شود، پس اگر قبل از وقوف به عرفات در روز نهم پاک شد طواف را از سر گرفته و بقیه اعمال عمره را تکمیل می کند، و گرنه حج او به (حج افراد) تبدیل گشته به عرفات می رود و دیگر اعمال حج افراد را بجا آورده پس از آن عمره مفرده بجا می آورد و کفایت می کند.

۴- سعی

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۶۱

مسأله: چهارم از اعمال عمره تمتّع: سعی بین صفا و مروه می باشد. و واجبات سعی عبارت است از: ۱- نیّت، ۲- شروع از صفا و ختم

به مروه، ۳- عدد یعنی هفت مرتبه مسافت را طی کند، ۴- مقادیم بدن به طرف صفا و مروه باشد، ۵- لباس و کفش و سواری انسان مباح باشد.

مسأله: سعی عبارت است از: رفت و آمد بین دو کوه صفا و مروه هفت بار، به این معنی که از صفا شروع می کند و به مروه می آید و این یک بار محسوب می شود، سپس از مروه به صفا بر می گردد و این بار دوّم است، و از صفا به مروه سوّم، و همچنین تا سرانجام بار هفتم در مروه ختم می شود، و مجموع چهار رفت و سه برگشت هفت مرتبه می شود.

مسأله: سعی بین صفا و مروه از واجبات اساسی است چنانچه عمداً ترک شود تا وقت بگذرد چه در حج و چه در عمره موجب بطلان است، و اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله یا غفلت و یا اضطرار ترک شد حج و عمره باطل نمی شود، بلکه باید فقط سعی را شخصاً قضا نماید و اگر امکان ندارد نایب بگیرد حتی اگر بعد از ذی الحجّه باشد.

مسأله: واجب است در سعی نیّت کند و قصد قربت و اخلاص نموده و تعیین نماید در عمره است یا حج، مثلًا بگوید: سعی بین صفا و مروه بجا می آورم برای عمره تمتّع قربةً الی الله تعالی.

مسأله: طهارت حدثیّه (یعنی وضو، یا غسل کافی از وضو) و طهارت خبثیّه (یعنی پاکی بدن و لباس از نجاست) در سعی شرط نیست بلکه هردو مستحب است، بنا بر این بدون وضو یا در حال جنابت و حیض و همچنین با بدن یا لباس نجس، سعی صحیح است.

مسأله: مستحب است بعد از طواف

و نماز طواف و قبل از ورود در جای سعی، حجرالأسود را استلام کند و همچنین آشامیدن از آب زمزم و ریختن مقداری از همان آب بر بدن و سر مستحب می باشد.

مسأله: هنگام شروع سعی از صفا لازم نیست که پشت پا به سنگهای صفا برسد، و همچنین لازم نیست در مروه انگشتان پا به سنگهای مروه برسد، بلکه طبق متعارف کافی است.

مسأله: جایز است انسان بعد از طواف، سعی را تأخیر بیندازد تا کمی استراحت نماید، امّا نمی توان به فردا تأخیر انداخت، گرچه تأخیر تا شب جایز است.

مسأله: می توان بین طواف واجب و سعی، یک طواف مستحب انجام دهد.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۶۲

مسأله: سوار شدن درحال سعی جایز است، گر چه پیاده روی در صورت امکان بهتر است، و باید مرکب و سواری او غصبی نباشد، و بنا بر احتیاط چیز غصبی همراه خود بر ندارد.

مسأله: لازم است وقتی از صفا به مروه می آید مقادیم بدن (قسمت جلوی بدن) به طرف مروه باشد و وقتی از مروه به صفا بر می گردد مقادیم بدن به طرف صفا باشد، ولی برگرداندن صورت گاه گاهی به این طرف و آن طرف مانعی ندارد، و می تواند در حال ایستادن تمام بدن را به طرف دیگر حرکت دهد.

مسأله: سعی در طبقه فوقانی مانعی ندارد و صحیح است.

مسأله: نباید در حال سعی از مسیر سعی خارج شود، مثلًا وارد مسجدالحرام گردد یا به بازار برود، اما خوردن آب در جاهایی که کنار مسعی درست کرده اند اشکالی ندارد.

مسأله: (هروله) در محل معیّنی بین صفا و مروه که با دو چراغ سبز علامت گذاری شده برای مردان مستحب است و

برای زنان هروله نیست، و نایب به وظیفه خود عمل می کند چه منوب عنه زن باشد و چه مرد.

مسأله: سعی باید هفت شوط کامل باشد، کم و زیاد کردن عمدی آن موجب بطلان حج یا عمره خواهد شد، امّا اگر سهواً یا از روی فراموشی یا ندانستن حکم کم کرد هروقت متوجه شد باقیمانده را تکمیل کند و چنانچه زیاد شد زیادی را الغا نماید وسعیش صحیح خواهد بود.

مسأله: اگر بعد از تمام شدن سعی شک در عدد و یا شرایطش بنماید به شک خود اعتنا نکند.

مسأله: اگر بعد از تمام شدن سعی شک در عدد اشواط کرد بطوری که هیچ یک از اطراف شک عدد صحیح ۷ نبود، مثل شک بین (۶ و ۸) یا بین (۵ و ۶ و ۸) باید سعی را اعاده نماید.

مسأله: هرگاه در اثنای سعی شک کند، چنانچه این شک در صفا بود و یقین به زوجیّت داشت یا در مروه بود و یقین به فردیّت داشت (مثلًا در صفا شک می نماید که شوط چهارم است یا ششم و یا در مروه شک می کند، شوط سوّم است یا پنجم) سعی او صحیح است و بنا را بر اقل بگذارد و باقیمانده را تکمیل نماید. و اگر در صفا یقین به فردیّت و یا در مروه یقین به زوجیّت داشت سعی باطل است، و همچنین اگر در هریک از صفا و مروه شک در زوجیّت و فردیّت داشت سعی باطل است و چنانچه در بین راه استراحت کرده و نمی داند باید به مروه برود یا به صفا سعی باطل است، و در موارد بطلان باید از اوّل شروع نماید.

مسأله: چنانچه شک بین عدد ۷ و زیادتر بنماید بطوری که منافی با شروع از صفا نباشد مانند اینکه در مروه شک بین (۷ و ۹) بنماید سعی صحیح است و بنا بر اقل گذاشته می شود.

مسأله: اگر علم اجمالی پیدا کرد که سعی یا ناقص بوده یا زاید، مثلًا یقین دارد که یا (۶) شوط انجام داده یا (۸) شوط، و یا شک داشت بین اقل و اکثر و کامل (بین ۶ و ۷ و ۸) بنا را بر اقلّ که (۶) است بگذارد و سعی را تکمیل نماید و صحیح خواهد بود.

مسأله: چنانچه پس از فراغت از سعی یقین پیدا کرد سعیش ناقص بوده (چه یک شوط باشد یا بیشتر یا کمتر) همان مقدار ناقص را انجام دهد کافی است و اگر تمکّن نداشت باید نایب بگیرد.

مسأله: واجب است که سعی بعد از نماز طواف باشد و جایز نیست در حال اختیار سعی را بر نماز طواف مقدّم بدارد، امّا در حال اضطرار (مانند ناپاک بودن زن) می تواند سعی را مقدّم بدارد.

مسأله: موالات (پی در پی بودن) در اشواط سعی واجب نیست بلکه می تواند در بین صفا و مروه یا روی هردو کوه بنشیند و استراحت کند و یا مشغول شود به کار دینی (مثل نماز) یا کار عادی (مانند اینکه برود غذا بخورد و برگردد) سپس باقیمانده سعی را کامل نماید، البتّه نه اینکه فاصله خیلی زیاد شود بطوری که از روزی به روز دیگر برود، مگر مدّت زیاد به خاطر فراموشی باشد، مثلًا اگر مقداری از سعی باقی بود و فراموش کرد و به وطن بازگشت می تواند پس

از مراجعت باقیمانده را انجام دهد و اگر تمکّن از برگشتن ندارد برای همان مقدار نایب بگیرد.

مسأله: هرگاه طواف را انجام داد و قدرت بر سعی پیدا نکرد (تا آخر ذی الحجّه در سعی حج، یا تا وقتی که برای رفتن به عرفات وقت باشد در سعی عمره تمتّع، یا قبل از اینکه موالات بین طواف و سعی به هم بخورد در عمره مفرده) حج و عمره اش صحیح است و هر وقت تمکّن پیدا کرد باید سعی را انجام دهد.

مسأله: هرگاه سعی را عمداً تأخیر انداخت اعمال قبل و بعد از سعی صحیح است و هر وقت بتواند باید سعی را انجام دهد.

۵– تقصیر

مسأله: پنجم از اعمال عمره تمتّع: تقصیر است، و با تقصیر، عمره تمتع پایان می پذیرد و از احرام بیرون می آید.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۶۴

مسأله: تقصیر یعنی کم کردن مقداری از ناخن دست یا پا، یا چیدن مقداری از موی سر یا ریش یا سبیل، و کندن مو کفایت نمی کند بلکه باید چیده شود.

مسأله: نیّت در تقصیر لازم است، مثلًا چنین می گوید: تقصیر می کنم برای عمره تمتّع قربةً الی الله تعالی.

مسأله: لازم نیست تقصیر را بلافاصله بعد از سعی انجام دهد و تأخیرش مانعی ندارد و محلّ معیّنی برای تقصیر نیست، بلکه می تواند آن را در مروه، یا در منزل و یا جای دیگر انجام دهد.

مسأله: با انجام تقصیر تمام چیزهائی که بر محرم حرام بوده حلال می شود.

مسأله: هرگاه تقصیر را عمداً ترک کرد تا وقتی که محرم به احرام حج شد عمره اش باطل می شود و حج او تبدیل به حج افراد می گردد، و پس از اعمال حج افراد باید عمره مفرده ای بجا

آورد.

مسأله: هرگاه تقصیر را سهواً ترک کرد تا وقتی که محرم به احرام حج تمتّع شد عمره اش صحیح است و بهتر این است که یک گوسفند به عنوان کفّاره بکشد، امّا اگر از روی ندانستن مسأله تقصیر را ترک کرد عمره اش صحیح است و کفّاره ندارد، و همین حکم جاری است اگر معتقد بوده که تقصیر را انجام داده، ولکن بعد از احرام حج معلوم شد که آن را انجام نداده که در این صورت عمره صحیح است و کفّاره ندارد.

مسأله: طواف نساء در عمره تمتّع واجب نیست.

مسأله: هرگاه عمره تمتّع را انجام داد و قدرت بر انجام حجّ تمتّع نداشت احوط انجام طواف نساء و نمازش می باشد.

و تا اینجا اعمال عمره تمتّع که عبارت بود از: احرام، طواف، نماز طواف، سعی و تقصیر به پایان رسید.

مسأله: پس از تمام شدن اعمال عمره تمتّع احوط این است که از مکّه مکرّمه خارج نشود مگر ضرورت ایجاب نماید و یا نیازی باشد و یا محرم شود به احرام حج تمتّع سپس خارج شود البته خارج شدن به اطراف مکه و منی اشکال ندارد.

مسأله: بعد از پایان عمره تمتّع مستحب است روز هشتم ذی الحجّه برای حجّ تمتّع محرم شود، وگرنه روز نهم واجب است برای حج محرم گشته و به عرفات برود.

تفصیل اعمال حجّ تمتّع

اشاره

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۶۵

مسأله: اعمال واجب حجّ تمتّع سیزده چیز می باشد، و چنین نیّت می کند: حجّ تمتّع بجا می آورم قربةً الی الله تعالی.

۱- احرام

مسأله: اوّلین واجب از اعمال حج تمتّع: احرام است، و این احرام با احرام عمره تمتّع از نظر کیفیّت، شرایط، واجبات و محرمات بیست و پنجگانه یکی است، تنها در دو مورد اختلاف دارد: ۱- در نیّت فرق می کند بطوری که در احرام عمره قصد می کرد: (محرم می شود به احرام عمره تمتّع قربه الی الله تعالی) و در احرام حج قصد می کند (محرم می شوم به احرام حج تمتّع قربه الی الله تعالی). ۲- در میقات فرق می کند، و میقات عمره تمتّع قبلًا بیان شد، و امّا میقات احرام حج تمتّع شهر مکّه مکرّمه است و از هرجای شهر که باشد اشکالی ندارد، و بین مکه قدیم و جدید فرقی نیست، البتّه بهتر است در مسجد الحرام احرام ببندد، بلکه احرام نزد مقام ابراهیم (ع) و یا در حجر اسماعیل (ع) افضل است.

مسأله: بهترین اوقات برای احرام حج: روز ترویه است (هشتم ذی الحجّه) و اگر روز هشتم محرم نشد لازم است روز نهم احرام

بپوشد و به عرفات برود.

مسأله: اگر نتواند از مکّه مکرّمه احرام ببندد از هر جا که ممکن است- حتی از خود عرفات- محرم شود.

مسأله: اگر عالماً و عامداً از غیر مکه معظّمه برای حج محرم شد احرامش باطل است و باید به مکّه برگردد و تجدید احرام نماید، و اگر بر نگشت و تجدید احرام نکرد حجّش باطل است.

مسأله: اگر از روی جهل و یا فراموشی از غیر مکّه مکرّمه محرم شد باید به مکّه برگردد

و احرام را تجدید نماید و اگر امکان برگشت نبود واجب است در هرجا که هست احرام را تجدید نماید و حجّش صحیح خواهد بود.

مسأله: اگر به کلّی احرام را فراموش کند تا اینکه کلیه اعمال حج را انجام داد حجش صحیح است.

۲- وقوف در عرفات

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۶۶

مسأله: دوّم از واجبات حج تمتّع: وقوف (یعنی بودن) در سرزمین عرفات است با قصد قربت، و چنین نیّت می کند: در سرزمین عرفات از اذان ظهر تا غروب آفتاب وقوف می کنم برای حج تمتّع قربةً الی الله.

مسأله: حدود عرفات به وسیله علامتهای موجود تعیین شده است و وقوف خارج از آن کافی نیست.

مسأله: وقت وقوف در عرفات از اوّل اذان ظهر روز نهم ذی الحجّه است تا غروب آفتاب، و این وقوف فی الجمله از ارکان حج است که ترک عمدی تمام آن موجب بطلان حج می شود ولی اگر مقداری از این وقت را عمداً ترک نماید معصیت کرده اما حج باطل نیست، و در غیر عمدش معصیت نیز نیست.

مسأله: اگر کسی از روی فراموشی وقوف به عرفات را به کلّی ترک کرد تا وقت وقوف تمام شد حجّش صحیح است و به وقوف مشعر اکتفا می شود، و اگر تا وقت باقی است یادش آمد باید فوراً به عرفات برود و وقوف را انجام دهد چه آن وقت باقیمانده از وقت وقوف اختیاری عرفه باشد (که از اوّل اذان ظهر است تا غروب آفتاب) یا وقت اضطراری آن (که از اوّل غروب آفتاب روز عرفه است تا اذان صبح عید قربان) و در این صورت به هر اندازه که وقوف کند حتّی ربع ساعت یا کمتر کافی است

و بودن تمام شب لازم نیست.

مسأله: اگر از روی فراموشی قبل از غروب آفتاب از عرفات خارج شد چنانچه تا وقت باقی است متوجه شود باید به عرفات برگردد، و اگر متوجه نشد چیزی بر او نیست و حجش صحیح است.

مسأله: اگر قاضی عامّه به ثبوت هلال حکم نمود و نزد شیعه ثابت نشد در موارد تقیّه دو صورت دارد:

۱- شیعه علم به خلاف ندارد، دراین صورت تبعیّت از قاضی عامّه نماید و وقوف عرفه و مشعر طبق فتوای آنها مانعی ندارد و حج صحیح است.

۲- شیعه علم به خلاف داشته باشد (مثلًا یقین دارد یا بیّنه شرعیّه اقامه شده که عرفه دوشنبه است و قاضی عامّه یکشنبه را عرفه قرار داده) اگر احتیاط حرجی باشد و با مشکل زیاد مواجه گرد بعید نیست بگوئیم وقوف بر طبق فتوای قاضی مجزی است و حج صحیح است ولی سزاوار است احتیاط ترک نشود، و در این صورت انجام دادن اعمال منی در روز عید حقیقی حرجی نیست و باید در مثال مزبور اعمال منی را روز سه شنبه انجام دهد.

۳- وقوف در مشعر الحرام

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۶۷

مسأله: سوّم از واجبات حجّ تمتّع: وقوف (یعنی بودن) در مزدلفه (مشعرالحرام) است قربه الی الله تعالی.

مسأله: واجب است بعد از آن که محرم شب عید از عرفات خارج می شود به مشعرالحرام برود، و احوط این است که شب را در مشعر باشد، و هنگامی که فجر طلوع کرد چنین نیّت می کند: در سرزمین مشعرالحرام وقوف می کنم از اذان صبح تا طلوع آفتاب برای حجّ تمتّع قربةً الی الله تعالی.

مسأله: حدود مشعر (مزدلفه) که به وسیله علامتهای موجود تعیین شده

است معتبر و وقوف خارج از مشعر مجزی نیست، و وقوف در مشعر از واجبات اساسی حج است اگر کسی عمداً آن را ترک نماید حجّش باطل است.

مسأله: وقوف در مشعر دو قسم است:

۱- وقوف اختیاری که از اوّل اذان صبح روز عید قربان است تا اوّل طلوع آفتاب، و مقدار رکن، وقوف در این فاصله است هرچند کم باشد و اگر کسی پس از گذشتن چند دقیقه از اذان صبح عمداً از مشعر خارج شد و تا طلوع آفتاب نماند معصیت کرده امّا حجش صحیح است.

۲- وقوف اضطراری مشعر دو وقت است: یکی از اوّل اذان مغرب شب عید تا اذان صبح، و دیگری از اوّل طلوع آفتاب روز عید قربان تا ظهر همان روز.

مسأله: برای مردان در صورت اختیار وقوف اختیاری واجب است، امّا زنان و کودکان و بیماران و کسانی که از دشمن ترس دارند و اشخاص ضعیف که در شلوغی اذیت می شوند، مانند پیرمردان جایز است به همان وقوف اضطراری اول (مقداری از شب عید، از اذان مغرب به بعد) اکتفا نمایند و حج آنها صحیح است و کفّاره نیز ندارد، و افرادی که لازم است همراه این جمع باشند حکم همین جمع را دارند، یعنی به همان وقوف اضطراری اکتفا می کنند و کفّاره ندارند.

مسأله: کسانی که جاهل به حکم یا موضوع بوده و یا ناسی و مضطرّ باشند به همان وقوف اضطراری اکتفا نموده و کفّاره نیز ندارند.

مسأله: اگر وقوف اختیاری (مابین اذان صبح روز عید تا طلوع آفتاب) و اضطراری اوّل (از اذان مغرب تا اذان صبح شب عید) را درک نکرد لازم است وقوف اضطراری دوّم را (که

مقداری از اوّل آفتاب صبح عید است تا ظهر) انجام دهد.

مسأله: درک وقوفین چند قسم است:

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۶۸

۱- تنها وقوف اختیاری عرفه را درک کند و از وقوف به مشعر معذور باشد (به جهت اضطرار یا سایر عذرها) در این صورت حج صحیح است.

۲- تنها وقوف اضطراری عرفات را درک کرده باشد (مقداری از شب عید) حج او صحیح نیست.

۳- تنها وقوف اختیاری مشعر را درک کرده باشد و عمداً وقوف عرفات را ترک نکرده باشد بلکه به جهت عذری ترک شده، حج صحیح است اما اگر عمداً وقوف به عرفات را ترک کرده باشد حج صحیح نیست.

۴- تنها وقوف اضطراری مشعر را درک نماید، اگر وقوف عرفات را عمداً ترک نکرده باشد حج صحیح است و اگر عمداً وقوف عرفات را ترک کرده باشد حج صحیح نیست.

۵- هر دو وقوف اختیاری عرفات و مشعر را درک کند، حج صحیح است.

۶- اختیاری عرفه و اضطراری مشعر را درک نماید، حج صحیح است.

۷- اضطراری عرفه و اضطراری مشعر را درک نماید، حج صحیح است.

۸- اضطراری عرفه و اختیاری مشعر را درک نماید، حج صحیح است.

۹- هیچ یک از دو وقوف را درک نکند نه اختیاری و نه اضطراری آن را، حج باطل است، از روی علم باشد یا جهل، معذور باشد یا نباشد.

مسأله: چنانچه محرم به احرام حج شد ولی حج از او فوت شد مانند اینکه هیچیک از وقوفین اختیاری و اضطراری را درک نکرد، باید اعمال عمره مفرد را انجام دهد یعنی از نیّت احرام حج به احرام عمره مفرده عدول نماید و اعمال آن را انجام دهد و محلّ

شود و بقیّه مناسک مثل اعمال منی و مکّه از او ساقط است.

مسأله: یکی از مستحبّات وقوف در مشعر، جمع آوری مقداری سنگ ریزه است برای رمی جمرات در منی و جایز است بیشتر از آنچه رمی می نماید بردارد که اگر تعدادی خطا کرد از زیادی استفاده نماید گرچه اگر کم برداشت یا کم آورد می تواند از ریگهای منی یا وادی محسّر استفاده کند.

۴– رمی جمره عقبه

مسأله: چهارم از واجبات حج تمتّع: رمی جمره عقبه است، و سه جمره در منی موجود است که آخرین آنها به طرف مکّه مکرّمه به نام جمره عقبه می باشد.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۶۹

مسأله: واجب است انسان بعد از طلوع آفتاب روز عید از مشعر به منی برود تا اعمال مخصوص منی را انجام دهد که اوّل آنها رمی می باشد.

مسأله: واجبات رمی چند چیز است:

۱- نیّت با قصد قربت به این صورت: رمی می کنم جمره عقبه را به هفت سنگ ریزه برای حجّ تمتّع قربةً الی الله تعالی.

۲- باید هفت سنگ ریزه رمی کند، نه زیادتر و نه کمتر، امّا اگر احتیاطاً چند سنگ ریزه اضافه بزنند اشکالی ندارد.

۳- باید سنگ ریزه ها به جمره برسد (بخورد) و اگر در بین راه به چیز دیگری بخورد اشکال ندارد.

۴- باید سنگ ریزه ها را پرتاب کند و گذاشتن سنگ ریزه بر جمره کافی نیست.

۵- زدن ریگها یکی پس از دیگری باشد، یعنی در هفت نوبت پرتاب شود نه اینکه همه را باهم بزنند.

۶- رمی در روز باشد یعنی از اوّل طلوع آفتاب تا غروب، مگر کسانی که شبانه از وقوف اضطراری مشعر استفاده کرده و وارد منی شده اند مانند زنها که می توانند شب رمی

نمایند.

مسأله: هرگاه شک کند که سنگ ریزه ها به جمره رسیده یا نه، بنا به نرسیدن بگذارد و سنگ دیگری بزند مگر آنکه شک وی وقتی باشد که شب داخل شده و یا مشغول انجام واجب دیگری مانند قربانی شده باشد که در این دو صورت به شک اعتنا نکند، بلکه اقوی عدم اعتناء به شک است اگر شک بعد از اتمام رمی حاصل شد چه شک در عدد باشد یا در یکی از واجبات رمی شک کند.

مسأله: لازم است این ریگها بکر باشند یعنی با آنها قبلا رمی جمره نشده باشد، و باید متوسّط باشد نه خیلی ریز و نه خیلی درشت مثلًا به اندازه یک بند انگشت، و جنس آن باید سنگ باشد پس کلوخ و چوب و خزف و امثالش کفایت نمی کند، و لازم نیست سنگ ریزه ها پاک باشند، امّا باید سنگ ریزه ها از محدوده حرم برداشته شود.

مسأله: لازم نیست که سنگ ریزه ها را بطور متوالی رمی کند، بلکه جایز است دراثنای رمی کمی استراحت نماید، امّا اگر فاصله زیاد شد اعاده کند.

مسأله: رمی جمرات از طبقه فوقانی حتّی در غیر حال اضطرار جایز است.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۷۰

۵- قربانی

مسأله: پنجم از واجبات حج تمتّع: قربانی در منی است در روز عید قربان.

مسأله: واجبات قربانی عبارتند از:

۱- نیّت کند.

۲- از انعام ثلاثه باشد (شتر یا گاو یا گوسفند).

۳- دارای سنّ خاصّی باشد.

۴- تامّ الخلقه باشد.

۵- در روز عید یا ایّام تشریق باشد.

۶- در منی باشد.

۷- ترتیب را رعایت کند.

۸- قربانی را از محدوده حرم خارج نکند.

مسأله: باید خود حاجی با قصد قربت نیّت کند، مثلًا بگوید: قربانی می کنم از برای حج

تمتع قربه الی الله تعالی، و اگر قصّاب قربانی را می کشد، هر دو نیّت کنند، و چنانچه فقط حاجی نیّت کرد کافی است.

مسأله: یک قربانی تنها برای یک نفر کافی می باشد و برای دو نفر یا بیشتر کافی نیست مگر در حج مستحبی.

مسأله: قربانی باید از جنس شتر یا گاو و یا گوسفند باشد.

مسأله: شتر قربانی باید علی الأحوط الأولی پنج سالش تمام شده و داخل سال ششم شده باشد، و گاو و بز دو سالش تمام شده و داخل سال سوم شده باشد، و گوسفند یک سالش تمام شده باشد، گرچه در گوسفند هفت ماهه کفایت می کند.

مسأله: قربانی بایستی از جمیع اعضاء سالم باشد، بنا بر این قربانی کور و شل بیّن و گوش بریده و شاخ داخلی شکسته و اخته کرده و دندان شکسته و امثالش و همچنین حیوان بسیار لاغر کفایت نمی کند.

مسأله: بعضی از گوسفندها که خلقةً دنبه ندارند اشکالی ندارد و اگر به حسب خلقت باید دنبه داشته باشد امّا به جهتی از جهات ندارد کافی نیست. و اگر تخم حیوان را کوبیده باشند یا رگ او مالیده شده باشد

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۷۱

اشکالی ندارد، و همچنین اگر شاخ خارجی او شکسته باشد کافی است، و اگر خود دندان افتاده باشد اشکالی ندارد، و مکروه است که گوشش سوراخ یا شکافته و یا پیچیده شده باشد.

مسأله: شرایطی که برای قربانی ذکر شد در صورتی است که مقدور باشد امّا اگر قربانی کامل پیدا نشود و به قربانی ناقص دسترسی دارد باید همان ناقص را قربانی کند.

مسأله: اگر قربانی ناقص نیز مقدور نبود چنانچه خود حاجی تا آخر ذی الحجّه در مکه

مکرّمه می مانـد و می توانـد قربانی تهیّه کند باید آن را تهیّه نموده و قربانی کند، و اگر نمی ماند و می تواند به شـخص امینی پول بدهد تا برایش قربانی کند این کار را انجام دهد، و اگر این نیز ممکن نشد عوض قربانی باید ده روز روزه بگیرد.

مسـأله: ده روز روزه عوض قربـانی بایـد سه روزش در حـج و هفت روزش در وطن باشـد، و سه روز در حـج بایـد در ماه ذی الحجّه باشد همراه با شرایط زیر:

۱- سه روز متّصل یا در حکم اتّصال باشد.

۲- در ایّام تشریق (دهم و یازدهم و دوازدهم) نباشد مگر اینکه روز دوازدهم و سیزدهم در منی نباشد که در این صورت جایز است و می تواند روزه بگیرد.

مسأله: می تواند روزه را تا آخر ذی الحجّه تأخیر بیندازد مگر اینکه دو روز عرفه و ترویه را روزه گرفته باشد که باید بلافاصـله پس از بـازگشت از منی روز سـوّم را روزه بگیرد و تـأخیر نینـدازد، و واجب است این سه روز را در منی یـا مکّه روزه شود، و چنانچه عـذری داشت در بین راه و اگر از آن نیز معـذور بود در وطن انجام دهـد، و چنانچه بـدون عـذر در منی و مکّه و سـفر روزه نگرفت معصیت کرده ولی روزه اش در وطن صحیح خواهد بود.

مسأله: اگر از قربانی و بدلش (روزه) معذور بود چیزی بر او نخواهد بود.

مسأله: اگر سه روز روزه گرفت سپس قربانی پیدا شد کشتن آن بر او واجب نیست، گرچه بهتر است.

مسأله: هرگاه قربانی را به خیال اینکه لاغر نیست خرید و بعد از ذبح معلوم شد لاغر بوده، یا به اعتقاد اینکه لاغر است خرید

بعـد از ذبـح معلوم شـد لاغر نبوده، یا موقع خرید لاغر نبود ولی موقع ذبح لاغر شد در هر سه صورت کافی است، امّا اگر پیش از ذبح معلوم شود لاغر بوده کافی نیست علی الأحوط.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۷۲

مسـأله: چنانچه به اعتقاد کامل بودن خریـد و معلوم شـد ناقص است اگر پولش را پرداخته کافی است و اگر پولش را نپرداخته لازم است- علی الاحوط- تبـدیل نمایـد و اگر با اعتقاد به ناقص بودن خرید و بعد معلوم شد کامل است کافی است حتی اگر بعد از ذبح معلوم شود در صورتی که قصد قربت شده باشد.

مسأله: احتیاط مسـتحب آن است که گوشت قربانی را به سه قسمت تقسیم کند: از یک سوّم آن خود و عیالش بخورند و یک ثلث به فقیر بدهـد و یک سوّم آن را به دیگران هـدیه بدهد، بلی جایز نیست همه آن را خود و عائله اش بخورند اگر آنها فقیر نباشند یا واجب النفقه وی باشند، و جایز نیست همه قربانی را به غیر فقیر بدهد اگر فقیری باشد و بتواند به او برساند.

مسأله: لازم نیست خود انسان شخصاً کشتن قربانی را انجام دهد، بلکه می تواند نایب بگیرد در این صورت باید صاحب قربانی نیّت نماید و نایب لازم نیست نیّت کند گرچه احوط است.

مسأله: واجب است قربانی را در روز عیـد یا در طول ایّام تشـریق (دهم، یازدهم و دوازدهم ذی الحجّه) بکشد و تأخیر آن جایز نیست، امّا اگر با عذر یا بدون عذر تأخیر انداخت تا آخر ذی الحجّه می تواند قربانی کند و او را کفایت می نماید.

مسأله: واجب است قربانی را در منی بکشد و در غیر

منی کافی نیست، امّا کشتارگاههایی که جدیداً احداث شده و گفته می شود بیرون از حدود منی است، به جهت اضطرار و عسر و حرج و مانند آن، قربانی در آنها کفایت می کند.

مسأله: واجب نیست قربانی بعد از رمی و قبل از حلق یا تقصیر باشد، و اگر از روی عمد یا فراموشی یا نادانی بر خلاف ترتیب یاد شده عمل کند اشکالی ندارد.

مسأله: نباید چیزی از قربانی را از محدوده حرم خارج کند مگر اینکه در منی و محدوده حرم مورد مصرف نباشد.

۶- حلق یا تقصیر

مسأله: ششم از واجبات حج تمتّع: حلق یا تقصیر است.

مسأله: بر مردان واجب است پس از قربانی، حلق (تراشیدن تمام سر) یا تقصیر نمایند (کم کردن مقداری از ناخن یا موی سر یا صورت) و بین حلق یا تقصیر مخیّر می باشند، گرچه افضل حلق است مخصوصاً برای

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۷۳

صروره یعنی: کسی که برای اولین بار به مکه مکرّمه مشرّف شده است، خواه برای خود حج کند یا نایب باشد، بلکه حلق احوط است، و پسر بچه ها در حکم مردها می باشند، امّا تراشیدن سر بر زنان و دختران حرام است- علی الأحوط- و باید آنها تقصیر نمایند.

مسأله: واجبات حلق یا تقصیر سه چیز است:

۱- نیّت کند.

۲- در منی باشد.

۳- ترتیب رعایت شود، علی الاحوط.

مسأله: واجب است هریک از حلق یا تقصیر با نیّت قربةً الی الله انجام شود و این را باید شخص حاجی نیت کند نه کسی که سر را می تراشد، مثلًا می گوید: حلق یا تقصیر می کنم برای حجّ تمتّع قربةً الی الله تعالی.

مسأله: باید حلق یا تقصیر در روز انجام شود و جایز است تأخیر آن تا آخرین

روز از ایّام تشریق، امّا مضطرّ می تواند در شب انجام دهد.

مسأله: هرگاه حلق یا تقصیر را انجام نداده و از منی بیرون رود (چه عمداً بیرون رود یا از روی فراموشی و یا نادانی و یا اضطرار) واجب است به منی بر گردد و حلق یا تقصیر را انجام دهد حتّی اگر بعد از ماه ذی الحجّه باشد، و چنانچه امکان برگشت به منی را نداشت هرجا که هست حلق یا تقصیر نماید، و واجب نیست موی سر را به منی بفرستد گرچه مستحب است.

مسأله: چنانچه در غیر منی حلق یا تقصیر را انجام داد بعداً متوجّه شد که می بایست در منی انجام دهد باید برگردد و در منی انجام دهد و چنانچه امکان برگشت نداشت هرجا که هست حلق یا تقصیر را اعاده نماید و حلق یا تقصیر در مسأله قبلی و این مسأله باید فوراً انجام شود.

مسأله: ترتیب بین اعمال منی واجب نیست، گرچه احوط است یعنی: اوّل رمی جمره عقبه و بعد قربانی و بعدش حلق یا تقصیر.

مسأله: رمی جمره عقبه باید در روز عید (دهم ذی الحجّه) باشد، ولی قربانی و حلق یا تقصیر را می تواند تا آخر ایّام تشریق تأخیر بیندازد.

مسأله: لازم نیست حلق را با تیغ انجام دهد، بلکه با ماشینهای اصلاح (شماره صفر) نیز کفایت می کند.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۷۴

مسأله: اقوی این است که پس از حلق یا تقصیر تمام محرّمات احرام حلال می شود غیر از استعمال بوی خوش و استفاده از زن که بعد از طواف نساء حلال خواهد شد، بلی مکروه است برای مردان پوشیدن لباس دوخته و پوشاندن سر تا بعد از سعی.

مسأله: در مواردی

که به جای قربانی بخواهد روزه بگیرد، با حلق یا تقصیر حلّیت از محرّمات حاصل می شود حتّی اگر هنوز سه روز روزه را نگرفته باشد. و همچنین اگر وظیفه اش این بود که پول قربانی را در نزد شخص امینی بگذارد و گذاشت گرچه هنوز آن شخص قربانی را تهیّه نکرده و ذبح ننموده است با حلق یا تقصیر محرّمات احرام حلال خواهد شد.

۷– طواف زیارت

مسأله: هفتم از واجبات حج تمتّع: طواف حج تمتّع است که طواف زیارت نام دارد، و این طواف مانند طواف عمره تمتّع است در کلیه واجبات و شرایط آن، مگر در نیّت، که چنین قصد می کند: طواف زیارت بجا می آورم برای حجّ تمتّع قربةً الی الله تعالی.

۸– دو رکعت نماز طواف

مسأله: هشتم از واجبات حج تمتّع: دو رکعت نماز طواف حج تمتّع است نزد مقام ابراهیم (ع) یا پشت آن، و این نماز با نماز طواف عمره تمتّع فرقی ندارد مگر در نیّت، که چنین نیّت می کند: دو رکعت نماز طواف حج تمتّع بجا می آورم قربه الی الله تعالی.

۹– سعی بین صفا و مروه

مسأله: نهم از واجبات حج تمتّع: سعی بین صفا و مروه است. و کیفیّت و شرایط آن مانند کیفیّت سعی در عمره تمتع است، و تنها در نیت تفاوت دارد، و چنین قصد می کند: سعی بین صفا و مروه انجام می دهم برای حج تمتّع قربةً الی الله تعالی.

مسأله: بعد از این سعی تقصیر نیست، بر خلاف سعی در عمره.

رساله مناسك حج (طبع جدید)، ص: ۷۵

مسأله: بهتر این است که همان روز عید پس از انجام رمی جمره عقبه و قربانی و حلق یا تقصیر حاجی به مکّه معظّمه برود و اعمال مکه (طواف، نماز طواف و سعی) را انجام دهد گرچه تا روز سوّم تأخیرش جایز است بدون کراهت، و تأخیرش تا آخر ذی الحجّه جایز است با کراهت.

مسأله: تقدیم طواف حج و نماز طواف و سعی و همچنین طواف نساء و نمازش بر وقوفین در حال اختیار جایز نیست ولی برای افراد معذور اشکالی ندارد، مانند زنی که از حیض و نفاس ترس داشته باشد، و همچنین بیمار و پیر مرد و پیر زنی که براثر ازدحام انجام این اعمال بعد از منی بر آنها مشقت داشته باشد، و همینطور شخص مضطر می تواند آنها را تقدیم کند و پس از انجام اعمال منی و بیتوته آن مناسکش تمام و حجّش صحیح است انشاء الله.

مسأله: با انجام

طواف حج و نماز طواف و سعی، استعمال بوی خوش نیز حلال می شود.

۱۰– طواف نساء.

۱۱– نماز طواف نساء.

مسأله: دهم و یازدهم از واجبات حجّ تمتّع: طواف نساء و نماز طواف نساء است.

مسأله: کیفیّت و شرایط این دو مانند کیفیّت و شرایط طواف عمره تمتّع و نمازش می باشد فقط در نیّت فرق است، که در اینجا چنین قصد می نماید: طواف نساء بجا می آورم برای حج تمتّع قربةً الی الله تعالی، و نماز طواف نساء بجا می آورم برای حج تمتّع قربةً الی الله تعالی.

مسأله: با انجام طواف نساء و نماز آن زن نیز حلال می شود و این طواف با نمازش بر زن و مرد، کوچک و بزرگ، واجب است.

۱۲– بیتوته در منی

مسأله: دوازدهم از واجبات حج تمتّع: بیتوته در منی است، یعنی: شب در منی بماند، و فرقی نمی کند که در این مدّت خواب باشد یا بیدار.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۷۶

مسأله: ماندن شب یازدهم و دوازدهم ذی الحجّه (و در بعضی موارد نیز شب سیزدهم) در منی واجب است و لازم است به قصد قربه الی الله بماند، و چنین نیّت می کند: امشب در منی بیتوته می کنم برای حج تمتّع قربةً الی الله تعالی.

مسأله: در سه مورد ماندن شب سیزدهم نیز واجب می شود:

۱- اگر در حال احرام شکار کرده باشد.

۲- چنانچه در حال احرام با زن نزدیکی کرده باشد.

۳- اگر تا غروب آفتاب روز دوازدهم از منی خارج نشده باشد.

مسأله: برای بیتوته در منی نیمی از شب کفایت می کند، چه نیمه اوّل شب باشد (از اوّل اذان مغرب تا نصف شب) یا نیمه آخر شب (از نصف شب تا اذان صبح) و مقصود از نصف شب: نیمه از اوّل اذان مغرب تا اذان صبح است، گرچه احوط مراعات نیمه تا طلوع آفتاب است برای کسی

که نیمه اوّل شب را در منی بیتوته می کنـد، و هرگاه عمداً بیتوته در منی را ترک نماید کفّاره اش برای هر شب یک گوسـفند است.

مسأله: اگر در منی نماند در چهار مورد معصیت نکرده و کفّاره نیز ندارد:

۱- کسی که از مکّه معظّمه به قصد منی بیرون آمده و در بین راه به خواب رود.

۲- کسی که شب را در مکّه بماند و حال آنکه نصف شب را به عبادت مشغول بوده است.

۳-اگر در منی جا نباشد یا عذری مانع آن شود مانند بیماری، یا ترس بر جان یا عرض یا مال خود داشته باشد.

۴- کسی که جاهل به حکم یا موضوع بوده، یا فراموش کرده، یا غافل بوده و یا عذر دیگری داشته باشد.

مسأله: چنانچه تا غروب آفتاب روز دوازدهم در منی ماند واجب است نیمی از شب سیزدهم را در منی بماند، و هرسه جمره را در روز سیزدهم رمی کند، و چنانچه عمداً نماند معصیت کرده و کفّاره اش یک گوسفند است.

مسأله: برای شـخص صـروره- یعنی کسـی که اوّلین بار به حج مشرّف می شود- مستحب است که شب سیزدهم را نیز در منی بماند و روز سـیزدهم رمی کند، و همچنین کسـی که مرتکب بعضی از محرّمات احرام شده باشد، بلکه برای عموم حجّاج بهتر است.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۷۷

مسأله: حاجی میتواند به جای بیتوته در منی، نیمی از شب را در شهر مکه مکرمه به عبادت مشغول شود مثلًا نماز یا قرآن یا دعا بخواند.

۱۳- رمی جمرات

مسأله: سـیزدهم از واجبـات حـج تمتّع: رمی (زدن سـنگ ریزه) به جمرات سه گـانه است (صـغری و وسـطی و عقبه) در روز یازدهم و

دوازدهم (و چنانچه ماندن شب سیزدهم در منی واجب بود روز سیزدهم نیز باید جمرات سه گانه را رمی نماید) به قصد قربه الی الله تعالی، و چنین نیّت می کند: رمی می کنم این جمره را با هفت سنگ ریزه برای حج تمتع قربه الی الله تعالی.

مسأله: وقت رمی جمرات از اوّل طلوع آفتاب است تا غروب آفتاب و رعایت ترتیب لازم است، یعنی: اوّل هفت سنگ ریزه به جمره صغری. سپس هفت سنگ ریزه به جمره وسطی. سپس هفت سنگ ریزه به جمره عقبه می زند. که مجموعاً بیست و یک سنگ ریزه در هر روز می شود.

مسأله: افرادی که از رمی در روز معذورند مانند زنان و کودکان و بیماران و کسانی که از شلوغی یا از دشمن ترس دارند می توانند شب رمی نمایند.

مسأله: شخص مختار واجب است شخصاً رمی را انجام دهد و تا زمانی که مضطّر نباشد نمی تواند نایب بگیرد و واجباتی را که در رمی جمره عقبه در روز عید ذکر شد اینجا نیز باید رعایت کند.

مسأله: موالات و پی در پی بودن در رمی هفت سنگریزه شرط نیست، بلی در فاصله زیاد باید اعاده کند، اما استراحت مختصر در بین آنها مانعی ندارد، و بین جمره صغری و وسطی و عقبه فاصله زیاد اشکال ندارد و می تواند اوّلی را اوّل صبح و دوّمی را ظهر و سوّمی را نزدیک غروب انجام دهد.

مسأله: اگر رمی سه جمره را عمداً ترک نمود معصیت کرده ولی حج او باطل نیست و کفّاره ندارد و موجب باقی ماندن هیچ یک از محرّمات احرام نمی شود، و اگر جهلًا یا از روی فراموشی و اضطرار یا عذر دیگری

بود معصیت نکرده وکفّاره ندارد ولی در تمام اقسام باید آن را قضا کند.

مسأله: اگر رمی جمرات را فراموش کند و به مکه مکرّمه برود باید به منی برگردد و آن را قضا نماید، و چنانچه به یاد نیاورد تا اینکه به شهر خود بازگشت باید سال بعد خودش یا نایبش آن را قضا کند.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۷۸

احکام عمره مفرده

مسأله: عمره مفرده مانند حج گاهی بالاصاله واجب است، وگاهی بالعرض واجب می شود، و گاهی مستحب می باشد.

مسأله: عمره مانند حج بر هر مستطیعی که دارای شرایط است واجب می شود، و وجوبش مانند وجوب حج فوری است، پس کسی که مستطیع برای عمره شد هرچند برای حج مستطیع نباشد بنا بر احوط واجب است همان وقت عمره مفرده را بجا آورد.

مسأله: کسی که استطاعت حج ندارد ولی از طرف شخص دیگری برای حج تمتّع اجیر شده وقتی اعمال حج نیابی تمام شد چنانچه در مکّه استطاعت عمره مفرده را داشت گرچه برای حج استطاعت ندارد، علی الأحوط واجب است پس از پایان اعمال حج نیابی، فوراً برای خود عمره مفرده انجام دهد.

مسأله: اگر کسی برای انجام حج (افراد) یا (قران) استطاعت داشت اما عمره مفرده آنها مستطیع نبود واجب است حج (افراد) یا (قران) را انجام دهد و هر وقت برای عمره استطاعت پیدا کرد عمره را انجام دهد.

مسأله: کسی که برای حج تمتّع اجیر شده و خودش برای حج مستطیع نبوده اگر پس از پایان اعمال حج نیابی، عمره مفرده را- که علی الأحوط واجب بوده- انجام نداد واجب است قضای آن را بجا آورد و اگر عمره را مفرده انجام داد و برای سالهای بعد

استطاعت حج پیدا کرد عمره تمتّع و حجّ تمتّع بر او واجب می شود.

مسأله: مستحب است که عمره مفرده را مکرّراً انجام دهد و اولی این است که با فاصله یک ماه بجا آورده شود و ظاهراً فاصله بین دو عمره به ده روز کفایت می کند، در صورتی که هر دو عمره برای یک نفر باشد، البتّه با فاصله کمتر هم علی الأقرب مانعی ندارد.

مسأله: اگر عمره مفرده برای دو نفر یا بیشتر باشد، مثلًا برای چند نفر نایب شده، رعایت فاصله لازم نیست.

مسأله: همانطوری که عمره به استطاعت واجب می شود به نذر، عهد، قسم، شرط ضمن عقد، اجاره، صلح و امثال اینها نیز واجب می گردد، لکن باید عمره مفرده باشد نه عمره تمتّع، چون عمره تمتّع همراه با حج تمتّع انجام می شود و به تنهایی صحیح نیست.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۷۹

اعمال عمره مفرده

مسأله: اعمال عمره مفرده عبارت است از:

۱- نیت.

۲- احرام.

۳- طواف.

۴- نماز طواف.

۵- سعی.

۶- تقصیر یا حلق.

۷- طواف نساء.

۸- نماز طواف نساء.

مسأله: عمره مفرده با عمره تمتّع چند فرق دارد:

۱- در نیّت، که در عمره مفرده چنین نیّت می نماید: عمره مفرده بجا می آورم قربةً الی الله تعالی، و در اعمال آن نیّت میکند: احرام می بندم برای عمره مفرده قربةً الی الله تعالی، طواف بجا می آورم برای عمره مفرده قربةً الی الله تعالی، نماز طواف بجا

می آورم برای عمره مفرده قربه الی الله تعالی، سعی بین صفا و مروه انجام می دهم برای عمره مفرده قربةً الی الله تعالی، تقصیر می کنم برای عمره مفرده قربةً الی الله تعالی، طواف نساء بجا می آورم برای عمره مفرده قربةً الی الله تعالی، دو رکعت نماز طواف نساء می خوانم برای

عمره مفرده قربةً الی الله تعالی.

۲- در عمره مفرده طواف نساء و نماز طواف نساء لازم است، ولی در عمره تمتّع لازم نیست.

۳- عمره تمتّع بجز در ماههای حج (شوّال و ذی القعده و ذی الحجه) واقع نمی شود و صحیح نیست، ولی عمره مفرده را می توان در تمام ماههای سال انجام داد، امّا افضل ماه رجب و بعد از آن ماه رمضان است.

۴- بیرون آمدن از احرام در عمره تمتّع منحصر به تقصیر است، و بیرون آمدن از احرام عمره مفرده به تقصیر و هم به سر تراشیدن می شود.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۸۰

۵- عمره و حجّ تمتّع باید در یک سال باشد، ولی عمره مفرده و حج (افراد) چنین نیست، و کسی که حج (افراد) بر او واجب باشد اگر حج را در یک سال و عمره را در سال بعد بجا آورد صحیح است.

۶- میقات عمره تمتّع یکی از میقاتهایی است که قبلًا گذشت، امّا عمره مفرده هم از آنها و هم خارج از محدوده حرم (تنعیم یا جعرانه و حدیبیّه و غیرش) می تواند باشد.

مسأله: عمره بر کسی که بخواهد وارد مکّه معظّمه شود واجب است، یعنی دخول در محدوده حرم بدون احرام حرام است به استثنای کسانی که قبل از گذشت یک ماه با احرام وارد مکّه شده بودند و همچنین کسانی که مقتضای شغل آنها رفت و آمد و زیاد باشد، مانند راننده وسائط نقلیه.

احکام مصدود

مسأله: مصدود شخصی است که پس از بستن احرام برای عمره یا حج، از انجام اعمال آن منع شود.

مسأله: کسی که از عمره یا حج مصدود شود از همانجا قربانی نموده و از احرام بیرون می آید و

احتیاج ندارد تا روز عید صبر کند. و هرگاه از وقوف به عرفات و مشعر هردو منع شد از محلّ منع قربانی کرده و از احرام بیرون می آید، اما اگر از یکی از دو موقف منع شد دیگری را انجام می دهد با بقیّه اعمالش و حجّش صحیح است.

مسأله: اگر از اعمال سه گانه در منی یا از بعض آن منع شد در صورت امکان نایب می گیرد و اگر قدرت بر نایب گرفتن نداشت حکم مصدود بر او جاری است. و اگر از اعمال مکّه بعد از منی ممنوع شد چنانچه منع تا آخر ذی الحجّه ادامه پیدا کند، احکام مصدود جاری است، و اگر تا آخر ذی الحجّه شخصاً از انجام اعمال تمکّن پیدا کرد باید شخصاً انجام دهد و حجّش صحیح است. و هرگاه منع شود از برگشت به منی در صورتی که اعمال مکّه را انجام داده باید برای اعمال منی نایب بگیرد، و اگر در همان سال ممکن نبود برای سال آینده نایب می گیرد و حجّش صحیح است.

مسأله: در صورتی که شخص مصدود از سالهای قبل مستطیع بوده و یا اینکه استطاعتش برای آینده باقی بماند حج در آینده بر او واجب است، و الّا وجوب حج ساقط می شود.

احکام محصور

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۸۱

مسأله: محصور کسی است که پس از احرام به جهت بیماری نتواند اعمال مربوطه را انجام دهد در این صورت بیرون آمدن از احرام متوقّف است بر کشتن قربانی، و باید یا در محل حصر قربانی کند یا اینکه قربانی را به مکّه بفرستد اگر محصور از عمره بوده، و به منی اگر محصور از حج باشد، و پس از

انجام قربانی از احرام بیرون می آید.

مسأله: چنانچه در عمره مفرده محصور شد می تواند در محلّ حصر قربانی نماید و از احرام بیرون بیاید و می تواند به وسیله همسفریها قربانی را به مکه معظّمه بفرستد و روز و ساعت قربانی را تعیین نماید، و پس از آن ساعت از احرام بیرون بیاید و تمام محرمات احرام بر او حلال می شود جز استفاده از زن و زمانی زن بر او حلال خواهد شد که عمره را دوباره انجام دهد.

مسأله: اگر در عمره تمتّع محصور شد همان حکم قبلی را دارد و زن بر او وقتی حلال می شود که در آینده عمره تمتّع و حج را انجام دهد، البتّه این حکم در عمره واجب است ولی در مستحب تا قربانی انجام شد و از احرام بیرون آمد استفاده از زن نیز حلال می شود.

مسأله: اگر بعد از احرام حج از وقوف به عرفات و مشعر هر دو محصور شد حج از او فوت شده و باید عمره مفرده بجا آورد و از احرام بیرون آید، و اگر از یکی از دو وقوف محصور شد و دیگری را درک نمود حکم محصور را ندارد و حجّش صحیح است. و چنانچه هردو وقوف یا یکی از آنها را درک کرد ولی تا بعد از اعمال منی بیمار شد اگر امکان برگشت به منی دارد باید برگردد و اعمال آنجا را قضا نماید و اگر شخصاً امکان ندارد باید برای قربانی و رمی نایب بگیرد، و با حلق یا تقصیر از احرام بیرون بیاید. و اگر بعد از منی از اعمال مکّه محصور شد چنانچه تا آخر ذی الحجّه امکان انجام اعمال را

دارد باید شخصاً انجام دهد و اگر چنین امکانی نیست نایب بگیرد و کفایت می کند.

مسأله: هر گاه از جمیع مناسک منی و مکّه محصور شود باید قربانی کند و از احرام بیرون بیاید و چنانچه تا سال دیگر در استطاعت باقی بماند یا اینکه از قبل بر عهده او حج مستقر بوده باشد باید حج را در سال بعد بجا آورد.

نماز در شهر مدینه و مکه

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۸۲

مسأله: مسافر میتواند نماز خود را در شهر مدینه و شهر مکه تمام بخواند و فرقی بین شهر قدیم و جدید نیست.

و الله العالم.

سبحان ربّک ربّ العزّه عمّا یصفون، و سلام علی المرسلین والحمد لله ربّ العالمین، و صلّی الله علی محمّد و آله الطیّبین الطاهرین.

قم المقدسه

محمد الشیرازی

آداب حج

اعمال و دعاهای مستحب

آداب سفر

۱- کسی که قصد حج دارد، مستحبّ است از خداوند طلب خیر کند، بر خدا توکّل نماید، صدقه بدهد و این دعا را بخواند:

(اللهمّ إنی اشتریت بهذه الصّدقه سلامتی و سلامه سفری، اللهمّ احفظنی واحفظ ما معی و سلّمنی و سلّم ما معی و بلّغنی و بلّغ ما معی ببلاغک الحسن الجمیل).

و همچنین مستحب است وصیت نماید مخصوصا اگر حقوق واجبی بر ذمّه او باشد.

۲- مستحب است هنگام سفر با اهل و عیال خودش وداع کند و آنها را به خدا بسپارد و دو رکعت یا چهار رکعت نماز بجا آورد و سپس این دعا را بخواند:

اللهمّ إنّی أستودعک نفسی و أهلی و مالی و ذرّیّتی و دنیای و آخرتی و أمانتی و خاتمه عملی).

۳- مستحبّ است هنگام سفر به دوستان و آشنایان خبر دهد. پیامبر (ص) فرمودند: حق است بر مسلمان هنگام سفر برادرانش

را آگاه سازد، و بر آنها حق است که هنگام بازگشت به دیدارش روند.

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۸۳

۴- مستحبّ است هنگام سفر سوره ها و آیات و دعاهائی که در این زمینه وارد شده بخواند، مانند: (بسم الله الرحمن الرحیم) و آیهالکرسی و سوره های حمد و قدر و فلق و ناس (معوذتین) و همچنین تسبیحات حضرت زهراء سلام الله علیها.

۵- مستحب است

با گروهی مسافرت کند، نه به تنهائی، و در سفر، کریم و خوش اخلاق باشد.

آداب احرام

۶- مستحبّ است برای احرام، خود را پاکیزه کند، ناخن و شارب را بگیرد، موهای بدن را زائل کند و غسل احرام نماید و اگر بدون غسل، احرام بست مستحب است غسل کند و دوباره احرام ببندد.

۷- مستحب بعد از غسل احرام این دعا را بخواند:

(بسم الله و بالله، اللهمّ اجعله لی نوراً و طهوراً و حرزاً و أمناً من کلّ خوف و شفاءً من کلّ داء و سُقم، اللهمّ طهّرنی و طهّر قلبی واشرح صدری، و أجر علی لسانی محبّتک و مدحتک والثّناء علیک، فإنّه لا قوّه لی إلّا بک، و قد علمت أنّ قوام دینی التّسلیم لک والإتباع لسنّه نبیّک صلواتک علیه و آله).

۸- مستحب است که بعد از نماز احرام ببندد و بهتر است پس از نماز ظهر باشد، و بعد از نماز حمد و ثنای الهی و صلوات بر محمّد و آل محمد (ص) بفرستد، و این دعا را بخواند:

(اللهمّ إنّی اسألک أن تجعلنی ممَّن استجاب لک، و آمن بوعدک، واتّبع أمرَکَ فإنّی عبدک وفی قبضتک لا اوقی إلا ما وقیت ولا آخذ الا ما أعطیت، و قد ذکرت الحجّ فأسألک أن تعزم لی علیه علی کتابک و سنّه نبیّکَ صلواتک علیه و آله، و تقوّینی علی ما ضعفت و تسلم منّی مناسکی فی یسر منک و عافیه، واجعلنی من وفدک الّذی رضیت وارتضیت و سمّیت و کنیت، اللهمّ إنّی خرجت من شقّه بعیده و أنفقت مالی ابتغاء مرضاتک، اللهمّ فتمّم لی حجّتی و عمرتی، اللهمّ إنّی ارید التّمتّع بالعمره إلی الحجّ علی کتابک و سنّه

نبیّک صلواتک علیه و آله فإن عرض لی عارضٌ یحبسنی فحلنی حیث حبستنی بقدرک الّذی قدّرت علیّ، اللهمّ إن لم تکن حجّه فعمره، أحرم لک شعری و بشری و لحمی و دمی و عظامی و مخّی و عصبی من النّساء والثّیاب والطّیب، أبتغی بذلک وجهک والدّار الآخره).

سپس نیّت احرام کند، و مستحب است نیّت را به زبان بیاورد. سپس بگوید:

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۸۴

(لَبَّیْک اللهمّ لَبَّیْک، لَبَّیْک لا شریک لک لَبَّیْک، إنّ الحمد والنّعمه لک والملک، لا شریک لک، لَبَّیْک ذا المعارج لَبَّیْک، لَبَّیْک داعیاً إلی دار السلام لَبَّیْک، لَبَّیْک غفّار الذّنوب لَبَّیْک، لَبَّیْک أهل التّلبیه لَبَّیْک، لَبَّیْک ذا الجلال والإکرام لَبَّیْک، لَبَّیْک تبدی ء والمعاد إلیک لَبَّیْک، لَبَّیْک تستغنی و یفتقر إلیک لَبَّیْک، لَبَّیْک مرغوباً و مرهوباً إلیک لَبَّیْک، لَبَّیْک إله الحقّ لَبَّیْک، لَبَّیْک ذاالنّعماء والفضل الحسن الجمیل لَبَّیْک، لَبَّیْک کشّاف الکرب العظام لَبَّیْک، لَبَّیْک عبدک وابنُ عبدیک لَبَّیْک، لَبَّیْک یا کریم لَبَّیْک).

و بگوید:

(لَبَّیْک أتقرّب إلیک بمحمّد و آل محمّد لَبَّیْک، لَبَّیْک بحجّه أو عمره لَبَّیْک، لَبَّیْک و هذه عمره متعه إلی الحجّ لَبَّیْک، لَبَّیْک أهل التلبیه لَبَّیْک، تلبیه تمامها و بلاغها علیک).

۹- مستحب است که در جامه پنبه و سفید احرام ببندد.

آداب ورود به حرم

۱۰- مستحب است برای وارد شدن در محدوده حرم غسل کند، و در وقت دخول حرم این دعا را بخواند:

(اللهمّ إنّک قلت فی کتابک و قولک الحقّ: و أذِّن فی النّاس بالحجّ یأتوک رجالًا و علی کلّ ضامر یأتین من کل فجٍّ عمیق. اللهم إنّی أرجو أنْ أکون مِمَّن أجاب دعوتک، قد جئت من شقّه بعیده و فجّ عمیق، سامعاً لندائک، و مستجیباً لک، مطیعاً لأمرک، و کلّ ذلک بفضلک علیّ

و إحسانک إلیّ فلک الحمد علی ما وفّقتنی له، أبتغی بذلک الزّلفه عندک، والقربه إلیک، والمنزله لدیک، والمغفره لذنوبی، والتّوبه علیّ منها بمنّک، اللهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد، و حرّم بدنی علی النّار، و آمنّی من عذابک و عقابک، برحمتک یا أرحم الرّاحمین).

آدب ورود به شهر مکّه و مسجد الحرام

۱۱- مستحب است برای ورود به مکّه معظّمه و مسجدالحرام غسل کند و چون داخل شهر مکه شود با آرامش تن و دل باشد و با کمال خضوع و خشوع وارد مسجدالحرام گردد.

۱۲- مستحب است از در (بنی شیبه) که گفته می شود فعلًا (باب السلام) است داخل شود، و بر در مسجدالحرام ایستاده و بگوید:

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۸۵

(السلام علیک ایّها النّبیّ و رحمه الله و برکاته، بسم الله و بالله و ما شاء الله، السلام علی أنبیاء الله، السلام علی رسول الله، السلام علی إبراهیم خلیل الله، والحمد لله ربّ العالمین).

و در روایت دیگر وارد شده است که بگوید:

(بسم الله و بالله و من الله و إلی الله، و ماشاء الله، و علی ملّه رسول الله صلّی الله علیه و آله، و خیر الأسماء لله والحمد لله، و السلام علی رسول الله، السلام علی محمّد بن عبد الله، السلام علیک ایّهاالنّبیّ و رحمه الله و برکاته، السلام علی أنبیاء الله و رسله، السلام علی ابراهیم خلیل الرحمن، السلام علی المرسلین والحمد لله ربّ العالمین، السلام علینا و علی عباد الله الصّالحین، اللهمّ صلّ علی محمد و آل محمّد، و بارک علی محمّد و آل محمّد، وارحم محمداً و آل محمّد، کما صلّیت و بارکت و ترحّمت علی إبراهیم و آل إبراهیم إنّکَ حمید مجید، اللهمّ صلّ علی عبدک

و رسولک، اللهمّ صلّ علی إبراهیم خلیلک، و علی أنبیائک و رسلک، و سلّم علیهم، و سلام علی المرسلین، والحمد لله ربّ العالمین، اللهم افتح لی أبواب رحمتک واستعملنی فی طاعتک و مرضاتک واحفظنی بحفظ الایمان أبداً ما أبقیتنی، جلّ ثناء وجهک، الحمد لله الّذی جعلنی من وفده و زوّاره، و جعلنی ممّن یناجیه، اللهمّ إنّی عبدک و زائرک فی بیتک، و علی کلّ مأتی حقّ لمن أتاه و زاره، و أنت خیر مأتی و أکرم مزور، فأسألک یا الله یا رحمن بأنّک أنتَ الله لا إله إلا أنت وحدک لا شریک لک و بأنک واحد أحد صمد لم یلد و لم یولد ولم یکن لک کفوا احد، و أن محمّدا عبدک و رسولک صلّی الله علیه و علی أهل بیته، یا جواد یا ماجد، یا جبّار یا کریم، أسألک أن تجعل تحفتک ایای بزیارتی إیاک أوّل شی ء تعطینی فکاک رقبتی من النّار).

و سه مرتبه بگوید:

(اللهمّ فک رقبتی من النّار)

و بگوید:

و أوسع علیّ من رزقک الحلال الطّیّب، وادرأ عنّی شرّ شیاطین الجنّ والإنس و شرّ فسقه العرب والعجم).

و داخل مسجدالحرام شود و بگوید:

(بسم الله و بالله و علی ملّه رسول الله).

و دستها را بردارد، و رو به کعبه معظّمه کند، و این دعا را بخواند:

(اللهمّ إنّی أسألک فی مقامی هذا وفی أوّل مناسکی، أن تقبل توبتی، و أن تتجاوز عن خطیئتی، و أن تضع عنّی وزری، الحمد لله الّذی بلّغنی بیته الحرام، اللهمّ انّی اشهدک انّ هذا بیتک الحرام، الّذی جعلته مثابه للنّاس،

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۸۶

و أمناً مبارکاً، وهدیً للعالمینَ، اللهمّ إنّ العبد عبدک والبلد بلدک، جئت اطلب رحمتک و أؤمّ طاعتک، مطیعاً لأمرک،

راضیاً بقدرک، أسألک مسأله الفقیر إلیک، الخائف لعقوبتک، اللهمّ افتح لی ابواب رحمتک واستعملنی بطاعتک و مرضاتک).

پس خطاب به کعبه معظّمه کند و بگوید:

(الحمد لله الّذی عظّمکِ و شرّفکِ و کرّمکِ، و جعلکِ مثابه للنّاس و أمناً مبارکاً و هدیً للعالمین).

و هنگامی که نظرش بر حجرالأسود افتاد، رو به سوی آن کند و بگوید:

(الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنّا لنهتدی لولا أن هدانا الله، سبحان الله والحمد لله ولا إله إلّا الله و الله أکبرُ، الله أکبر من خلقه، و الله أکبر ممّن أخشی و أحذر، لا إله إلّا الله وحده لا شریک له، له الملک وله الحمد، یحیی و یمیت، و یمیت و یحیی، و هو حیٌ لا یموت، بیده الخیر وهو علی کلّ شی ء قدیر، اللهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد و بارک علی محمّد و آله، کأفضل ما صلّیت و بارکت و ترحّمت علی إبراهیم و آل ابراهیم إنّک حمیدٌ مجیدٌ، و سلامٌ علی جمیع النبیین والمرسلین، والحمد لله ربّ العالمین، اللهمّ إنّی أؤمن بوعدک و اصدّق رسلک و أتبع کتابک).

سپس با وقار و آرامش روانه شود و گامها را کوتاه بردارد، و چون نزدیک حجرالأسود رسید دستها را بردارد و حمد و ثنای إلهی بجا آورد و صلوات بر محمّد و آل محمّد بفرستد و بگوید:

(اللهمّ تقبّل منی).

۱۳- مستحب است دست و صورت و بدنش را به حجرالأسود بمالد و آن را ببوسد و اگر نتوانست اشاره کند و بگوید:

(اللهمّ أمانتی أدّیتها، و میثاقی تعاهدته لتشهد لی بالموافاه، اللهمّ تصدیقاً بکتابک، و علی سنّه نبیّک، صلواتک علیه و آله، أشهد أن لا إلاله إلّا الله وحدهُ لا شریک

لهُ، و أنَّ محمّـداً عبده و رسوله، آمنت بالله و کفرت بالجبت والطّاغوت و بِاللّات والعزّی و عباده الشّـیطان و کلّ ندّ یدعی من دون الله).

و اگر نتواند همه این دعاها را بخواند بعضی از آن را بخواند و بگوید:

(اللهمّ إلیک بسـطت یدی، و فیما عندک عظمت رغبتی، فاقبل حجّی واغفر لی وارحمنی، اللهمّ انّی أعوذ بک من الکفر والفقر و مواقف الخزی فی الدّنیا والآخره).

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۸۷

آداب طواف

۱۴- مستحب است در حال طواف سر برهنه، پا برهنه، مشغول دعا و ذکر الهی باشد، و گامها را کوچک بردارد، و آنچه را که در نماز مکروه است ترک کند، و این دعا را بخواند:

(اللهمّ إنّی أسألک باسـمک الّذی یمشـی به علی طلل الماء، کما یمشـی به علی جدد الارض، و أسألک باسـمک الّذی تهتز له أقدام ملائکتک، و أسألک باسـمک الّذی دعاک به موسـی من جانب الطّور، فاستجبت له و ألقیت علیه محبّه منک، و أسألک باسـمک الّذی غفرت به لمحمّـد ما تقـدّم من ذنبه و ما تأخّر و أتممت علیه نعمتک، أن تفعل بی کذا و کذا) و حاجت خود را بطلبد.

۱۵- مستحب است در حال طواف بگوید:

(اللهمّ إنّی إلیک فقیرٌ، و إنّی خائفٌ مستجیرٌ، فلا تغیّر جسمی، ولا تبدِّل اسمی).

۱۶- مسـتحب است در هر شوط که به درب خانه کعبه معظّمه می رسـد، صـلوات بر محمّـد و آل محمّد بفرسـتد، و این دعا را بخواند:

(سائلک فقیرک، مسـکینک ببابک، فتصـدّق علیه بالجنّه، اللهمّ البیت بیتک، والحرم حرمک، والعبـد عبدک، و هذا مقام العائذ بک، المستجیر بک من النّار، فاعتقنی و والدیّ و أهلی و ولدی و إخوانی المؤمنین من النّار، یا

جواد یا کریم).

و هنگامی که به حجر حضرت اسماعیل (ع) رسید به ناودان طلا نگاه کند و بگوید:

(اللهمّ أدخلنی الجنّه برحمتک و أجرنی من النّار برحمتک وعافنی من السّقم، و أوسع علیّ من الرّزق الحلال، وادرء عنّی شرّ فسقه الجنّ والإنس، و شرّ فسقه العرب والعجم).

و وقتی از حجر گذشت و به پشت کعبه رسید بگوید:

(یاذا المنّ والطّول، والجود والکرم، إنّ عملی ضعیفٌ فضاعفه لی و تقبّله منّی، إنّک أنتَ السّمیع العلیم).

و وقتی به رکن یمانی رسید دستها را بر دارد و بگوید:

(یا الله، یا ولی العافیه، و خالق العافیه، و رازق العافیه، والمنعم بالعافیه، والمتفضّل بالعافیه علیّ و علی جمیع خلقک، یا رحمن الدّنیا والآخره و رحیمهُما، صلّ علی محمّد و آل محمّد، وارزقنا العافیه، و دوام العافیه، و تمام العافیه، و شکر العافیه فی الدّنیا والآخره، یا أرحم الرّاحمین).

پس به طرف کعبه مکرّمه سرخود را بالا کند و بگوید:

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۸۸

(الحمد لله الّذی شرّفکِ و عظّمکِ، والحمد لله الّذی بعث محمّداً نبیاً و جعل علیّاً إماماً، اللهمّ اهد له خیار خلقک و جنّبه شرار خلقک).

و هنگامی که میان رکن یمانی و حجرالأسود رسید بگوید:

(ربّنا آتنا فی الدّنیا حسنه، وفی الآخره حسنه، و قنا عذابَ النّار).

و وقتی در شوط هفتم به مستجار رسید- و آن پشت کعبه است نزدیک رکن یمانی- برابر در کعبه بایستد و دستها را به دیوار کعبه معظّمه بگذارد و صورت و بدن خود را به کعبه بچسباند و بگوید:

(اللهمّ البیت بیتکَ، والعبد عبدک، و هذا مقام العائذ بک من النّار، اللهمّ من قبلک الرَّوح والفرج والعافیه، اللهمّ إنّ عملی ضعیفٌ فضاعفه لی، واغفر لی ما اطّلعت

علیه منّی و خفی علی خلقک، استجیر بالله من النّار).

و بگوید:

(اللهمّ عندی أفواجاً من ذنوب، و أفواجاً من خطایا، و عندک أفواجٌ من رحمه، و أفواجٌ من مغفره، یا من استجاب لأبغض خلقه إذ قال انظرنی إلی یوم یبعثون استجب لی).

پس حاجت خود را بطلبد، و بسیار دعا کند، و به گناهان خود اقرار کند، و طلب آمرزش نماید، که البتّه آمرزیده می شود انشاء الله تعالی.

و هنگامی که به حجرالأسود رسید بگوید:

(اللهمّ قنّعنی بما رزقتنی و بارک لی فیما آتیتنی).

آداب نماز طواف

۱۷- مستحب است در نماز طواف در رکعت اول بعد از حمد سوره توحید و در رکعت دوّم سوره جحد را بخواند، و بعد از نماز حمد و ثنای الهی را بجا آورد، و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و از خداوند طلب قبول کند، و بگوید:

(اللهمّ تقبّل منّی، ولا تجعلهُ آخر العهد منّی، الحمد لله بمحامده کلّها، علی نعمائه کلّها، حتّی ینتهی الحمد إلی ما تحبّ و ترضی، اللهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد، و تقبّل منّی، و طهّر قلبی، وزکّ عملی).

و در بعضی از روایات آمده که بگوید:

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۸۹

(اللهمّ ارحمنی بطاعتی إیّاک و طاعتی رسولک صلّی الله علیه و آله، اللهمّ جنّبنی أن أتعدّی حدودک، واجعلنی ممّن یحبّک و یحبّ رسولک صلّی الله علیه و آله، و ملائکتک و عبادک الصّالحین).

پس به سجده رود و بگوید:

(سجد لک وجهی تعبّداً و رقّاً، لا إله إلّا أنت حقّاً حقّاً، الأوّل قبل کلّ شیءٍ، والآخر بعد کلّ شیءٍ وها أنا ذا بین یدیک، ناصیتی بیدک، فاغفر لی، إنّه لا یغفر الذّنب العظیم غیرک، فاغفر لی فإنّی مقرّ بذنوبی

على نفسی، ولا يدفع الذّنب العظيم غيرک).

آداب سعی

۱۸- وقتی می خواهد سعی کند مستحب است به نزد حجرالأسود آمده آن را ببوسد و دستها یا بدنش را بر آن بمالد یا به آن اشاره کند، پس نزد چاه زمزم بیاید و از آب آن بنوشد و بر خودش بریزد، و این دعا را بخواند:

(اللهمّ اجعله علماً نافعاً، و رزقاً واسعاً، و شفاءً من کلّ داءٍ و سقمٍ).

پس متوجّه صفا شود از دری که برابر حجرالأسود است، و آن دری است که حضرت رسول (ص) از آن بیرون رفتند، و مستحب است با آرامش تن و روان بالای کوه صفا برود تا نظر کند به خانه کعبه، و رو به رکن عراقی کند، و حمد و ثنای الهی بنماید، و نعمتهای الهی را به خاطر آورد، و هفت بار (الله اکبر) بگوید، و هفت بار (الحمد لله) و هفت بار (لا اله الّا الله) و سه مرتبه:

(لا إله إلّا الله وحده لا شریک له، له الملک وله الحمد، یحیی و یمیت، و یمیت و یحیی، و هو حی لا یموت، و هو علی کلّ شی ء قدیرٌ).

پس صلوات بر محمّد و آل محمد بفرستد، و سه بار بگوید:

(الله أکبر علی ما هدانا، الحمد لله علی ما أولانا، والحمد لله الحیّ القیّوم، والحمد لله الحیّ الدّائم).

پس سه بار بگوید:

(أشهد أن لا إله إلّا الله، و أشهد أن محمّدا عبده و رسوله، لا نعبد إلّا إیاه، مخلصین له الدّین ولو کره المشرکون).

و سه مرتبه بگوید:

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۹۰

(اللهمّ إنّی أسألک العفو والعافیه والیقین فی الدّنیا والآخره).

و سه مرتبه بگوید:

(اللهمّ آتنا فی الدّنیا حسنه، و فی الآخره حسنه،

و قنا عذاب النّار).

پس صد مرتبه (الله اكبر) و صد مرتبه (لا اله الّا الله) و صد مرتبه (الحمد لله) و صد مرتبه (سبحان الله) بگويد.

سپس بگويد:

(لا إله إلّا الله وحده وحده، أنجزه وعده، و نصر عبده، و غلب الأحزاب وحده، فله الملك و له الحمد وحده، اللهمّ بارک لی فی الموت و فيما بعد الموت، اللهمّ إنّی أعوذ بک من ظلمه القبر، و وحشته، اللهمّ أظلّنی فی ظلّ عرشک يوم لا ظلّ إلا ظلّک).

و بسيار تكرار كند سپردن دين و نفس و اهل و مال خود را به خداوند و بگويد:

(أستودع الله الرّحمن الرّحيم، الّذی لا تضيع و دائعه، دينی و نفسی و أهلی و مالی و ولدی، اللهمّ استعملنی علی كتابک و سنّه نبيّک، و توفّنی علی ملّته و أعذنی من الفتنه).

پس سه مرتبه (الله أكبر) بگويد و دو مرتبه دعای سابق را بخواند، و يک بار تكبير بگويد و بخواند دعای سابق را.

و نيز مستحب است كه اين دعا را بخواند:

(اللهمّ اغفر لی كلّ ذنب أذنبته قطّ، فإن عدت فعد علیّ بالمغفره، فإنّکَ أنت الغفور الرّحيم، اللهمّ افعل بی ما أنت أهله، فإنّک إن تفعل بی ما أنت أهله ترحمنی، و إن تعذّبنی فأنت غنیٌّ عن عذابی، و أنا محتاجٌ إلی رحمتک، فيا من أنا محتاجٌ إلی رحمته ارحمنی، اللهمّ لا تفعل بی ما أنا أهله، فانّک إن تفعل بی ما أنا أهله، تعذّبنی ولم تظلمنی، أصبحتُ أتّقی عدلک ولا أخاف جورک، فيا من هو عدلٌ لا يجور ارحمنی).

سپس بگويد:

(يا من لا يخيب سائله ولا ينفد نائله، صلّ علی محمّدٍ و آل محمّد و أعذنی من النّار برحمتک).

۱۹- در حديث آمده است:

کسی که می خواهد ثروتش زیاد شود ایستادن در صفا را طول دهد.

۲۰- مستحب است در پایه چهارم صفا رو به کعبه این دعا را بخواند:

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۹۱

(اللهمّ إنّی أعوذ بک من عذاب القبر، و فتنته و غربته و وحشته و ظلمته، اللهمّ أظلّنی فی ظلّ عرشک یوم لا ظلّ إلّا ظلّک).

پس از آن پایه پایین بیاید و پشت خود را برهنه کند و بگوید:

(یا ربّ العفو، یا من أمر بالعفو، یا من هو أولی بالعفو، یا من یثیب علی العفو، العفو، العفو، یا جواد، یا کریم، یا کریم، یا قریب، یا بعید، اردد علیّ نعمتک واستعملنی بطاعتک و مرضاتک).

۲۱- مستحب است در حال سعی وقتی به مناره رسید بگوید:

بسم الله و بالله، و الله أکبر، و صلّی الله علی محمّد و أهل بیته، اللهمّ اغفر وارحم و تجاوز عمّا تعلم، إنّکَ أنتَ الأعزّ الاکرم، واهدنی للّتی هی أقوم، اللهمّ إنّ عملی ضعیفٌ فضاعفه لی و تقبّل منّی، اللهمّ لک سعیی و بک حولی و قوّتی، تقبّل منّی عملی یا من یقبل عمل المتّقین).

۲۲- مستحب است در حال سعی از مناره تا مناره بعدی که با چراغهای سبز معیّن شده است، تند برود (هروله کنان) و وقتی از آنجا گذشت بگوید:

(یا ذا المنّ والفضل والکرم والنّعماء والجود، اغفر لی ذنوبی إنّه لا یغفر الذّنوب إلّا أنت).

۲۳- و مستحب است وقتی به مروه رسید دعای اوّل صفا را بخواند و بگوید:

(اللهمّ یا من أمر بالعفو، یا من یحبّ العفو، یا من یعطی علی العفو، یا من یعفو علی العفو، یا ربّ العفو، العفو العفو).

۲۴- مستحب است در حال سعی خود را به گریه

وادارد و گریه کند و بسیار دعا نماید و این دعا را بخواند:

(اللهمّ إنّی أسألک حسن الظّنّ بک علی کلّ حال، و صدق النّیّه فی التّوکّل علیک).

آداب عرفات

۲۵- مستحب است وقتی متوجّه عرفات شد این دعا را بخواند:

(اللهمّ إلیک صمدت، و إیّاک اعتمدت، و وجهک أردت، أسألک أن تبارک لی فی رحلتی و أن تقضی لی حاجتی و أن تجعلنی ممّن تباهی به الیوم من هو أفضل منّی).

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۹۲

۲۶- در عرفات مستحبّ است با طهارت باشد، و رو به قبله کند و دل خود را متوجّه حق سبحانه و تعالی سازد، و حمد و ثنای الهی را بجا آورد، و تمجید و تهلیل بکند، و صد بار (الله اکبر) و صد بار (الحمد لله) و صد بار (سبحان الله) و صد بار (لا اله الّا الله) بگوید، و صد بار (آیه الکرسی) بخواند و صد بار صلوات بر محمّد و آل محمّد (علیهم السلام) بفرستد، و صد مرتبه سوره (إنّا أنزلنا) بخواند، و صد مرتبه (لا حول ولا قوّه إلّا بالله) بگوید، و صد مرتبه (قل هو الله أحد) بخواند، و حاجات خود را بطلبد، و سعی کند در دعا که این روز، روز دعا و مسئلت است، و هیچ چیز نزد شیطان خوشتر از آن نیست که انسان را از خداوند متعال غافل سازد. و از شرّ شیاطین به خدا پناه برد، و متوجّه خود باشد و به دل و زبان استغفار بگوید، و گناهان خود را بشمارد و گریه کند و اگر نتواند، خود را به گریه وادارد و دعا کند از برای پدر و مادر و برادران

مؤمن خود، و اقل آن چهل نفر می باشد.

و تمام این زمان را صرف دعا و استغفار و ذکر کند که بعضی از علما به وجوب آن قائل شده اند. و در حدیث آمده که ملکی موکّل است تا آنچه شخص برای برادر مؤمن خویش بطلبد، آن ملک از حق تعالی از برای او صد هزار مانند آن را بطلبد.

۲۷- مستحب است دعاهای وارد شده در روز عرفه را بخواند، بویژه دعای صحیفه سجّادیه، و دعای حضرت امام حسین (ع)، و بعضی از اعمال روز عرفه را در آخر کتاب بیان نموده ایم.

۲۸- مستحب است در عرفات این دعا را بخواند:

(اللهمّ إنّی عبدک، فلا تجعلنی من أخیب وفدک، وارحم مسیری إلیک، من الفج العمیق، اللهم ربّ المشاعر کلّها فک رقبتی من النّار، و أوسع علیّ من رزقک الحلال، وادرأ عنی شرّ فسقه الجنّ والإنس، اللهمّ لا تمکر بی ولا تخدعنی ولا تستدرجنی، اللهمّ إنّی أسألک بحولک وجودک وکرمک ومنّک و فضلک، یا أسمع السّامعین و یا أبصر الناظرین و یا أسرع الحاسبین و یا أرحم الرّاحمین أن تصلّی علی محمّد و آل محمّد و أن تفعل بی کذا و کذا).

و حاجت خود را بطلبد و دست به آسمان بردارد و بگوید:

(اللهمّ حاجتی إلیک إن أعطیتنیها لم یضرّنی ما منعتُ و إن منعتنیها لم ینفعنی ما اعطیت، أسألک خلاص رقبتی من النّار، اللهمّ إنّی عبدک و ملک یدک، ناصیتی بیدک و أجلی بعلمک، أسألک أن توفّقنی لما یرضیک، و أن

تسلّم منّی مناسکی الّتی أریتها خلیلک إبراهیم صلوات الله علیه و دللت علیها نبیّک محمّدا صلّی الله علیه و آله، اللهمّ اجعلنی ممّن رضیت عمله

و أطلت عمره و أحييته بعد الموت حياه طيّبه).

و سپس بگويد:

(لا إله إلّا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، يحيى و يميت، و هو حىّ لا يموت، بيده الخير، و هو على كلّ شى ء قدير، اللهمّ لك الحمد كالّذى تقول و خيراً ممّا تقول و فوق ما يقول القائلون، اللهمّ لك صلاتى و نسكى و محياى و مماتى، و لك تراثى و بك حولى و منك قوّتى، اللهمّ إنّى أعوذبك من الفقر و من وساوس الصّدر و من شتات الأمر و من عذاب القبر، اللهمّ إنّى أسألك خير الرّياح و أعوذ بك من شرّ ما يجى ء به الرّياح، و أسألك خير اللّيل و خيرالنّهار، اللهمّ اجعل فى قلبى نوراً وفى سمعى نوراً و بصرى نوراً وفى لحمى و دمى و عظامى و عروقى و مقعدى و مقامى و مدخلى و مخرجى نوراً، و أعظم لى نوراً يا ربّ يوم القاك، إنّكَ على كلّ شى ء قدير).

و تا بتواند در اين روز از خيرات و صدقات كوتاهى نكند.

۲۹- مستحب است در عرفات رو به قبله كند و صد مرتبه بگويد:

(سبحان الله والله أكبر و ما شاء الله ولا قوّه إلّا بالله، أشهد أن لا إله إلّا الله وحده لا شريك له، له الملك و له الحمد، يحيى و يميت، و هو حىٌّ لا يموت، بيده الخير و هو على كلّ شى ء قدير). پس دو آيه اوّل سوره بقره را بخواند، و بعد (قل هو الله احد) را سه بار بخواند.

پس از آن آيه الكرسى بخواند، سپس اين آيات را كه در سوره اعراف مى باشد بخواند:

(إنّ ربّكم الله الّذى خلق السّماوات والأرض فى ستّه أيّام ثمّ

استوی علی العرش یغشی اللّیل النّهار یطلبه حثیثا والشّمس والقمر والنّجوم مسخّرات بأمره ألا له الخلق والأمر تبارک الله ربّ العالمین، ادعوا ربّکم تضرّعا و خفیه إنّه لا یحبّ المعتدین، ولا تفسدوا فی الأرض بعد إصلاحها وادعوه خوفاً و طمعاً إنّ رحمه الله قریبٌ من المحسنین).

سپس (معوذتین) را بخواند. و بعد نعمتهای الهی را تا جائی که می تواند یک یک بشمارد و بگوید:

(لک الحمد علی نعمائک الّتی لا تحصی بعدد ولا تکا فی ء بعمل).

و حمد کند خدای سبحانه و تعالی را به هرآیه که حمد کرده است خداوند خود را در قرآن، و تکبیر کند به هر تکبیری که خداوند خود را تکبیر کرده است در قرآن، و تهلیل کند به هر (لا إله إلّا الله) که حق سبحانه

و تعالی تهلیل خود کرده است در قرآن، و صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) بسیار بفرستد، و دعا کند حق سبحانه و تعالی را به هر نامی که خدا خود را به آن نام خوانده است در قرآن، و به هر اسمی که می داند و به اسامی آخر سوره حشر و بگوید:

(أسألک یا الله یا رحمن بکلّ اسم هو لک، و أسألک بقوّتک و قدرتک و عزّتک و جمیع ما أحاط به علمک و بأرکانک کلّها، و بحقّ رسولک صلواتک علیه و آله، و باسمک الأکبر الأکبر، و باسمک العظیم الّذی من دعاک به کان حقّا علیک أن لا تردّه و أن تعطیه ما سألک، أن تغفر لی جمیع ذنوبی فی جمیع علمک فی).

و هر حاجت که دارد از خدا بخواهد، و از حق سبحانه و تعالی طلب

کند که هر سال موفّق به حج شود.

و هفتاد مرتبه بگوید: (أسئلک الجنّه) و هفتاد مرتبه (أستغفر الله ربّی و أتوب إلیه).

پس بخواند دعائی که جبرئیل در این مقام به حضرت آدم (ع) تعلیم نمود تا توبه اش قبول شود:

(بحانک اللهمّ و بحمدک، لا إله إلّا أنت، عملتُ سوءاً و ظلمتُ نفسی فاعترفت بذنبی فاغفر لی إنّک خیر الغافرین، سبحانک اللهمّ و بحمدک لا إله إلّا أنت عملتُ سوءاً و ظلمت نفسی فاعترفت بذنبی فاغفر لی إنّک أنت التّوّاب الرّحیم).

۳۰- و نزدیک غروب آفتاب روز عرفه بگوید:

(اللهمّ إنّی أعوذبک من الفقر و من تشتّت الأمر و من شرّ ما یحدث باللّیل والنّهار، أمسی ظلمی مستجیراً بعفوک، و أمسی خوفی مستجیرا بأمانک، و أمسی ذلّی مستجیراً بعزّتک، و أمسی وجهی الفانی مستجیراً بوجهک الباقی، یا خیر من سُئِل و یا أجود من أعطی، یا أرحم من استرحم جلّلنی برحمتک، و ألبسنی عافیتک، واصرف عنّی شرّ جمیع خلقک).

آداب مشعر الحرام (مزدلفه)

۳۱- پس با آرامش روانه شود به طرف مشعرالحرام و استغفار کند و این دعا را بخواند:

(اللهمّ لا تجعله آخر العهد من هذا الموقف، وارزقنی العود أبدا ما أبقیتنی، و أقلبنی الیوم مفلحا منجحا مستجابا لی، مرحوماً مغفوراً لی، بأفضل ما ینقلب به الیوم أحد من وفدک و حجّاج بیتک الحرام، واجعلنی الیوم من أکرم وفدک علیک، و أعطنی أفضل ما أعطیت أحدا منهم من الخیر والبرکه والرّحمه والرّضوان والمغفره، و بارک لی فیما أرجع إلیه من أهل أو مال أو قلیل أو کثیر و بارک له فیّ).

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۹۵

و بسیار بگوید: (اللهمّ أعتقنی من النّار).

۳۲- مستحب است وقتی متوجّه مشعرالحرام می شود با آرامش تن و

دل باشد و استغفار کند و چون به تل سرخ رسید بگوید:

(اللهمّ ارحم موقفی، و زد فی عملی، و سلّم لی دینی، و تقبّل مناسکی).

و بعضی گفته اند بگوید: (اللهمّ لا تجعله آخر العهد من هذا الموقف وارزقنیه أبداً ما أبقیتنی).

۳۳- مستحب است در وسط وادی، و جانب راست راه فرود آید، و این دعا را بخواند:

اللهمّ إنّی أسألک أن تجمع لی فیها جوامع الخیر، اللهمّ لا تؤیسنی من الخیر الّذی سألتک أن تجمعه لی فی قلبی، ثمّ أطلب منک أن تعرّفنی ما عرّفت أولیائک فی منزلی هذا و أن تقینی جوامع الشّرّ).

۳۴- مستحب است تا بتواند آن شب را به عبادت و اطاعت الهی سپری کند، و در روایت است که درهای آسمان در این شب بسته نمی شود و صدای مؤمنین بالا می رود و خداوند می فرماید: من خداوند شمایم و شما بندگان من هستید، ادا کردید حقّ مرا، بر من لازم است که اجابت نمایم دعاهای شما را، پس تمام گناهان یا قسمتی از آن را می آمرزد.

۳۵- مستحب است برای وقوف در مشعرالحرام غسل کند و با وضو باشد و حمد و ثنای الهی بجای آورد و این دعا را بخواند:

(اللهمّ ربّ المشعرالحرام فکّ رقبتی من النّار، و أوسع علیّ من رزقک الحلال الطّیّب، وادرأ عنّی شرّ فسقه الجنّ والإنس، اللهمّ أنت خیر مطلوب إلیه و خیر مدعوّ و خیر مسئول، و لکل وافد جائزه فاجعل جائزتی فی موضعی هذا أن تقیلنی عثرتی و تقبل معذرتی و أن تتجاوز عن خطیئتی، ثمّ اجعل التّقوی من الدّنیا زادی و تقلبنی مفلحاً منجحاً مستجاباً لی بأفضل ما یرجع به أحد من وفدک و زوّار بیتک الحرام).

و برای خود

و پدر و مادر و برادران و اهل و فرزندان و مال خویش بسیار دعا کند.

آداب اعمال منی

۳۶- هنگام رمی جمرات وقتی که سنگریزه را در دست دارد این دعا را بخواند:

(اللهمّ هذه حصیاتی فأحصهنّ لی وارفعهنّ فی عملی).

و هر سنگریزه را که بیندازد این دعا را بخواند:

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۹۶

(الله أکبر، اللهمّ ادحر عنّی الشّیطان، اللهمّ تصدیقا بکتابک و علی سنّه نبیّک محمّد صلّی الله علیه و آله، اللهمّ اجعله لی حجّاً مبروراً و عملًا مقبولًا و سعیاً مشکوراً و ذنباً مغفوراً).

و وقتی به جای خود در منی بر گشت بگوید:

(اللهمّ بک وثقت و علیک توکّلت فنعم الرّب ونعم المولی ونعم النّصیر).

۳۷- مستحب است در وقت قربانی کردن این دعا را بخواند:

(وجّهت وجهی للّذی فطر السّماوات والأرض حنیفاً مسلماً و ما أنا من المشرکین، إنّ صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله ربّ العالمین لا شریک له و بذلک أمرت و أنا من المسلمین، اللهمّ منک و لک، بسم الله و بالله و الله أکبر، اللهمّ تقبّل منّی).

و در بعضی روایات آمده که سپس بگوید:

(اللهمّ تقبّل منّی کما تقبّلت عن إبراهیم خلیلک و موسی کلیمک و محمّد حبیبک صلّی الله علیه و علیهم).

۳۸- مستحب است در وقت سر تراشیدن رو به قبله کند و این دعا را بخواند:

(اللهمّ أعطنی بکلّ شعره نوراً یوم القیامه).

آداب بر گشت به مکه مکرّمه

۳۹- مستحب است برای بر گشتن به مکّه مکرّمه و انجام اعمال آن غسل کند، و متوجّه مسجد الحرام شود، با ذکر و تمجید الهی و صلوات بر محمّد و آل محمّد، و چون به در مسجد رسید این دعا را بخواند:

(اللهمّ إنّی أسألک مسأله العلیل، الذّلیل، المعترف

بـذنبه، أن تغفر لی ذنوبی و أن ترجعنی بحـاجتی، اللهمّ إنّی عبـدک، والبلـد بلـدک، والبیت بیتک، جئت أطلب رحمتک و أؤمّ طاعتک، متّبعا لأمرک، المشفق من عذابک، الخائف لعقوبتک، أن تبلّغنی عفوک و تجیرنی من النّار برحمتک).

سپس به نزد حجرالأسود برود و استلام نماید و آن را ببوسد.

آداب برگشت به منی

۴۰- مستحب است وقتی از مکه معظّمه به منی مراجعت می کند این دعا را بخواند:

(اللهمّ بک وثقت و بک آمنت ولک أسلمت و علیک توکّلت فنعم الرّبّ و نعم المولی و نعم النّصیر).

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۹۷

۴۱- تکبیر در منی مستحب است، و احوط این است که تکبیر را در منی و غیر منی ترک نکنـد، در منی بعـد از ۱۵ نماز و در غیر منی بعد از ۱۰ نماز تکبیر بگوید، و اوّل آنها نماز ظهر روز عید می باشد و کیفیّت آن بنا بر مشهور چنین است:

(الله أکبر، الله أکبر، لا إله إلّا الله، و الله أکبر علی ما هدانا، و له الحمد علی ما أبلانا و رزقنا من بهیمه الأنعام).

و در بعضی روایات آمده که بعد از تکبیر سوّم بگوید:

(ولله الحمد، الله أکبر علی ما هدانا، الله أکبر علی ما رزقنا من بهیمه الأنعام).

و در بعضی از روایات اضافه شده:

(الحمد لله علی ما رزقنا من بهیمه الأنعام).

۴۲- مستحب است در این ایّام (یازدهم و دوازدهم و سیزدهم) نمازهای واجب و مستحب خود را در مسجد خیف بجا آورد، و در حـدیث آمـده: هرکه در مسـجد خیف صد رکعت نماز بگذارد برابر است با عبادت هفتاد سال، و هرکه صد مرتبه (سبحان الله) بگوید، از برای او ثواب بنده آزاد کردن بنویسند، و هرکه صد

مرتبه (لا اله الّا الله) بگوید برابر است با ثواب زنده کردن شخصی، و هرکه صد مرتبه (الحمد الله) بگوید برابر است با خراج عراقین که در راه خداوند صدقه بدهد.

آداب وداع

۴۳- مستحبّ است پس از پایان اعمال حج، طواف وداع بجا آورد، و داخل خانه کعبه شود، مخصوصا کسی که سفر اول اوست، و در حدیث آمده است: داخل شدن در کعبه داخل شدن در رحمت خداست، و بیرون رفتن از آن بیرون رفتن از گناهان می باشد.

۴۴- مستحب است که برای وارد شدن به کعبه معظّمه غسل کند و پای برهنه داخل شود، و پیش از دخول دو حلقه در را بگیرد و بگوید:

(اللهمّ البيت بيتك والعبد عبدك و قد قلت من دخله كان آمنا فآمنّي من عذابك و أجرني من سخطك).

پس داخل شود و بگوید:۲ رساله مناسک حج (طبع جدید) ؛ ص۹۷

اللهمّ إنّك قلت و من دخله كان آمنا فآمنّي من عذابك عذاب النّار).

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۹۸

پس در میان دو ستون دو رکعت نماز بخواند، و به رکنی رود که در آنجا حجرالأسود است و بدن خود را بر آن بمالد.

۴۵- بسیار طواف کردن مستحب است و برای حجّاج از نماز نافله افضل است، و طواف به نیابت از پدر و مادر و همسر و فرزندان و دیگر آشنایان و سایر مؤمنین بسیار ثواب دارد، و به نیابت حضرت پیغمبر (ص) و حضرت فاطمه (علیها السلام) و دوازده امام (علیهم السلام) ثواب فراوان دارد.

۴۶- مستحب است در مکه معظّمه قرآن مجید را ختم کند و در حدیث آمده: هرکه در آنجا قرآن را ختم کند، از دنیا نرود تا پیامبر

(ص) و منزل خود را در بهشت ببیند.

۴۷- مستحباست در مکه معظّمه به زیارت مکان تولّد پیامبر (ص) مشرّف شود، و به منزل حضرت خدیجه (علیها السلام) برود، و قبر حضرت عبدالمطّلب (علیه السلام) و حضرت ابو طالب (علیه السلام) و قبر حضرت خدیجه (علیها السلام) را زیارت کند، و به غار حرا که حضرت رسول (ص) اوائل بعثت در آنجا عبادت می نموده و مبعوث به رسالت گردید، و همچنین غاری که در کوه ثور است و حضرت (ص) در آنجا مخفی شده بودند برود.

۴۸- مستحب است هنگام خروج از مکّه مکرّمه صدقه بدهد، و از خداوند بخواهد که باز به او توفیق حج عنایت کند، و غسل کند و طواف وداع انجام دهد، و حجرالأسود و رکن یمانی را استلام کرده، خود را به کعبه معظّم بچسباند، و حمد و ثنای الهی بجای آورد، و بر پیامبر (ص) و اهل بیتش (علیهم السلام) صلوات بفرستد و این دعا را بخواند:

(اللهمّ صلّ علی محمّد عبدک و رسولک و نبیّک و أمینک و حبیبک و نجیبک و خیرتک من خلقک، اللهمّ کما بلّغ رسالتک و جاهد فی سبیلک و صدع بأمرک و أوذی فیک و فی جنبک حتّی أتاه الیقین، اللهمّ اقلبنی مفلحاً منجحاً مستجاباً لی بأفضل ما یرجع به أحد من وفدک من المغفره والبرکه والرّضوان والعافیه ممّا یسعنی أن أطلب، أن تعطینی مثل الّذی أعطیته أفضل من عبدک و تزیدنی علیه، اللهمّ إن أمتّنی فاغفر لی، و إن أحییتنی فارزقنیه من قابل، اللهمّ لا تجعله آخر العهد من بیتک، اللهمّ إنّی عبدک، إبن عبدک وابن أمتک، حملتنی علی دابّتک و سیّرتنی فی بلادک حتّی أدخلتنی حرمک

و أمنک، و قد کان فی حسن ظنّی بک أن تغفر لی ذنوبی، فإن کنت قد غفرت لی ذنوبی فازدد عنّی رضاً و قرّبنی إلیک زلفی، و تباعدنی، و إن کنت لم تغفر لی فمن الآن فاغفر لی قبل أن تنای عن بیتک داری، و هذا أوان انصرافی إن کنت أذنت لی غیر راغب عنک ولا عن بیتک،

ولا مستبدل بک ولا به، اللهمّ احفظنی من بین یدیّ و من خلفی و عن یمینی و عن شمالی حتّی تبلغنی أهلی واکفنی مؤنه عبادک و عیالی، فإنّک ولیّ ذلک من خلقک و منّی).

سپس به طرف آب زمزم رفته و از آن بیاشامد و بگوید:

(آئبون تائبون عابدون لربّنا حامدون، إلی ربّنا راغبون، إلی ربّنا راجعون).

سپس دو رکعت نماز نزد مقام ابراهیم (ع) بخواند ... و در حال خروج هنگامیکه به درب مسجد رسید دستش را بر آن گذاشته بگوید:

(المسکین علی بابک فتصدّق علیه بالجنّه)

و در نزد درب مسجد سجده طولانی بجا آورد و خارج شود.

۴۹- از جمله مستحبّات مؤکّده مراجعت از راه مدینه طیّبه است تا به زیارت حضرت فخر کائنات پیامبر اسلام (ص) و حضرت صدّیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) و ائمه بقیع (علیهم السلام) مشرّف شود. و در حدیث وارد شده: ترک زیارت آن حضرت (ص) بعد از حج جفای برآن حضرت است.

۵۰- مستحب است در راه بازگشت از مکّه به مدینه، در مسجد غدیر خم نماز بگذارد و بسیار دعا کند زیرا در همینجا پیامبر (ص) به دستور خداوند امیر مؤمنان علی (ع) را به خلافت و امامت تعیین فرمودند و این آیه شریفه نازل شد:

(الیوم أکملت لکم

دینکم و أتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الإسلام دیناً).

سپس پیامبر (ص) فرمودند:

(الله أکبر ولله الحمد علی إکمال الدّین و إتمام النعمه و رضی الرّبّ والولایه لعلیّ بن أبی طالب (ع)).

اعمال مدینه منوّره

۱- مستحب است برای ورود به شهر مدینه منوّره و داخل شدن در حرم پیامبر (ص) غسل نماید.

۲- مستحب است برای ورود به حرم پیامبر (ص) و ائمه بقیع (علیهم السلام) اذن دخول بخواند، مرحوم کفعمی می فرماید: هنگامی که می خواهی به مسجد پیامبر اکرم (ص) در مدینه یا به یکی از مشاهد مشرّفه ائمّه اطهار (علیهم السلام) وارد شوی این دعا را بخوان:

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۰۰

(اللهمّ إنّی وقفت علی باب من أبواب بیوت نبیّک صلواتک علیه و آله، و قد منعت النّاس أن یدخلوا إلاـ بإذنه، فقلت: (یا أیّهاالّذین آمنوا لا تدخلوا بیوت النّبیّ إلا أنّ یؤذن لکم)، اللهمّ إنّی أعتقد حرمه صاحب هذا المشهد الشّریف فی غیبته، کما أعتقدها فی حضرته، و أعلم أن رسولک و خلفاءک علیهم السلام أحیاءٌ عندک یرزقون، یرون مقامی و یسمعون کلامی و یردّون سلامی، و أنّک حجبت عن سمعی کلامهم، و فتحت باب فهمی بلذیذ مناجاتهم، و إنّی أستأذنک یا ربّ أوّلًا، و أستأذن رسولک صلّی الله علیه و آله ثانیاً، و أستأذن خلیفتک الإمام المفروض علیّ طاعته).

و نام آن امامی که می خواهی زیارت نمائی ببر، و در زیارت ائمّه بقیع (علیهم السلام) بگو: (أستأذن خلفاءک أئمتی و سادتی الأربعه).

سپس بگو:

(والملائکه الموکّلین بهذه البقعه المبارکه ثالثاً، ءادخل یا رسول الله، ءأدخل یا حجّه الله، ءأدخل یا ملائکه الله المقرّبین المقیمین فی هذا المشهد، فأذن لی یا مولای فی الدّخول أفضل ما أذنت لأحد من

أولیائک فإن لم أکن أهلًا لذلک فأنت أهلٌ لذلک).

سپس عتبه مقدّس را ببوس و داخل شو و بخوان: (بسم الله و بالله وفی سبیل الله و علی ملّه رسول الله صلّی الله علیه و آله، اللهمّ اغفر لی وارحمنی و تب علیّ إنّک أنت التّوّاب الرّحیم).

۳- بر تمام مردم، بخصوص حجّاج مستحبّ مؤکّد است که به زیارت حرم پیامبر اکرم (ص) و امامان بقیع (علیهم السلام) و حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) بروند. و از امیر مؤمنان (ع) روایت شده است که: حج خود را با زیارت پیامبر خدا (ص) تمام کنید، زیرا ترک آن جفا می باشد، و نیز حج خود را با زیارت قبوری که خداوند متعال حق آنها و زیارت آنها را بر شما ملزم کرده است کامل کنید و نزد آنها رزق خود را از خداوند بخواهید.

زیارت پیامبر اکرم (ص)

۴- کیفیّت زیارت پیامبر (ص): پس از غسل زیارت، اذن دخول را که بیان شد بخواند، و از درب جبرئیل وارد شود، و هنگام ورود پای راست خود را مقدّم بدارد، سپس صد مرتبه (الله اکبر) بگوید، و دو

رکعت نماز تحیّت مسجد برگزار کند، و سپس به سوی ضریح شریف برود، و آن را با دست بگیرد، و ببوسد و بگوید:

(السلام علیک یا رسول الله، السلام علیک یا نبیّ الله، السلام علیک یا محمّد بن عبد الله، السلام علیک یا خاتم النّبیین، أشهد أنّک قد بلّغت الرّساله، و أقمت الصّلاه و آتیت الزّکاه، و أمرت بالمعروف و نهثیت عن المنکر، و عبدت الله مخلصا حتّی أتاک الیقین، فصلوات الله علیک و رحمته، و علی أهل بیتک الطّاهرین).

سپس نزد ستون

که از سمت راست ضریح است به طرف قبله بایست، بطوری که شانه چپ به طرف ضریح و شانه راست به طرف منبر باشد، که آن بالای سر حضرت رسول (ص) می باشد، و بگو:

(أشهد أن لا إله إلّا الله وحده لا شریک له، و أشهد أنّ محمّداً عبده و رسوله، و أشهد أنّک رسول الله و أنّک محمّد بن عبد الله، و أشهد أنک قد بلّغت رسالات ربّک، و نصحت لامّتتک، و جاهدت فی سبیل الله و عبدت الله حتّی أتاک الیقین بالحکمه والموعظه الحسنه، و أدّیت الّذی علیک من الحق، و أنّک قد رؤفت بالمؤمنین و غلظت علی الکافرین، فبلغ الله بک أفضل شرف محلّ المکرّمین، الحمد لله الّذی استنقذنا بک من الشّرک والضّلاله، اللهمّ فاجعل صلواتک و صلوات ملائکتک المقرّبین و أنبیائک المرسلین و عبادک الصّالحین و أهل السّماوات والأرضین و من سبّح لک یا ربّ العالمین من الاوّلین والآخرین علی محمّد عبدک و رسولک و نبیّک و أمینک و نجیّک و حبیبک و صفیّک و خاصّتک و صفوتک و خیرتک من خلقک، اللهمّ أعطه الدّرجه الرّفیعه، و آته الوسیله من الجنّه، وابعثه مقاماً محموداً یغطبه به الأوّلون والآخرون، اللهمّ إنّک قلت: ولو أنّهم إذ ظلموا أنفسهم جاؤوک فاستغفروا الله واستغفر لهم الرّسول لوجدوا الله توابا رحیما، و إنّی أتیتک مستغفرا تائبا من ذنوبی و إنّی أتوجّه بک إلی الله ربّی و ربّک لیغفر لی ذنوبی).

و اگر حاجتی برای تو باشد پس قبر شریف را پشت سر قرار بده و رو به قبله بایست و دستهای خود را بالا نما و حاجت خود را بطلب که انشاء الله برآورده خواهد شد.

زیارت حضرت زهرا (علیها السلام)

۵- سپس برای

زیـارت حضـرت صـدّیقه کـبری فـاطمه زهرا (علیهـا السـلام) به نزد روضه پیغمبر (ص) برود، و در محـلّ قبر آن بـانوی معظّمه (صلوات الله علیها) اختلاف است، برخی گفته اند بین قبر و منبر، و گروهی

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۰۲

گفته انـد در خـانه اش، و گروهی گفته انـد در بقیع مـدفون است، و اگر کسـی در هر سه جا آن بانوی مکرّمه را زیارت نماید بهتر است.

و برای زیارت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) بگو:

(یـا ممتحنه، امتحنـکِ الله الّـذی خلقـکِ قبـل أن یخلقـکِ، فوجـدکِ لما امتحنکِ صابره، و زعمنا أنّا لکِ أولیاء و مصـدّقون و صـابرون لکـلّ مـا أتانـا به أبوکِ، صـلّی الله علیه و آله، و أتانـا به وصـیّه علیه السـلام، فإنّـا نسألک إن کنّا صـدّقناکِ إلا ألحقتنا بتصدیقنا لهما، لنبشّر أنفسنا بانّا قد طهرنا بولایتک).

و مستحب است که این زیارت را نیز بخواند:

(السـلام علیکِ یا بنت رسول الله، السـلام علیکِ یا بنت نبیّ الله، السلام علیکِ یا بنت حبیب الله، السلام علیکِ یا بنت خلیل الله، السـلام علیکِ یا بنت صـفی الله، السـلام علیکِ یا بنت أمین الله، السلام علیکِ یا بنت خیر خلق الله، السلام علیکِ یا بنت أفضل أنبیاء الله و رسـله و ملائکته، السـلام علیکِ یا بنت خیر البریّه، السلام علیکِ یا سیّده نساء العالمین من الأوّلین والآخرین، السلام علیـکِ یا یا زوجه ولیّ الله و خیر الخلق بعـد رسول الله، السـلام علیکِ یا امّ الحسن والحسـین سـیّدی شـباب أهل الجنّه، السـلام علیکِ أیتها الصّـدّیقه الشـهیده، السـلام علیک أیّتها الرّضـیه المرضـیّه، السـلام علیکِ أیتها الفاضـله الزّکیّه، السـلام علیکِ أیتها الحوراء الإنسیّه، السلام علیکِ أیّتها التّقیّه النّقیّه، السلام علیک أیّتها المحدّثه العلیمه، السلام علیکِ

أيّتها المظلومه المغصوبه، السـلام عليكِ أيتها المضـطهده المقهوره، السلام عليكِ يا فاطمه بنت رسول الله و رحمه الله و بركاته، صلّى الله عليكِ و على روحكِ و بدنكِ، أشـهد أنّك مضـيت على بيّنه من ربّك، و أنّ من سـرّكِ فقد سـرّ رسول الله صلّى الله عليه و آله و من جفـاك فقـد جفـا رسول الله صـلّى الله عليه و آله، و من آذاكِ فقـد آذى رسول الله صـلّى الله عليه و آله، و من وصـلكِ فقـد وصـل رسول الله صـلّى الله عليه و آله، و من قطعـكِ فقـد قطع رسول الله صـلّى الله عليه و آله، لأنّكِ بضـعه منه و روحه الّتى بين جنبيه، كمـا قـال صـلّى الله عليه و آله، اشـهد الله و رسـله و ملائكته أنّى راض عمّن رضـيتِ عنه، ساخطٌ على من سخطتِ عليه، متبرّءٌ ممّن تبرّأت منه، موال لمن واليت، معـاد لمن عـاديت، مبغض لمن أبغضت، محبٌّ لمن أحببت، و كفى بـالله شهيداً و حسيباً و جازياً و مثيباً).

زيارت ائمه بقيع (عليهم السلام)

رساله مناسك حج (طبع جديد)، ص: ۱۰۳

۶- زيارت ائمه بقيع (عليهم السلام) يعنى امام مجتبى (ع) و امام سجّاد (ع) و امام باقر (ع) و امام صادق (ع).

هنگامى كه مى خواهى آن امامان بزرگوار را زيارت نمائى، آداب زيارت از غسل و طهارت و پوشيدن لباسهاى پاك و تميز و عطر زدن را بجا آور، و همان اذن دخول را كه قبلا ذكر كرديم بخوان سپس بگو:

(يا مواليّ يا أبناء رسول الله، عبـدكم وابن أمتكم، الـذّليل بين أيـديكم، والمضـعف فى علوّ قـدركم، والمعترف بحقّكم، جائكم مستجيرا بكم، قاصدا إلى حرمكم، متقرّبا إلى مقامكم، متوسّلا إلى الله تعالى بكم، ءأدخل يا موالى ءأدخل يا

أولياء الله، ءأدخل يا ملائكه الله المحدقين بهذا الحرم المقيمين بهذا المشهد).

و سپس با خشوع و خضوع و رقّت قلب داخل بقيع شو و بخوان:

الله أكبرُ كبيرا والحمد لله كثيرا، و سبحان الله بكره و أصيلًا، والحمد لله، الفرد الصّمد، الماجد الاحد، المتفضّل المنّان، المتطوّل الحنّان، الّذى منّ بطوله، و سهّل زياره ساداتى بإحسانه، ولم يجعلنى عن زيارتهم ممنوعاً بل تطوّل و منح).

و سپس به قبر شريف آنان نزديک شو، و پشت به قبله بايست و بخوان:

(السلام عليكم أئمّه الهدى، السلام عليكم أهل التّقوى، السلام عليكم أيّها الحجج على أهل الدّنيا، السلام عليكم أيّها القوّام فى البريّه بالقسط، السلام عليكم أهل الصّفوه، السلام عليكم آل رسول الله، السلام عليكم أهلَ النّجوى، أشهد أنّكم قد بلّغتم و نصحتم و صبرتم فى ذات الله و كذّبتم و أسيى ء إليكم فغفرتم، و أشهد أنّكم الائمّه الرّاشدون المهتدون، و أنّ طاعتكم مفروضه، و أنّ قولكم الصّدق، و أنّكم دعوتم فلم تجابوا، و أمرتم فلم تطاعوا، و أنّكم دعائم الدّين و أركان الأرض، لم تزالوا بعين الله، ينسخكم من أصلاب كلّ مطهّر، و ينقلكم من أرحام المطهّرات، لم تدنّسكم الجاهليّه الجهلاء، و لم تشرك فيكم فتن الأهواء، طبتم و طاب منبتكم، منّ بكم علينا ديّان الدّين، فجعلكم فى بيوت أذن الله أن ترفع و يذكر فيها اسمه، و جعل صلاتنا عليكم رحمه لنا و كفّاره لذنوبنا، إذ اختاركم الله لنا، و طيّب خلقنا بما منّ علينا من ولايتكم، و كنّا عنده مسمّين بعلمكم، معترفين بتصديقنا إيّاكم، و هذا مقام من أسرف و أخطأ واستكان و أقرّ بما جنى و رجى بمقامه الخلاص، و أن يستنقذوه بكم مستنقذ الهلكى من الرّدى،

فکونوا لی شفعاء، فقد وفدت إلیکم، إذ رغب عنکم أهل الدّنیا واتّخذوا آیات الله هزوا واستکبروا عنها، یا من هو قائم لا یسهو و دائم لا یلهو و محیط بکل شـی ء، لک المنّ بما وفقتنی و عرّفتنی بما أقمتنی علیه، إذ صدّ عنه عبادک، و جهلوا معرفته واستخفّوا بحقّه، و مالوا إلی سواه،

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۰۴

فکانت المنّه منک علیّ، مع أقوام خصصتهم بما خصصتنی به، فلک الحمد إذ کنت عندک فی مقامی هذا، مذکوراً مکتوباً، فلا تحرمنی ما رجوت، ولا تخیّبنی فیما دعوت، بحرمه محمّد و آله الطّاهرین، و صلّی الله علی محمّد و آل محمّد).

و سپس هر آنچه می خواهی دعا کن.

مرحوم شیخ طوسی (ره) در تهذیب فرموده است: و سپس هشت رکعت نماز زیارت بخوان، برای هر امام (ع) دو رکعت.

زیارت ابراهیم فرزند پیامبر (ص)

۷- زیارت حضرت ابراهیم فرزند حضرت رسول اکرم (ص)

(السـلام علی رسول الله، السـلام علی نبیّ الله، السـلام علی حبیب الله، السـلام علی صـفیّ الله، السـلام علی نجیّ الله، السلام علی محمّد بن عبد الله سیّد الانبیاء و خاتم المرسلین و خیره الله من خلقه فی أرضه و سمائه، السلام علی جمیع أنبیائه و رسله، السلام علی الشّـهداء والسّعداء والصّالحین، السلام علینا و علی عباد الله الصّالحین، السلام علیک أیّتها الرّوح الزّاکیه، السلام علیک أیّتها النّفس الشّـریفه، السـلام علیک أیّتها السّـلاله الطّاهره، السـلام علیک أیّتها النّسمه الزّاکیه، السلام علیک یا بن خیرالوری، السلام علیک یابن النّبیّ المجتبی، السـلام علیک یابن المبعوث إلی کافّه الوری، السـلام علیک یابن البشـیر النّذیر، السـلام علیک یابن السّـراج المنیر، السـلام علیک یابن المؤیـد بالقرآن، السـلام علیک یابن المرسل إلی الإنس والجانّ، السـلام علیک یابن صاحب الرّایه

والعلامه، السـلام عليك يابن الشّـفيع يوم القيامه، السـلام عليك يابن من حباه الله بالكرامه، السـلام عليك و رحمه الله و بركاته، أشـهد أنّك قد اختار الله لك دار إنعامه، قبل أن يكتب عليك أحكامه أو يكلّفك حلاله و حرامه، فنقلك إليه طيّبا زاكيا مرضيّا طاهراً من كلّ نجس، مقـدّساً من كلّ دَنَسٍ، و بوّءك جنّه الماوى، و رفعك إلى الـدّرجات العلى، و صلّى الله عليك صـلاةً تقرّ بها عين رسوله، و تبلّغه أكبر مأموله، اللهمّ اجعل أفضل صـلواتك و أزكاها، و أنمى بركاتك و أوفاها، على رسولك و نبيّك و خيرتـك من خلقـك محمّـد خاتم النّبيين، و على من نسل من أولاده الطّيّبين، و على من خلّف من عترته الطّاهرين، برحمتك يا أرحم الرّاحمين، اللهمّ إنّى أسـئلك بحقّ محمّـد صـفيّك، و إبراهيم نجـل نبيّـك، أن تجعـل سـعيى بهم مشـكوراً، و ذنـبى بهم مغفوراً، و حياتى بهم سعيده، و عاقبتى بهم حميده، و حوائجى بهم مقضيةً، و أفعالى بهم مرضيّه، و امورى بهم

رساله مناسك حج (طبع جديد)، ص: ۱۰۵

مسعودةً، و شئونى بهم محمودةً، اللهمّ وأحسن لى التوفيق، ونفِّس عنّى كلّ همّ وضيق، اللهمّ جنّبنى عقابك، و امنحنى ثوابك، و أسـكنّى جنانـك، وارزقنى رضوانـك و أمانـك، و أشـرك لى فى صالـح دعائى والـدىّ و ولـدى و جميع المؤمنين والمؤمنات الأحياء منهم والأموات، إنّك ولىّ الباقيات الصّالحات، آمين ربّ العالمين).

و سپس دو ركعت نماز مى خوانى و دعا مى كنى.

زیارت فاطمه بنت اسد (علیها السلام)

۸- زيارت حضرت فاطمه بنت اسد (عليها السلام) مادر حضرت اميرالمؤمنين (عليه السلام):

(السـلام على نبىّ الله، السـلام على رسول الله، السـلام على محمّد سـيّد المرسـلين، السـلام على محمّد سـيّد الأولين، السلام على محمّد سيّد الآخرين، السلام على من بعثه الله

رحمةً للعـالمين، السـلام عليـك أيّهـا النّبيّ و رحمه الله و برکـاته، السـلام علی فـاطمه بنت أسـد الهاشـميّه، السـلام عليـکِ أيّتها الصّـدّيقه المرضـيّه، السـلام عليـکِ أيّتها التّقيّه النّقيّه، السـلام عليکِ أيّتها الکريمه الرّضـيّه، السـلام عليکِ يا کافله محمّـد خاتم النّبيين، السـلام عليکِ يا والده سيّد الوصـيّين، السـلام عليکِ يا من ظهرت شفقتها علی رسول الله خاتم النّبيين، السلام عليکِ يا من تربيتها لوليّ الله الأمين، السـلام عليکِ و علی روحک و علی بـدنکِ الطّاهر، السـلام عليکِ و علی ولـدکِ و رحمه الله و برکاته، أشـهد أنّک أحسنت الکفاله، و أدّيت الأمانه، واجتهدتِ فی مرضاه الله، و بالغتِ فی حفظ رسول الله، عارفه بحقّه، مؤمنه بصدقه، معترفه بنبوّته، مستبصـره بنعمته، کـافله بتربيته، مشـفقه علی نفسه، واقفه علی خـدمته، مختـاره رضاه، و أشـهد أنّکِ مضـيت علی الايمان، والتّمسک بأشـرف الأديان، راضـيه مرضيّه، طاهره زکيّه، تقيّه نقيّه، فرضی الله عنکِ و أرضاکِ، و جعل الجنّه منزلکِ و مـأواکِ، اللهمّ صلّ علی محمّـد و آل محمّـد، و أنفعنی بزيارتها، و ثبّتنی علی محبّتها، ولا تحرمنی شـفاعتها و شـفاعه الائمّه من ذرّيّتهـا، وارزقنی مرافقتهـا، واحشـرنی معهـا و مع أولادهـا الطّاهرين، اللهم لا تجعله آخر العهـد من زيارتی إيّاها، وارزقنی العود إليهـا أبـداً مـا أبقيتنی، و إذا تـوفّيتنی فاحشـرنی فی زمرتهـا، و أدخلنی فی شـفاعتها، برحمتـک يـا أرحـم الرّاحمين، اللهمّ بحقّها عنـدک و منزلتها لـديک، إغفر لی ولوالـديّ ولجميع المـؤمنين والمؤمنـات، و آتنـا فی الـدّنيا حســنه و فی الآخره حسـنه وقنا برحمتک عذاب النّار).

و سپس دو رکعت نماز می خوانی و دعا می کنی.

رساله مناسک حج (طبع جديد)، ص: ۱۰۶

۹– زيارت حضرت حمزه (ع)

زيارت حضرت حمزه (عليه السلام) در احد: (السلام عليک يا عمّ رسول الله، صلّی الله

علیه و آله، السلام علیک یا خیر الشّهداء، السلام علیک یا أسد الله و أسد رسوله، أشهد أنّک قد جاهدت فی الله عزّ و جلّ، وجدت بنفسک، و نصحت رسول الله صلّی الله علیه و آله، و کنت فیما عند الله سبحانه راغباً، بأبی أنت و امّی، أتیتک، متقرّباً إلی رسول الله صلّی الله علیه و آله بذلک، راغباً إلیک فی الشّفاعه، أبتغی بزیارتک خلاص نفسی، متعوّذاً بک من نارٍ استحقّها مثلی، بما جنیت علی نفسی، هارباً من ذنوبی الّتی احتطبتها علی ظهری، فزعاً إلیک رجاء رحمه ربّی، أتیتک من شقّه بعیده طالباً فکاک رقبتی من النّار، و قد أوقرت ظهری ذنوبی، و أتیت ما أسخط ربّی، ولم أجد أحدا أفزع إلیه خیراً لی منکم أهل بیت الرّحمه، فکن لی شفیعاً یوم فقری و حاجتی، فقد سرت إلیک محزوناً و أتیتک مکروباً و سکبت عبرتی عندک باکیاً، و صرت إلیک مفرداً، و أنت ممّن أمرنی الله بصلته، و حثّنی علی برّه، و دلّنی علی فضله، و هدانی لحبّه، و رغّبنی فی الوفاده إلیه، و ألهمنی طلب الحوائج عنده، أنتم أهل بیت لا یشقی من تولّاکم، ولا یخیب من أتاکم، ولا یخسر من یهواکم، ولا یسعد من عاداکم).

سپس دو رکعت نماز می گذاری، و این دعا را می خوانی:

(اللهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّدٍ، اللهمّ إنّی تعرّضتُ لرحمتک، بلزومی لقبر عمّ نبیّک صلّی الله علیه و آله، لیجیرنی من نقمتک، فی یوم تکثر فیه الأصوات، و تشغل کلّ نفس بما قدّمت، و تجادل عن نفسها، فإن ترحمنی الیوم فلا خوفٌ علیّ ولا حزن، و إن تعاقب فمولی له القدره علی عبده، ولا تخیّبنی بعد الیوم، ولا تصرفنی

بغیر حاجتی، فقد لصقت بقبر عمّ نبیّکَ و تقرّبت به إلیک، ابتغاء مرضاتک، و رجاء رحمتک، فتقبّل منّی، وعد بحلمک علی جهلی، و برأفتک علی جنایه نفسی، فقد عظم جرمی، و ما أخاف أن تظلمنی، و لکن أخاف سوء الحساب، فانظر الیوم تقلّبی علی قبر عمّ نبیّک، فبهما فکّنی من النّار، ولا تخیّب سعیی، ولا یهوننّ علیک ابتهالی، ولا تحجبنّ عنک صوتی، ولا تقلبنی بغیر حوائجی، یا غیاث کلّ مکروب و محزون، و یا مفرّجاً عن الملهوف الحیران الغریق المشرف علی الهلکه، فصلّ علی محمّد و آل محمّد، وانظر إلیّ نظره لا أشقی بعدها أبداً وارحم تضرّعی و عبرتی وانفرادی، فقد رجوت رضاک، و تحرّیت الخیر الّذی لا یعطیه أحد سواک، فلا تردّ أملی، اللهم إن تعاقب فمولی له القدره علی عبده، و جزائه بسوء فعله، فلا أخیبنّ الیوم، ولا تصرفنی بغیر حاجتی، ولا تخیّبنّ شخوصی و وفادتی، فقد أنفدت نفقتی، و أتعبت بدنی، و قطعت المفازات، و خلّفت الأهل

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۰۷

والمال و ما خوّلتنی، و آثرت ما عندک علی نفسی، و لذت بقبر عمّ نبیّک صلّی الله علیه و آله، و تقرّبت به ابتغاء مرضاتک، فعد بحلمک علی جهلی، و برأفتک علی ذنبی، فقد عظم جرمی، برحمتک یا کریم یا کریم).

زیارت شهدای احد

۱۰- زیارت شهدای احد رضوان الله تعالی علیهم:

(السلام علی رسول الله، السلام علی نبیّ الله، السلام علی محمّد بن عبد الله، السلام علی أهل بیته الطّاهرین، السلام علیکم أیّها الشّهداء المؤمنون، السلام علیکم یا أهل بیت الإیمان والتّوحید، السلام علیکم یا أنصار دین الله و أنصار رسوله، علیه و آله السلام، سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدّار، أشهد

أن الله اختاركم لدينه، واصطفاكم لرسوله، و أشهد أنّكم قد جاهدتم فی الله حقّ جهاده، و ذببتم عن دين الله و عن نبيّه، و جدتم بأنفسكم دونه، و أشهد أنّكم قتلتم على منهاج رسول الله، فجزاكم الله عن نبيّه و عن الإسلام و أهله أفضل الجزاء، و عرّفنا وجوهكم فی محلّ رضوانه و موضع إكرامه، مع النّبيّين والصّدّيقين والشهداء والصّالحين، و حسن اولئك رفيقا، أشهد أنّكم حزب الله من حاربكم فقد حارب الله، وأنكم لمن المقرّبين الفائزين، الّذين هم أحياء عند ربّهم يرزقون، فعلى من قتلكم لعنه الله والملائكه والنّاس أجمعين، أتيتكم يا أهل التّوحيد زائرا، و بحقّكم عارفا، و بزيارتكم إلى الله متقرّبا، و بما سبق من شريف الأعمال و مرضيّ الافعال عالما، فعليكم سلام الله و رحمته و بركاته، و على من قتلكم لعنه الله و غضبه و سخطه، اللهمّ انفعنی بزيارتهم، و ثبّتنی على قصدهم، و توفّنی على ما توفّيتهم عليه، واجمع بينی و بينهم فی مستقرّ دار رحمتك، أشهد أنّكُمْ لنا فرط و نحن بكم لاحقون).

اعمال شب عرفه

توبه در شب عرفه مقبول و دعا مستجاب می باشد و زيارت امام حسين (ع) ثواب بسيار زياد دارد، و مستحب است اين دعا را در شب عرفه بخواند:

(اللهمّ يا شاهد كلّ نجوى، و موضع كلّ شكوى، و عالم كلّ خفيّه، و منتهى كلّ حاجه، يا مبتدئا بالنّعم على العباد، يا كريم العفو، يا حسن التّجاوز، يا جواد، يا من لا يوارى منه ليل داج، ولا بحرٌ عجاج، ولا سماءٌ ذات أبراج، ولا ظلم ذات ارتتاج، يا من الظلمه عنده ضياءٌ، أسألك بنور وجهك الكريم، الّذى تجلّيت به للجبل

رساله مناسك حج (طبع جديد)، ص: ۱۰۸

فجعلته دكّا و

خرّ موسى صعقاً، و باسمک الّذی رفعت به السّماوات بلا عمد وسطحت به الارض علی وجه ماء جمد، و باسمک المخزون المکنون، المکتوب الطّاهر الّذی إذا دعیت به أجبت، و إذا سئلت به أعطیت، و باسمک السّبّوح القدّوس البرهان الّذی هو نورٌ علی کلّ نور، و نورٌ من نور، یضیء منه کلّ نور، اذا بلغ الارض انشقّت، و اذا بلغ السّماوات فتحت، و إذا بلغ العرش اهتزّ، و باسمک الّذی ترتعد منه فرائص ملائکتک، و أسألک بحقّ جبرئیل و میکائیل و إسرافیل، و بحق محمد المصطفی صلّی الله علیه و آله و علی جمیع الأنبیاء و جمیع الملائکه، و بالإسم الّذی مشی به الخضر علی قلل الماء، کما مشی به علی جدد الارض، و باسمک الّذی فلقت به البحر لموسی، وأغرقت فرعون و قومه، و أنجیت به موسی بن عمران و من معه، و باسمک الّذی دعاک به موسی بن عمران من جانب الطّور الایمن، فاستجبت له و ألقیت علیه محبّه منک، و باسمک الّذی به أحیی عیسی بن مریم الموتی، و تکلّم فی المهد صبیاً، و أبرء الاکمه والابرص بإذنک، و باسمک الّذی دعاک به حمله عرشک و جبرئیل و میکائیل و إسرافیل و حبیبک محمّد صلّی الله علیه و آله، و ملائکتک المقرّبون و أنبیاؤک المرسلون و عبادک الصّالحون، من أهل السّماوات والأرضین، و باسمک الّذی دعاک به ذوالنّون، إذ ذهب مغاضباً فظنّ أن لن تقدر علیه، فنادی فی الظّلمات أن لا إله إلّا أنت، سبحانک إنّی کنت من الظّالمین، فاستجبت له و نجّیته من الغمّ و کذلک تنجی المؤمنین، و باسمک العظیم الّذی دعاک به داود، و خرّ لک ساجداً فغفرت له ذنبه،

و باسمک الّذی دعتک به آسیه امرأه فرعون، إذ قالت ربّ ابن لی عندک بیتاً فی الجنّه و نجّنی من فرعون و عمله و نجّنی من القوم الظّالمین، فاستجبت لها دعاءها، و باسمک الّذی دعاک به أیوب إذ حلّ به البلاء، فعافیته و آتیته أهله، و مثلهم معهم رحمهً من عندک و ذکری للعابدین، و باسمک الّذی دعاک به یعقوب فرددت علیه بصره و قرّه عینه یوسف و جمعت شمله، و باسمک الّذی دعاک به سلیمان فوهبت له ملکاً لا ینبغی لأحد من بعده إنّک أنت الوهّاب، و باسمک الّذی سخّرت به البراق لمحمّد صلّی الله علیه و آله وسلّم، إذ قال تعالی: سبحان الّذی أسری بعبده لیلًا من المسجد الحرام الی المسجد الأقصی، و قوله: سبحانه الّذی سخّر لنا هذا و ما کنّا له مقرنین و إنا إلی ربّنا لمنقلبون، و باسمک الّذی تنزّل به جبرئیل علی محمّد صلّی الله علیه و آله، و باسمک الّذی دعاک به آدم فغفرت له ذنبه و أسکنته جنّتک، و أسألک بحقّ القرآن العظیم، و بحقّ محمّد خاتم النّبیّین، و بحقّ إبراهیم، و بحقّ فصلک یوم القضاء، و بحقّ الموازین إذا نصبت، والصّحف إذا نشرت، و بحقّ القلم و ما جری، واللّوح و ما أحصی، و بحقّ الإسم الّذی کتبته علی سرادق العرش، قبل خلقک الخلق والدّنیا والشّمس والقمر بألفی عام، و أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شریک له، و أن محمّداً

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۰۹

عبده و رسوله، و أسألک باسمک فی المخزون فی خزائنک الّذی استأثرت به فی علم الغیب عندک، لم یظهر علیه أحدٌ من خلقک، لا ملک مقرّب ولا نبی

مرسـل ولا عبـد مصـطفى، و أسألك باسـمك الّـذى شـققت به البحار، و قامت به الجبال، واختلف به اللّيل والنار، و بحقّ السّبع المثانى والقرآن العظيم، و بحقّ الكرام الكاتبين، و بحقّ طه و يس، و كهيعص، و حمعسق، و بحقّ توراه موسـى، و إنجيل عيسى، و زبور داود، و فرقـان محمّـد صلّى الله عليه و آله و على جميع الرّسـل، و بآهيّا شـراهيّا، اللهمّ إنّى أسـئلك بحقّ تلك المناجات الّتى كـانت بينـك و بين موسـى بن عمران فوق جبـل طور سـيناء، وأسألـك بـاسم الـذى علّمته ملـك الموت لقبض الأرواح، و أسألـك باسـمك الّـذى كتب على ورق الزّيتـون، فخضـعت النّيران لتلـك الورقه، فقلت يـا نـار كونى برداً و سـلاماً، و أسـألك باسـمك الّذى كتبته على سـرادق المجد والكرامه، يا من لا يحفيه سائل، ولا ينقصه نائل، يا من به يسـتغاث و إليه يلجأ، أسئلك بمعاقـد العزّ من عرشـك، و منتهى الرّحمه من كتابـك، و باسـمك الأعظم وجـدّك الأعلى، و كلمات التّامّات العلى، اللهمّ ربّ الرّياح و ما ذرت، والسّماء و ما أظلّت، والأرض و ما أقلّت، والشّياطين و ما أظلّت، والبحار و ما جرت، و بحقّ كلّ حق هو عليك حق، و بحقّ الملائكه المقرّبين، والرّوحـانيّين والكرّوبيّين، والمسبّحين لـك باللّيـل والنّهار لا يفترون، و بحقّ إبراهيم خليلك، و بحقّ كلّ ولى يناديك بين الصّفا والمروه، و تستجيب له دعاءه، يا مجيب أسألك بحقّ هذه الأسماء و بهذه الدّعوات، أن تغفر لنا مـا قـدّمنا و ما أخرّنا و ما أسـررنا وما أعلنا و ما أبـدينا و ما أخفينا و ما أنت أعلم به منّا، إنّك على كلّ شـى ء قـديرٌ برحمتك يا أرحم الرّاحمين، يا حافظ كلّ غريب،

یـا مونس کـلّ وحیـد، یـا قوّه کـلّ ضـعیف، یـا ناصـر کلّ مظلوم، یا رازق کلّ محروم، یا مؤنس کلّ مسـتوحش، یا صاحب کلّ مسافر، یا عماد کلّ حاضـر، یا غافر کلّ ذنب و خطیئه، یا غیاث المستغیثین، یا صریخ المستصرخین، یا کاشف کرب المکروبین، یا فارج همّ المهمومین، یا بدیع السّـماوات والارضـین، یا منتهی غایه الطّالبین، یا مجیب دعوه المضـطرّین، یا أرحم الرّاحمین، یا ربّ العالمین، یا دیّام یوم الـدّین، یا أجود الاجودین، یا أکرم الاکرمین، یا أسـمع السّامعین، یا أبصـر النّاظرین، یا أقدر القادرین، اغفر لی الذّنوب الّتی تغیّر النّعم، واغفر لی الذّنوب الّتی تورث النّدم، واغفر لی الذّنوب الّتی تورث السّقم واغفر لی الذّنوب الّتی تهتـک العصم، واغفر لی الـذّنوب الّتی تردّ الـدّعاء، واغفر لی الـذّنوب الّتی تحبس قطر السّـماء، واغفر لی الـذّنوب الّتی تعجّل الفناء، واغفر لی الذّنوب الّتی تجلب الشّقاء، واغفر لی الذّنوب الّتی تظلم الهواء، واغفر لی الذّنوب الّتی تکشف الغطاء، واغفر لی الذّنوب الّتی لا یغفرها غیرک یا الله، واحمل عنّی کلّ تبعه لأحد من خلقک، واجعل لی من أمری فرجاً و مخرجاً و یسراً، و أنزل یقینک فی صدری، و رجاءک فی قلبی، حتّی لا

أرجـو غیرک، اللهـمّ احفظنی و عـافنی فی مقـامی، واصـحبنی فی لیلی و نهـاری و من بین یـدیّ و من خلفی و عن یمینی و عن شمالی و من فوقی و من تحتی، و یسّـر لی السّبیل و أحسن لی التیسـیر، ولا تخـذلنی فی العسـیر، واهدنی یا خیر دلیل، ولا تکلنی إلی نفسی فی الامور، و لقّنی کلّ سرور، واقلبنی إلی أهلی بالفلاح والنّجاح، محبوراً فی العاجل والآجل، إنّکَ

على كـلّ شـی ء قـديرٌ، وارزقنی من فضـلک و أوسع علیّ من طيّبـات رزقـک، واسـتعملنی فی طاعتک، وأجرنی من عـذابک و نـارک، واقلبنی إذا تـوفّيتنی إلی جنَّتـک برحمتـک، اللهمّ إنّی أعوذ بـک من زوال نعمتـک، ومن تحويـل عافيتـک و من حلول نقمتک، و من نزول عـذابک، و أعوذ بک من جهـد البلاء، و درک الشّـقاء، و من سوء القضاء، و شـماته الأعـداء، و من شـرّ ما ينزل من السّـماء، و من شـرّ ما فی الکتاب المنزل، اللهمّ لا تجعلنی من الاشرار ولا من أصحاب النّار، ولا تحرمنی صحبه الأخيار، و أحينی حيـاه طيّبه، و توفّنی وفـاه طيّبه تلحقنی بالأـبرار، وارزقنی مرافقه الانبياء فی مقعـد صـدق عنـد مليک مقتـدر، اللهمّ لک الحمـد علی حسن بلائک و صـنعک، و لک الحمـد علی الإسـلام واتّباع السّـنه، يا ربّ کما هـديتهم لـدينک و علّمتهم کتابک فاهـدنا و علّمنـا، و لـک الحمـد علی حسن بلائـک و صـنعک عنـدی خاصّه کما خلقتنی، فأحسـنت خلقی، و علّمتنی فأحسـنت تعليمی، و هـديتنی فأحسـنت هدايتی، فلک الحمد علی انعامک علیّ، قديماً و حديثاً، فکم من کرب يا سيّدی قد فرجته، و کم من هم يا سيّدی قد کشـفته، و کم من بلاء يا سيّدی قد صرفته، و کم من عيب يا سيّدی قد سترته، فلک الحمد علی کلّ حال، فی کلّ مثوی و زمان، و منقلب و مقام، و علی هـذه الحال و کلّ حال، اللهمّ اجعلنی من أفضل عبادک نصـيباً فی هذا اليوم، من خير تقسمه، أو ضرّ تکشفه، أو سوء تصرفه، أو بلاء تدفعه، أو خير تسوقه، أو رحمه تنشرها، أو عافيه تلبسُها، فانّک علی کلّ شی ء قديرٌ، و بيدک خزائن السّماوات والارض، و

أنت الواحد الكريم المعطی، الّذی لا یردّ سائلهُ، ولا یخیّب آملهُ ولا ینقص نائلهُ، ولا ینفد ما عنده، بل یزداد کثرةً و طیباً، و عطاءً وجوداً، وارزقنی من خزائنک الّتی لا تفنی، و من رحمتک الواسعه، إنّ عطاءک لم یکن محظوراً، و أنت علی کلّ شی ء قدیرٌ، برحمتک یا أرحم الرّاحمین).

اعمال روز عرفه

۱- غسل

۲- زیارت حضرت امام حسین (ع)، و همچنین دعای آن حضرت در روز عرفه، و دعای امام زین العابدین (ع).

رساله مناسک حج (طبع جدید)، ص: ۱۱۱

۳- بعد از نماز عصر، دو رکعت نماز زیر آسمان بجا آورد، و سپس به گناهان خود اعتراف کند، و از خدا آمرزش بخواهد که هم ثواب عرفه را بدست آورد، و هم گناهانش آمرزیده شود.

و مرحوم کفعمی روایت می کند که پس از نماز عصر، دو رکعت نماز بگذارد در رکعت اول بعد از حمد سوره توحید و در رکعت دوم سوره (قل یا ایّها الکافرون) بخواند. و سپس چهار رکعت دیگر بجا آورد در هر رکعت یک حمد و سوره توحید پنجاه مرتبه بخواند. و این همان نماز امیرالمؤمنین (ع) است، و سپس این دعا را که مرحوم ابن طاوس از پیامبر اکرم (ص) روایت کرده بخواند:

(سبحان الّذی فی السّماء عرشه، سبحان الّذی فی الارض حکمه، سبحان الّذی فی القبور قضاؤه، سبحان الّذی فی البحر سبیله، سبحان الّذب فی النّار سلطانه، سبحان الّذی فی الجنّه رحمته، سبحان الّذی فی القیامه عدله، سبحان الّذی رفع السّماء، سبحان الّذی بسط الارض، سبحان الّذی لا ملجأ ولا منجا منه إلا إلیه).

سپس صد مرتبه بگوید: (سبحان الله والحمد لله ولا إله إلّا الله و الله أکبر)، و سوره توحید را صد

مرتبه، و (آیه الکرسی) را صد مرتبه بخواند، و صد مرتبه صلوات بر محمّد و آل محمّد (علیهم السلام) بفرستد و بگوید:

(لا إله إلّا الله وحده لا شریک له، له الملک وله الحمد، یحیی و یمیت، و یمیت و یحیی، و هو حیّ لا یموت، بیده الخیر و هو علی کلّ شی ء قدیر) ده مرتبه.

(أستغفر الله الّذی لا إله إلّا هو الحیّ القیّوم و أتوب إلیه) ده مرتبه. (یا الله) ده مرتبه. (یا رحمن) ده مرتبه. (یا رحیم) ده مرتبه. (یا بدیع السّماوات والارض، یا ذا الجلال والإکرام) ده مرتبه. (یا حیّ یا قیّوم) ده مرتبه. (یا حنّان یا منّان) ده مرتبه. (یا لا إله إلّا أنت) ده مرتبه. (آمین) ده مرتبه.

سپس بگوید:

(اللهمّ إنّی أسألک یا من هو أقرب إلیّ من حبل الورید، یا من یحول بین المرء و قلبه، یا من هو بالمنظر الأعلی و بالافق المبین، یا من هو الرّحمن علی العرش استوی، یا من لیس کمثله شی ء و هو السّمیع البصیر، أسألک أن تصلّی علی محمّد و آل محمّد).

و حاجتهای خود را از خداوند بخواهد، که انشاء الله برآورده می شود.

سبحان ربّک ربّ العزّه عمّا یصفون، وسلامٌ علی المرسلین، والحمد لله ربّ العالمین، وصلّی الله علی محمد و آله الطّیبین الطاهرین.

قم المقدسه محمد الشیرازی

۳

۱ حسینی شیرازی،محمد، رساله مناسک حجّ (طبع جدید)، ۱جلد.

۲ حسینی شیرازی،محمد، رساله مناسک حجّ (طبع جدید)، ۱جلد.

۳ حسینی شیرازی،محمد، رساله مناسک حجّ (طبع جدید)، ۱جلد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹